تصویر ابو عبد الرحمن الکردی

تاریخچه جنگ جهانی اول

نویسنده: سایمون آدامز

مترجم: دکتر پرویز دلیرپور



تاریخچه جنگ جهانی اول





نویسنده: سایمون آدامز

ترجمه: دکتر پرویز دلیرپور

سبزان

سرشناسه	: آدامز، سایمون، ۱۹۵۵ - م.Adams , Simon
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخچه جنگ جهانی اول/ نویسنده سایمون آدامز؛ ترجمه پرویز دلیرپور.
مشخصات نشر	: تهران: سبزان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ص. مصور.
شابک	: ۹-۰۶۶-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت	: عنوان اصلی: Eyewitness World War I.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸م - ادبیات نوجوانان
شناسه افزوده	: دلیرپور، پرویز، ۱۳۵۰ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۲ت۴آ/۷/D۵۲۲
رده بندی دیویی	: ۹۴۰/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۵۵۴۷۰



انتشارات سبزان

میدان فردوسی ـ خیابان فرصت ـ ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

تاریخچه جنگ جهانی اول

نویسنده: سایمون آدامز

مترجم: دکتر پرویز دلیر پور

ناشر: سبزان

حروف‌چینی و طراحی و لیتوگرافی: واحد فنی سبزان

۸۸۳۱۹۵۵۷ - ۸۸۳۴۸۹۹۱

نوبت چاپ: اول -۱۳۹۱

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت‌آی‌ای کتاب www.iiketab.com

شابک: ۹-۰۶۶-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸ ISBN:978 - 600 -117 - 066 - 9

فهرست

مقدمه

به نام خداوند جان و خرد

دانایی، توانایی است

یادگیری علم ومطالعۀ تاریخ گذشتگان، در واقع استفاده از تجربیات همۀ کسانی است که پیش از ما زندگی کرده و رنج و زحمتی را برای کسب تجربه، متحمل شده‌اند. ما با مطالعۀ صحیح تاریخ و با استفادۀ درست از علم و در واقع با بهره گیری از تجربیات گذشتگان توانایی‌های خودمان را افزایش داده و دنیایی زیبا، آرام و دلنشین را برای خود و دیگران مهیا خواهیم ساخت.

انتشارات سبزان با آماده‌سازی و گردآوری مجموعه‌های متنوع در شاخه‌های گوناگون علم و تاریخ تمدن ملل مختلف، سعی دارد از این طریق گامی هرچند کوچک، در جهت افزایش دانستنی ها و دانش نسل جوان بردارد و در حد وسع و توانایی خود بر معلومات آن‌ها بیفزاید. جا دارد از کوشش نویسندگان و مترجمان گرانقدر که در آماده سازی این مجموعه ما را یاری کرده اند تشکر نموده و دست یاری به سوی همه کسانی دراز کنیم که می‌توانند در رشد و اعتلای این مجموعه به کمک ما بشتابند. بدون شک با گسترش حیطۀ همکاران خود، سریع تر و بهتر به سر منزل مقصود خواهیم رسید.

اروپای از هم گسیخته

در آغاز سده بیستم و رشد سرمایه داری، کشورهای قاره اروپا هر چه بیشتر به دشمنی با یکدیگر پرداخته و سعی درگسترش حیطه نفوذ خود داشتند. امپراطوری های انگلستان، فرانسه و آلمان به رقابت در عرصه تجارت برای ثروت اندوزی هرچه بیشتر و نفوذ در فراسوی دریاها و قاره های دیگر و گسترش سلطهٔ خود بر کشورهای مستعمره روی آورده بودند درحالی که اتریش - مجارستان و روسیه تلاش می کردند بر کشورهای شبه جزیره بالکان در جنوب شرقی اروپا چیره شوند. صف آرایی نظامی بین آلمان و اتریش - مجارستان از یک سو و روسیه و فرانسه از سوی دیگر به تشکیل اتحادهای نظامی قدرتمند منجر شده و رقابت تسلیحاتی علی الخصوص در جنگ افزارهای دریایی، به این تنش ها شدت می بخشید.
در سال های ۱۳-۱۹۱۲، با آشکار شدن ضعف های امپراطوری عثمانی، دو جنگ بزرگ در بالکان، برای تقسیم سرزمین‌های تحت کنترل عثمانی، رخ داد. متعاقب آن در سال ۱۹۱۴، دشمنی ها در اروپا اوج گرفته و اوضاع سیاسی به شدت رو به وخامت گذاشته بود. اگر چه عده ای در آن زمان عقیده داشتند جنگ در این قاره قابل اجتناب بود، ولی آزمندی و طمع کشورهای استعماری نتیجه ای جز جنگ نداشت.



جرج پنجم انگلیس — تزار نیکلای دوم، پادشاه روسیه

ارتباط فامیلی ◄

اغلب کشورهای اروپایی توسط سیستم سلطنتی اداره می شدند که دارای ارتباطات فامیلی هم بودند. اگرچه جرج پنجم پادشاه انگلستان و تزار روسیه نیکلای دوم در این عکس شبیه یکدیگر به نظر می‌رسند، ولی رابطه فامیلی مستقیم نداشتند، اما همسر نیکلای به نام الکساندرا دختر عموی جرج پنجم بود.

◄ رزمناو HMS

به دریا انداختن رزمناو HMS دردناوت در فوریه ۱۹۰۶، انقلابی در طراحی کشتی‌های جنگی محسوب می‌شد. این رزمناو انگلیسی با برخورداری از توپ‌های ۳۰ سانتی متری و حداکثر سرعت ۲۱ گره دریایی، از نظر سرعت و عملکرد برتر از دیگر رزمناوهای آن روزگار بود. با توجه به نقش و اهمیت نیروی دریایی در جنگ ها و فتح سرزمین های دوردست، آلمان، فرانسه و دیگر کشورهای مشرف به دریا نیز شروع به طراحی و ساختن رزمناوهای مخصوص به خود کردند و رقابت گسترده جهانی در عرصه دریاها بالا گرفت.



بعضی کودکان مدل هایی از رزمناو HMS دردناوت داشتند و می‌توانستند تمامی جزییات مربوط به آن را ببینند.



موتورخانه

کارخانه‌ای که قسمتی از آن را می‌بینید در دره رور، در غرب آلمان واقع شده بود و به شرکت تسلیحاتی آلفرد کروپ تعلق داشت. خانواده کروپ بزرگترین تأمین کننده تسلیحات جهان بود. هنگامی که ایالت های آلمانی در سال ۱۸۷۱ به یکپارچگی و اتحاد دست یافتند، آلمان هنوز کشوری متکی به کشاورزی بود. اما بعد از سی سال، ساخت و راه اندازی صنایع جدید آهن، فولاد، ذغال سنگ و صنایع مهندسی و ساخت کشتی، آلمان را تبدیل به سومین کشور صنعتی بزرگ در جهان، بعد از امریکا و انگلستان کرد. این دو کشور به ترتیب مقام‌های اول و دوم را در اختیار داشتند.



قیصر ویلهلم دوم

ویلهلم دوم در سال ۱۸۸۸ در حالی به مقام امپراطور آلمان رسید که تنها ۲۹ سال سن داشت و مادرش یک شاهزادهٔ انگلیسی بود. او همچنین از یک بازو فلج و از ناتوانی‌های دیگری هم رنج می‌برد، اما با شخصیت قوی خود بر تمام این نقص های جسمی غلبه کرد. او در مقام امپراطور سعی کرد آلمان را از یک قدرت اروپایی تبدیل به قدرتی جهانی کند و توانست سرزمین های زیادی را به مستعمرات آلمان بیفزاید و حتی در این راه، رود رروی انگلستان ایستاد. سیاست های تهاجمی و رفتار متکبرانه او باعث رنجش سایر کشورهای اروپا به ویژه انگلستان و فرانسه گردید. بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی اول به هلند گریخت و تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد. ملکه هلند هیچوقت حاضر نشد او را به متفقین تحویل دهد.

رقیبان اروپایی

در سال ۱۸۸۲، آلمان، اتریش - مجارستان و ایتالیا قرارداد اتحاد سه‌گانه، برای حمایت از خودشان در برابر تجاوز دیگر کشورها را امضا کردند. فرانسه و روسیه با احساس خطر از این اقدام در سال ۱۸۹۴ طبق قراردادی، متحد نظامی یکدیگر شدند. انگلستان نیز در سال ۱۹۰۴ با فرانسه و در سال ۱۹۰۷ با روسیه به امضای تفاهم نامه دست زد. در طی دوران جنگ، صربستان، مونته نگرو، بلژیک، رومانی، پرتغال و یونان در کنار متفقین وارد جنگ شدند. بلغارستان و ترکیه نیز در کنار آلمان و اتریش- مجارستان به عنوان قدرت های محور می‌جنگیدند. در سال ۱۹۱۵ ایتالیا هم به متفقین پیوست.



شلیک مرگبار

در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴، وارث پادشاهی اتریش- مجارستان به نام آرکدوک فرانتز فردیناند، در سارایووی بوسنی مورد سوء قصد قرار گرفت. بوسنی از سال ۱۹۰۸ بخشی از کشور اتریش- مجارستان بود، اما صربستان، بوسنی را متعلق به خودش می دانست و می خواست آن را به کشور خود ملحق کند. اتریش- مجارستان، صربستان را مسئول این سوء قصد معرفی کرد و در ۲۸ ژوئیه به آن کشور اعلام جنگ کرد و سومین جنگ در میان اروپاییان شروع شد. آنچه که در ابتدا به عنوان سومین جنگ بالکان و فقط میان دو کشور آغاز شده بود ظرف دو سال تبدیل به یک جنگ اروپایی شد. طبق قراردادهای نظامی که از قبل بین کشورهای مختلف منعقد شده بود، روسیه از صربستان، آلمان از اتریش- مجارستان، و فرانسه از روسیه پشتیبانی می کرد. در چهارم اوت، آلمان در مسیر خود به سمت فرانسه، به بلژیک که کشوری بی‌طرف بود، حمله کرد. آلمان تمایل داشت پیش از این که توجه خود را معطوف به روسیه کند، فرانسه را از صحنه جنگ حذف نماید و به این ترتیب مجبور به جنگ در دو جبهه شد. اما بریتانیا تضمین کرده بود که از بی‌طرف بودن بلژیک حمایت کند، بنابراین به آلمان اعلام جنگ داد، بدین ترتیب جنگ جهانی اول شروع شد.



اولین بمب روی صندلی عقب پرتاب شد ولی زیر ماشین اسکورت فرود آمد.

آرشی دوک و همسرش سوفی در عقب اتومبیل روباز نشسته بودند.



تروریست‌ها ▲

گاوریلو پرینسیپ- بالا سمت راست- مرتکب شلیک مرگبار شد. او وابسته به تروریست‌های «سیاه دست» (Black Hand) بود که معتقد بودند بوسنی باید بخشی از صربستان باشد.

۲۸ ژوئن، آرکدوک فرانتز فردیناند در سارایوو به قتل می‌رسد.

۵ ژوئیه، آلمان اعلام می کند از متحد خود، امپراطوری اتریش- مجارستان در برابر هر اقدام علیه صربستان حمایت کامل خواهد کرد

۲۳ ژوئیه اتریش اولتیماتوم شدید اللحنی را علیه صربستان صادر می کند که استقلال این کشور را زیر سوال می برد.

۲۵ ژوئیه، صربستان با بیشتر درخواست های مطرح در اولتیماتوم اتریش - مجارستان موافقت می کند، اما در عین حال به بسیج نیروهای خود نیز اقدام می کند.



بسیج شوید!

طی جولای ۱۹۱۴، اعلامیه‌های نظامی در سراسر اروپا برای شهروندان ارسال می‌شد و به آن‌ها اطلاع می‌داد ارتش کشورشان در حال بسیج و آماده شدن برای جنگ است و تمام کسانی که مشمول خدمت عادی و ذخیره هستند باید خود را معرفی کنند. بیشتر مردم فکر می کردند جنگ به نفع آن‌هاست.



ارتش اتریش- مجارستان

امپراطوری اتریش- مجارستان دارای سه ارتش بود. ارتش اتریش، ارتش مجارستان و «ارتش مشترک»، در این ارتش ده زبان مختلف بین سربازان رواج داشت. زبان رسمی آلمانی بود، ولی افسران باید زبان بومی سربازان خود را نیز می‌آموختند، و این منجر به مشکلات ارتباطی فراوانی می‌شد. این ارتش ساختار پیچیده ای داشت و ناشی از تنوع اقوام و ملیت های تشکیل دهنده امپراطوری بود. در واقع این امپراطوری متشکل از دو پادشاهی مجزا تحت حاکمیت یک شاهنشاه بود.

سرباز اتریش- مجارستان وابسته به لشگر هشتم اولان



شش تروریست- پنج صرب و یک بوسنیایی- مدتی طولانی منتظر ورود آرکدوک فردیناند به اقامتگاه فرماندار اتریشی در سارایوو بودند. یکی از آن ها بمبی را پرتاب کرد، ولی بمب زیر ماشین بعدی منفجر شد و دو افسر ارتش را زخمی کرد. آرکدوک و همسرش ۴۵ دقیقه بعد برای ملاقات افسران زخمی به بیمارستان رفتند. وقتی خودروی آن ها یک پیچ اشتباه را طی کرد، گاوریلو پرینسیپ از ازدحام جمعیت بیرون پرید و این زوج را به قتل رساند. همسر فردیناند فورا درگذشت و خود او ۱۰ دقیقه بعد فوت کرد.

۲۸ ژوئیه، اتریش مجارستان آمادگی صربستان برای رسیدن به راه حل، مسالمت آمیز جهت پایان بحران را نادیده گرفته بدین کشور اعلان جنگ می دهد.

۳۰ ژوئیه، روسیه در حمایت از متحد خود، صربستان، بسیج می شود.

۳۱ ژوئیه، آلمان خواستار توقف بسیج نیروهای روس می شود.



خارج می‌بینیمتان!

تب جنگ آن چنان در اروپا بالا بود که هر دو طرف فکر می کردند به زودی به پیروزی رسیده و کشور مقابل را به تصرف خود در خواهند آورد. همه به فکر انتقام گرفتن بودند هیچ کس به عواقب آن فکر نمی کرد. شعارهایی به زبان آلمانی بر روی این قطار که به سمت غرب و فرانسه در حرکت است نوشته شده به این معنی: «گردش یک روزه در پاریس» و «شما را دوباره در بلوار می‌بینیم»، زیرا همه آلمانی ها تصور می کردند حمله آن ها علیه فرانسه به زودی آن ها را به پاریس خواهد رساند و یک روزه فرانسه را فتح خواهند کرد. قطارهای فرانسوی هم که به سوی شرق در حرکت بودند، نیز پیام‌های مشابهی درباره فتح برلین روی بدنه خود داشتند. هر دو طرف سرشار از غرور، به پیروزی زودرس و بدون دردسر فکر می کردند. پوسترهای فراخوان برای بسیج نظامی به سرعت در آلمان و فرانسه چاپ و پخش می شد و به همه پیروزی را نوید می داد.



شادمانی در آلمان

آلمان در ۱ اوت، ارتش خود را علیه روسیه آماده ساخت و سپس در ۳ اوت علیه فرانسه اعلام جنگ نمود. اکثر آلمانی‌ها در شهرهای بزرگ مشتاق ورود به جنگ بودند و بسیاری از غیرنظامیان در حمایت از قیصر و کشور خود، برای پیوستن به ارتش هجوم آوردند. این اشتیاق در روستاهای آلمان ضعیف تر بود.

۱ اوت، آلمان نیروهای خود را بسیج کرده و علیه روسیه اعلان جنگ می کند. فرانسه نیروهای خود را در حمایت از متحد خود- روسیه- بسیج می کند. آلمان با امپراطوری عثمانی موافقت نامه‌ای به امضا می‌رساند. ایتالیا اعلام بی طرفی می کند.

۲ اوت، آلمان به لوکزامبورگ تجاوز می کند و خواستار حق ورود به بلژیک بی طرف می شود که این تقاضا رد می گردد.

۳ اوت، آلمان به فرانسه اعلان جنگ می دهد.

زنده باد فرانسه

ارتش فرانسه در اول اوت بسیج شد. برای بسیاری از فرانسوی‌ها، جنگ فرصتی برای انتقام شکست فرانسه از آلمان در سال‌های ۷۱–۱۸۷۰ و از دست دادن ایالت آلزاس ولرن به نفع آلمان به شمار می‌آمد. فرانسوی ها نتوانسته بودند هنوز تحقیر شکست آن جنگ را فراموش کنند. در آن جنگ، بیسمارک به عنوان رایش دوم با حمله به فرانسه، ارتش آن کشور را به طور کامل نابود کرده و به عنوان آخرین توهین به فرانسوی ها، در کاخ ورسای در پاریس به عنوان امپراطور آلمان سوگند خورد.

«همه امیدها در سراسر اروپا به ناامیدی تبدیل می‌شوند»

سر ادوارد گری (وزیر خارجه انگلستان ۱۹۱۴)



۴ اوت، آلمان به بلژیک از راه فرانسه تجاوز می کند؛ بریتانیا برای حمایت از بی طرفی بلژیک وارد جنگ می شود.

۶ اوت، اتریش- مجارستان به روسیه اعلام جنگ می دهد.

۱۲ اوت، فرانسه و انگلیس به اتریش - مجارستان اعلام جنگ می دهند.

جنگ در غرب

از دهه ۱۸۹۰ به بعد، آلمان همیشه نگران بود که ناچار به جنگ در دو جبهه شود، در شرق علیه روسیه و در غرب علیه فرانسه متحد روسیه. آلمان می‌دانست شانس برنده شدن در چنین جنگی اندک است. در سال ۱۹۰۵، فرمانده ستاد ارتش آلمان، ارتشبد کنت آلفرد فون اشلایفن، طرحی تهیه کرده بود که بر اساس آن ارتش آلمان قبل از آنکه با تمام قدرت به روسیه حمله کند، باید ارتش فرانسه را از میدان نبرد سریعا حذف کند. برای مؤثر واقع شدن این طرح، آلمان باید بی طرفی بلژیک را زیر پا گذاشته، به آن کشور تجاوز می‌کرد. در اوت ۱۹۱۴، این طرح به اجرا گذاشته شد. نیروهای آلمانی در چهارم اوت از مرز بلژیک گذشتند و تا پایان ماه موفق شدند به شمال فرانسه حمله ببرند. اجرای طرح اشلایفن مستلزم آن بود که ارتش از شمال و غرب به سوی پاریس هجوم برد. اما فرمانده آلمانی به نام ژنرال مولتکه این طرح را تغییر داد و به جای آن، نیروهای خود را متوجه شرق پاریس نمود. این به آن معنا بود که جناح راست ارتش در برابر ارتش‌های متحد فرانسه و بریتانیا، بی‌دفاع باقی می ماند. در نبرد مارن در پنجم سپتامبر، پیشرفت آلمان متوقف و سپس نیروهای آلمانی به عقب رانده شدند. در کریسمس سال ۱۹۱۴، دو طرف در طول خطی که از ساحل بلژیک شروع و به مرز سوییس در جنوب ختم می‌شد، دچار بن بست عملیاتی شده و رودرروی هم قرارگرفتند.



▶ هنگام عقب نشینی

ارتش بلژیک بسیار کوچک و بی‌تجربه تر از آن بود که در برابر ارتش آلمان تاب مقاومت داشته باشد. در این جا سربازان با گاری‌های خود، که با نیروی سگ‌ها حرکت می کردند در حال عقب نشینی به سوی آنت ورپ دیده می‌شوند.



آتش بس روز کریسمس ▲

در شب کریسمس سال ۱۹۱۴، سربازان دو طرف جبهه، با ارسال سلام‌های دوستانه، همراه یکدیگر آواز خواندند. روز بعد نیز سربازان در بیش از دو سوم خطوط جبهه نبرد، این آتش بس را رعایت کردند. تمامی آتشبارها متوقف شد و زنگ‌های کلیسا به صدا درآمد. بعضی از سربازان برای گفتگو با دشمنان شان و مبادله سیگار و برخی چیزهای دیگر از سنگرهایشان خارج شدند. در نزدیکی پلوگ استیرت در جنوب ایپرس بلژیک، بین اعضای لشکر رویال ساکسون آلمان و ساکنین مناطق کوهستانی اسکاتلند، یک بازی فوتبال برگزار شد که آلمان‌ها ۲-۳ برنده شدند. در برخی جاها، آتش بس در حدود یک هفته ادامه یافت، اما بعد به سربازان هر دو طرف دستور داده شد این گونه روابط را قطع کرده و در سال بعد اعلام شد به کسانی که بخواهند این عمل را تکرار کنند، شلیک می شود.



◀ هدیه کریسمس

انجمنی به نام «سرزمین لندن» که یک سازمانی انگلیسی بود، برای روحیه دادن به سربازان عضو خود به هر یک از آن ها در سال ۱۹۱۴ هدیه کریسمس فرستاد. سربازان دیگر نیز هدایایی از طرف پرنسس ماری، دختر جرج پنجم دریافت کردند.



پیش به سوی جبهه ▲

پیشرفت آلمان به شمال فرانسه چنان سریع بود که تا اوایل سپتامبر نیروهای آن ها در طول رود مارن، در حدود ۴۰ کیلومتری شرق پاریس مستقر شدند. سرعت تهاجم آلمان ها، فرانسوی ها را به شدت غافلگیر کرده بود، به طوری که ژنرال گالینی، فرماندار نظامی پاریس، مجبور شد از ۶۰۰ تاکسی برای انتقال ۶۰۰۰ سرباز به جبهه برای تقویت ارتش ششم فرانسه استفاده کند.

طناب بسته شده به دور لوله مکانیسم عقب نشینی سلاح

توپی که قادر بود گلوله‌های ۱۲/۵ پوندی(۵/۶ کیلوگرمی) را ۵۳۹۵ متر پرتاب کند.

در میدان ◄

نیروهای اعزامی بریتانیا در ۲۲ اوت ۱۹۱۴ به خاک فرانسه قدم گذاشتند. تنها واحد سواره نظام آن، اعضای توپخانه سلطنتی را شامل می‌شد که واحد آتش بار آن از توپ سریع العمل مارک با گلوله‌های سیزده پوندی استفاده می کرد. این گلوله ها برای اولین بار در اول سپتامبر، مورد استفاده قرار گرفتند. این عملیات، پیشروی آلمان به فرانسه را برای یک نیمروز به تعویق انداخت. سه توپچی این واحد، نشان صلیب ویکتوریا را برای شجاعت خود دریافت کردند.

شاهد عینی ◄

کاپیتان ای. آر. پی بری من از گردان دوم تفنگداران گاروال، نامه‌ای به منزلش نوشت و وضعیت آتش بس را توضیح داد. او به خانواده اش گفت که آلمان ها درخت های کریسمس را در سنگرهای خود قرار داده اند. این نقاشی، مسخره بودن این وضعیت، یعنی اظهار دوستی و ارسال تبریک سال عید نو در یک روز و شلیک کردن در روز بعد را نشان می‌دهد.



سربازی به سوی دشمن شلیک می‌کند و به او علامت می‌دهد: «کریسمس مبارک! هدیه را قبول کن!»

سربازان انگلیسی و آلمانی در روز کریسمس به یکدیگر سلام می‌دهند

سنگر سرباز آلمانی

توپچی سوم با دریافت فرمان، توپ را شلیک می‌کند.

توپچی اول، با فرمان، گلوله را به دست توپچی دوم می‌دهد.

توپچی دوم، گلوله را داخل توپ می‌گذارد.

کلاهخود پولادین

دسته‌ای که به توپ متصل است و با بسته شدن آن به اسب، نقل و انتقال را امکان پذیر می‌ساخت.

سربازان پوتین‌هایی به پا می‌کردند که توسط نوارهای پارچه‌ای بلندی به دور ساق پای آن ها محکم می‌شد.

مردان جنگی

آغاز جنگ در اروپا در اوت ۱۹۱۴ زندگی میلیون ها تن را تغییر داد. سربازان عادی، نیروهای قدیمی و ذخیره، ارتشیان جدید و مشمولان ناراضی و بی‌علاقه همگی خود را گرفتار جنگ دیدند. برخی از آن ها تجربه سربازی داشتند، اما بسیاری به ندرت قبلا تفنگ به دست گرفته بودند. فرانسه و انگلیس، علاوه بر نیروهای اروپایی خود، مردم مستعمرات شان در فراسوی دریاها و کشورهای تحت قیمومیت را نیز به استخدام ارتش درآوردند. قدرت های استعماری برای افزایش سرزمین های تحت سلطه خود و به دست آوردن منافع هر چه بیشتر با تمام توان وارد جنگی خانمان سوز شده و ملت های سرزمین های دوردست را نیز درگیر اختلافات استعماری خود کرده بودند. ارتش های هر دو طرف از طرح ها و رنگ های متفاوتی برای یونیفورم‌های سربازان اروپایی و غیر اروپایی خود استفاده می کردند. به راحتی از رنگ و طرح لباس سربازان، ملیت و وابستگی آن ها به هر یک از ارتش های متخاصم معلوم می شد.



عکسی از پیاده نظام فرانسوی در سال ۱۹۱۸



دوک نیکلاس بزرگ

در آغاز جنگ، رهبری ارتش روسیه به عهده دوک نیکلاس بزرگ، عموی تزارنیکلای دوم بود. در اوت ۱۹۱۵، سزار عموی خود را برکنار کرد و خود فرماندهی را در دست گرفت. تزار در مقام فرمانده کل قوا به تدوین استراتژی کلی جنگ مشغول شد. ارتش روس تحت رهبری ژنرال هایی قرار گرفت که جنگ‌ها را هدایت می‌کردند. دیگر کشورهای درگیر جنگ از سلسله مراتب فرماندهی مشابهی استفاده می‌کردند.



ارتش امپراطوری ▲

نیروهای انگلیس و فرانسه، تعداد زیادی سرباز از مستعمرات خود در آفریقا، آسیا، اقیانوس آرام و دریای کاراییب در اختیار داشتند. به علاوه، کشورهای تحت الحمایه انگلیس، یعنی؛ استرالیا، نیوزیلند، کانادا و آفریقای جنوبی نیز نیروهای خود را برای شرکت در جنگ اعزام کردند. بسیاری از این افراد هرگز پیش از این کشور زادگاه خود را ترک نکرده بودند. آنامی‌ها (اهالی هند و چین) متعلق به مستعمرات هند و چین فرانسه (چنان چه در تصویر می بینید) در کنار ارتش فرانسه در سالونیکای یونان در سال ۱۹۱۶ مستقر شدند. آن ها یونیفورم‌های خاص خود را به تن می‌کردند.



پیاده نظام فرانسوی معروف به لاپویو

◀ ارتش فرانسه

ارتش فرانسه با داشتن نیروهای ذخیره و نیروهای مستعمراتی شامل ۳،۶۸۰،۰۰۰ سرباز مجرب، یکی از بزرگترین ارتش های اروپا در آغاز جنگ بود.

متحدین غربی ◄

در اروپای غربی، انگلستان، فرانسه و بلژیک علیه آلمان می‌جنگیدند. ارتش‌های انگلیس و فرانسه، بزرگ ولی ارتش بلژیک کوچک و بی‌تجربه بود. این تصاویر از یک پوستر آلمانی که دشمن را نشان می‌دهد، گرفته شده است.

بلژیک

انگلیس



سرباز انگلیسی

ارتش بریتانیا ◄

در آغاز جنگ، ارتش بریتانیا ۲۴۷،۴۳۲ سرباز عادی و ۲۱۸،۲۸۰ سرباز ذخیره داشت. یونیفورم سربازان، خاکی دارای یک تونیک جلوگرد با یقه‌های تاشو، شلوار، پوتین برای حفاظت از ساق پا و چکمه ساق کوتاه بود. در زمستان به سربازان اقلام اضافی مانند جلیقه داده می‌شد. بسیاری از سربازان از شال‌های بافتنی و کلاه دو چشمی استفاده می‌کردند که خانواده برایشان فرستاده بود.

ژاپن

مونته نگرو

صربستان



فرانسه

فرانسه

کلاهخود پولادین که در ۱۹۱۶ رایج شد

پارچه چادر

فرنچ (نیم تنه) رزمی (وافنراک)

جعبه‌فشنگ

نارنجک دسته دار

تفنگ موزر

ماسک گاز

سرباز آلمانی

▶ ارتش آلمان

ارتش آلمان قوی‌ترین ارتش اروپا بود، زیرا طی سالیان متمادی خود را برای جنگ آماده می‌ساخت. با شروع جنگ، نفرات این ارتش به ۸۴۰ هزار نفر بالغ می‌شد. تمامی مردان زیر ۴۵ سال برای خدمت نظامی آموزش دیده بودند و جزو نیروهای ذخیره به شمار می‌آمدند. با فراخواندن نیروهای ذخیره به خدمت، ارتش آلمان قادر بود نفرات خود را به بیش از چهار میلیون نفر گسترش دهد.

▶ متحدین شرقی

در شرق اروپا، آلمان با ارتش عظیم روسیه و همچنین ارتش‌های کوچک تر؛ صربستان و مونته نگرو مواجه شد. در شرق دور، مستعمرات آلمان در چین و اقیانوس آرام مورد تجاوز ژاپن قرار گرفتند. این تصاویر از پوستری گرفته شده اند که دشمنان آلمان را نشان می‌دهد.



روسیه

روسیه

نام نویسی

در آغاز جنگ، تمام کشورهای اروپایی به جز انگلستان، دارای ارتش دائمی عظیم همراه با نیروهای مشمول و وظیفه آمادهٔ جنگ بودند. اما انگلستان تنها ارتش کوچکی از داوطلبان را در اختیار داشت. در ۶ اوت ۱۹۱۴، وزیر جنگ، لرد کیچنر خواستار ۱۰۰،۰۰۰ نیروی جدید شد. در تمامی خیابان‌ها و روستاها مردان میهن پرست برای نام نویسی صف کشیدند. اکثر افراد فکر می‌کردند تا کریسمس به خانه باز خواهند گشت. در اواخر سال ۱۹۱۵، ۲،۴۴۶،۷۱۶ مرد داوطلب شده بودند، اما همچنان برای پر کردن صفوف سربازان از دست رفته، به تعداد بیشتری نیاز بود. در ژانویه ۱۹۱۶ برای تمامی مردان مجرد ۱۸ تا ۴۱ ساله، خدمت نظام اجباری شد.



رهبر جنگ ◄

کاریکاتور نخست وزیر انگلیس، هربرت آسکویت به شکل «آخرین رومی» ساخته شد. او در دسامبر ۱۹۱۶ جای خود را به دیوید لوید جرج داد.



◄ آزمایش

برای اطمینان از سلامت فرد برای جنگیدن، هر سرباز انگلیسی باید مورد آزمایش پزشکی قرار می‌گرفت. تعداد زیادی به دلیل ضعف بینایی، درد قفسه سینه یا بیماری های عمومی، در این آزمایش ها رد می‌شدند. برخی دیگر پذیرش نمی شدند زیرا سن آن ها از ۱۸ سال کمتر بود، البته بسیاری به دروغ سن خود را بالای ۱۸ سال عنوان می‌کردند. با قبولی در آزمایش، سربازان سوگند وفاداری به شاه را ادا کرده و سپس به استخدام ارتش درمی آمدند.



لوازم مهم انفرادی ◄

یک سرباز انگلیسی تجهیزات اساسی و کافی برای جنگ و زنده ماندن در سنگر را با خود حمل می‌کرد. علاوه بر تفنگ و سرنیزه، او در کیسه‌های متصل به فانسقه، دارای مهمات کافی بود. بیلی هم برای ایجاد سنگر کم عمق و موقتی به همراه داشت. در سال ۱۹۱۷، هر سرباز برای مقابله با حملات شیمیایی، یک ماسک ضد گاز نیز در اختیار داشت. لوازم انفرادی مهم وی عبارت بود از؛ قاشق و چنگال، وسیله شستشو و لباس‌های اضافی. هنگام اعزام به جبهه های نبرد، سربازان مهمترین لوازم خود را به ترتیب کنترل و در کوله پشتی قرار می دادند.



وسایل شخصی سرباز



جیره بندی ◄

به هر سرباز جیره اضطراری حاوی بیسکوئیت سفت، گوشت گاو، و یک قوطی چای و حبه قند داده می‌شد. جیره روزانه معمولا حاوی نان، گوشت گاو، خورش کنسرو شده، کنسرو گوشت و لوبیا، شکر، چای، کنسرو گوجه، مربای سیب و کنسرو کره بود. واحد سهمیه، غذا را در بسته بندی به خطوط جبهه می‌رساند.



به خط شدن به افتخار شاه و میهن ▲

در آغاز جنگ، صف‌های طولانی در مقابل ادارات استخدام ارتش انگلیس ایجاد شد. مردم با شور و علاقه آماده نبرد می شدند. معمولا مردان یک منطقه یا کارگران یک کارخانه، به طور داوطلبانه باهم تصمیم می گرفتند تا گروه‌هایی را تشکیل داده و در جنگ شرکت کنند. این گروه ها به لشگریان مخوف معروف گردیدند، زیرا با شناختی که از قبل نسبت به یکدیگر داشتند، می‌توانستند به راحتی در جبهه نبرد همدیگر را پشتیبانی کرده و دوشادوش هم بجنگند. در اواسط سپتامبر، نیم میلیون نفر، داوطلب جنگ شده بودند.



مخالفان باهوش ◄

به بعضی از افراد که از نام نویسی خودداری می کردند، به نشانه ترسو بودن، پرهای سفید داده می‌شد. برخی گروه‌های مذهبی با جنگ مخالف بودند، زیرا عقیده داشتند کشتن عمل اشتباهی است، برخی سوسیالیست ها نیز به اعتقاد خود مخالف جنگیدن با همقطاران کارگر خود در سایر کشورها بودند. هر دو گروه به مخالفان باهوش یا آگاه معروف شدند. البته برخی از مخالفان جنگ، در واحدهای غیر جنگی مانند یگان خدمات پزشکی خدمت می کردند.



▶ **کشورتان به شما نیاز دارد**

تصویری از وزیر جنگ بریتانیا، ژنرال کیچنر، در یک اعلامیه استخدام سرباز به کار رفته است. این پوستر در سپتامبر ۱۹۱۴ روی دیوارها نصب شد. هر چند اکثر افراد مشمول قبلا داوطلب شده و به جبهه ها اعزام شده بودند.



حقوق نیروهای نظامی ◀

برای تامین هزینه ایجاد و تجهیز ارتش های بزرگ، هر کشور ناگزیر است مالیات‌ها را افزایش دهد، اما در زمان جنگ مالیات ها نمی توانستند به تنهایی هزینه ها را پوشش دهند، بنابراین از بانک ها و سرمایه گذاران خصوصی خواسته شد به دولت های خود وام‌هایی در قالب وام‌های زمان جنگ بدهند. این پوستر معروف فرانسوی از مردم می خواهد با خرید اوراق قرضه دولتی، که نوعی وام به دولت است از سربازان حمایت کنند. در این پوستر نوشته شده: «on les aura!» یعنی ما به فکر آن ها هستیم!



▶ **ارتش های امپراطوری**

با اعلان جنگ، هزاران مرد از سراسر سرزمین‌های تحت سیطره امپراطوری بریتانیا در جنگ حاضر شدند. ارتش‌های کشورهای مستعمره، مانند این سواران بنگالی به سربازان انگلیسی پیوسته و نیروها را تقویت می کردند. نیروهای هندی با شمایلی متفاوت در جبهه غرب، در آفریقای شرقی، آلمان و در خاورمیانه خدمت می کردند.

کندن سنگر

در آغاز جنگ، سربازان در هر دو سوی جبهه، فکر می‌کردند که صحنه نبرد همانند مانور نظامی، به زودی به پایان خواهد رسید و لذا تصور می‌کردند مجبور خواهند شد دست به نبردهای سریع به شکل پیشروی و عقب نشینی بزنند. هیچ کس انتظار وقوع جنگی ایستا و طولانی مدت را نداشت. هر دو سوی جبهه از نظر قدرت نظامی برابر بوده و توانایی پیروزی سریع را نداشت. علت اصلی شکل گیری این بن بست آن بود که توپخانهٔ قوی و با بُرد زیاد و همچنین مسلسل‌های سریع وضعیت خطرناکی پدید آورده بود و سربازان نمی توانستند بدون حفاظ و در فضای باز و روشنایی روز جنگ کرده و در مناطق تحت سیطره دشمن پیشروی کنند. تنها راه زنده ماندن در برابر چنین سلاح‌هایی کندن سنگرهای دفاعی بود.



خط جبهه ◄

در دسامبر ۱۹۱۴، شبکه‌ای از سنگرها در طول جبهه غرب، از ساحل بلژیک در شمال تا نواحی شرقی فرانسه در مرز سوییس یعنی در حدود ۶۴۵ کیلومتر گسترده بود. در سال ۱۹۱۷، سنگربندی های طول جبهه، آنچنان بصورت شبکه ای درهم تنیده و به هم پیوسته بودند که به راحتی می شد کل این مسیر را در درون سنگرها پیاده طی کرد.



◄ سنگرهای اولیه

سنگرهای اولیه صرفا شیارهای عمیقی بودند که حداقل پوشش لازم برای در امان ماندن از آتش دشمن را تأمین می‌کردند. در تصویر، نیروهای گارد دوم اسکاتلندی‌ها را می‌بینیم که چنین سنگری را در اکتبر ۱۹۱۴ نزدیک یپرس حفر کردند. فرماندهان آن ها تصور می‌کردند که این سنگرها صرفا سنگرهای موقتی هستند و نقل و انتقالات «عادی» جنگ در بهار از سر گرفته خواهد شد.


ابزار امریکایی حفر سنگر به نام ۱۹۱۰ M


روکش تیغه

▲ ابزارهای کندن سنگر

هر سرباز با خود ابزاری برای کندن سنگر حمل می‌کرد. تا بتواند در صورتی که در معرض آتش دشمن در فضای باز قرار گرفت، سنگری موقتی حفر کند. همچنین می‌توانست از آن برای تعمیر یا بهتر کردن سنگری که در اثر آتش توپخانه دشمن صدمه دیده بود، استفاده کند. با تداوم جنگ، به تدریج سنگر های بزرگ‌تر و مجهزتری ساخته شد. بعضی از این سنگر ها آنقدر بزرگ بودند که باید برای جلوگیری از گم شدن سربازان، در درون آن تابلوی راهنما نصب می شد. کاربرد این تابلو ها بیشتر در مواقع حمله دشمن بودند. چون سربازان برای حفظ جان خود سعی می کردند به هر سو فرار کنند.



تخته کوب کردن ▲

یکی از خطرات مهم زندگی در سنگر، احتمال زنده به گور شدن در صورت فرو ریختن دیوارهای سنگر بود. در تابستان ۱۹۱۵، بسیاری از سنگرهای آلمانی، با دیوارهای چوبی تقویت شد تا جلوی اینگونه اتفاقات گرفته شود. آلمان‌ها همچنین سنگرها را عمیق حفر کردند تا سربازهای خود را از خطر توپخانه دشمن محافظت کنند.



▲ **محل یابی سنگر**

در آغاز جنگ، هیچکدام از دو طرف جنگ، تخصص زیادی در حفر سنگر نداشت، اما دو طرف به سرعت از اشتباهات خود درس گرفتند. آلمان‌ها معمولا در جایی سنگر می‌ساختند که بهتر بتوانند دشمن را مشاهده کرده، به سوی او آتش بگشایند و در عین حال از دید دشمن در امان بمانند. انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها ترجیح می‌دادند پیش از حفر سنگرهای خود، تا جای ممکن زمین‌های بیشتری را تسخیر کنند.



◄ **خانه گرم و نرم؟**

آلمان ها سنگرهای بسیار استادانه و راحتی می‌ساختند، زیرا به پیروزی خود اعتقاد داشته و این سنگربندی ها را مرز جدید آلمان می‌دانستند. بسیاری از سنگرها دارای پنجره‌های کرکره‌ای و حتی پادری هایی برای خشکاندن چکمه‌های گلی بود! سنگرهای کشورهای مقابل ابتدایی تر بود، زیرا آن ها انتظار داشتند سرزمین اشغالی خود را به زودی باز پس بگیرند.



طراحی سنگر ◄

سیستم سنگربندی خط مقدم شامل مجموعه ای از سنگرهای مختلف بود که دقیقا به موازات سنگرهای دشمن ایجاد می گردید. سنگرها در خط مقدم جبهه معمولا به صورت زیگزاگی ایجاد شده بودند تا دشمن نتواند با استفاده از مسلسل‌هایی که به خوبی موضع گرفته بودند به همه افراد داخل سنگر در طول یک خط مستقیم شلیک کند، این روش خطر فرو ریختن ترکش های توپ و خمپاره را نیز کاهش می‌داد.



◄ مقابله با گل و لای

برای جلوگیری از نفوذ باران، برف و آب های طبیعی به سنگرها از تخته‌های چوبین به عنوان کف پوش استفاده می شد تا محلی خشک برای استراحت سربازان باقی بماند و سربازان سعی می کردند با چکمه روی تخته ها نروند. بهرحال گل و لای یکی از مشکلات دائمی زندگی در سنگر بود.

زندگی در سنگرها

زندگی در سنگرها نه تنها سخت و طاقت فرسا، بلکه همراه با ترس و نگرانی شدید از آتش دشمن بود و گاهی نیز دورانی طولانی و ملال آور برای سنگرنشینان چیره می‌گشت. اکثر کارها در شب و تاریکی هوا صورت می گرفت و سربازان در هنگام شب برای دیدبانی از مواضع دشمن و کسب اطلاعات و یا شبیخون به سنگرهای دشمن فرستاده می‌شدند و برخی دیگر مشغول تعمیر خاکریزها و دیگر فعالیت های دفاعی می‌شدند. در هوای گرگ و میش احتمال حمله دشمن بیشتر می‌شد، بنابراین تمام نیروها در آن ساعات به حال آماده باش در می‌آمدند یا در خط آتش به نگهبانی گمارده می‌شدند. در روزها معمولا سکوت حکمفرما بود، بنابراین سربازان به چرت زدن روی می‌آوردند و یا از این فرصت استفاده می کردند تا به خانه نامه‌ای بنویسند یا دفتر خاطرات شان را پر کنند. در حالیکه دیدبان ها همچنان به دیدبانی از استحکامات دشمن مشغول بودند.

در خط مقدم، زمان مشخصی برای صرف غذا وجود نداشت، چون غذا خارج از سنگر و در پشت جبهه آماده گشته و هر وقت توسط واحد ترابری به خط مقدم آورده می‌شد، صرف می گردید. برای بیرون آمدن از یکنواختی، سربازان از یک هفته تا ده روز به خط مقدم اعزام می‌شدند سپس به خطوط پشتیبانی باز می‌گشتند و سرانجام برای استراحت به پشت جبهه منتقل می‌شدند. آن‌ها حمام می‌گرفتند و پیش از بازگشت مجدد به جبهه لباس‌های خود را می‌شستند.

این سرباز سرگرم زدودن گل از مهمات جنگی خود با کمک یک تکه پارچه است.



لطیف و پاکیزه ▲

پاک کردن گل و ضد آب کردن چکمه‌ها، بخش زیادی از اوقات زندگی در سنگرها را به خود اختصاص می‌داد؛ زندگی در پادگان های داخل کشور نیز همین گونه بود. این سربازان بلژیکی که مشغول تمیز کردن تفنگ‌های خود هستند می‌دانستند که انجام چنین کارهایی برای حفظ کارآمدی شان در جنگ ضروری است.



◀ سنگری محقر

معمولا سنگرها بسیار باریک و در معرض هوای آزاد بودند. سربازان کانادایی در این سنگر برای پناه گرفتن زیر یک سقف، برای خود سایبانی موقتی ساخته‌اند. در دو طرف سایبان تکه‌های سنگ قرار داده شده تا سایبان محکم سرجای خود باقی بماند.



مطالعه برای استراحت؟ ◀

این صحنه بازسازی شده در موزه سلطنتی جنگ در لندن، سربازی را هنگام مطالعه نشان می‌دهد. سربازان وقت زیادی برای مطالعه در طول روز داشتند، ولی گاهی موش‌ها از زیر پای آن‌ها رد می‌شدند یا شپش‌های لباس شان موجب خارش شده و در مطالعه آن‌ها وقفه ایجاد می‌کردند.



◀ زیرزمین افسران

این صحنه بازسازی شده در موزه سلطنتی جنگ در لندن مربوط به زیرزمین افسران در منطقه سومه (somme)، در پاییز سال ۱۹۱۶ و شرایط دشوار زندگی در سنگرها را نشان می‌دهد. این افسر با تلفن خواستار پشتیبانی توپخانه هنگام حمله ناگهانی به سنگر است، در حالی که دوست مجروح وی روی تخت خواب صحرایی آرمیده است. یادداشت‌ها، عکس‌ها و کارت پستال‌های این افسر که از منزل برای وی فرستاده شده، دور تا دور دیوارهای اطراف وی نصب شده اند.



جاده منین (۱۹۱۶) اثر پل نش

هنرمندان و شاعران ▲

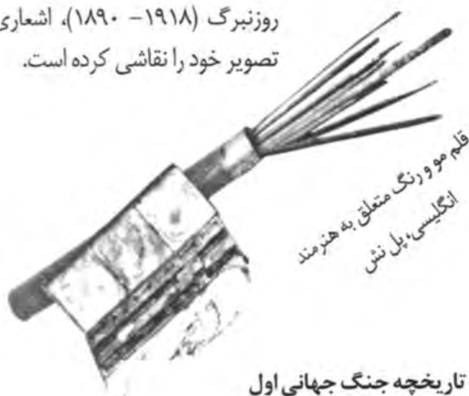
بعضی سربازان از وقت اضافی خود در سنگر برای نوشتن شعر یا کشیدن طرح استفاده می کردند. تعداد زیادی از آن ها نامه‌های مفصلی برای خانواده شان می‌نوشتند یا دفترچه خاطرات شان را پر می کردند. پس از جنگ، بسیاری از این نوشته ها چاپ شد. وقایع و حوادث زندگی در سنگرها و جبهه ها، بعد از پایان جنگ، در زمره مطالب جالب و تکان دهنده بود. در سال ۱۹۱۶، دولت بریتانیا شروع به فرستادن هنرمندان رسمی جنگ مانند پل نش (۱۹۴۶-۱۸۸۹) به جبهه نمود تا رویدادهای صحنه جنگ را نقاشی کنند.



نویسنده فرانسوی هانری باربوسه (۱۹۳۵-۱۸۷۳) خاطرات خود از زندگی در سنگر را نوشت و در رمان لافو (زیر آتش) که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد، به تقبیح جنگ پرداخت.



در تصویر روبرو شاعر و هنرمند انگلیسی آیزاک روزنبرگ (۱۹۱۸- ۱۸۹۰)، اشعاری سروده و تصویر خود را نقاشی کرده است.



قلم مو و رنگ متعلق به هنرمند انگلیسی، پل نش



مردان غارنشین ▲

سربازان عادی، مانند اعضای لشگر مرزی انگلیس در تیپوال وود واقع در منطقه سومه در سال ۱۹۱۶ وقت اضافی خود را به استراحت در «سوراخ‌های وحشت» یعنی سوراخ‌هایی که در کنار سنگر کنده شده بودند یا با کمک ورقه‌های ضد آب روی سنگرها ایجاد شده بودند، می‌گذراندند. برعکس آلمان ها، انگلیسی‌ها قصد نداشتند برای مدتی طولانی در سنگر باقی بمانند بنابراین از سربازان خواسته نمی شد که کاری برای آسایش بیشتر خود انجام دهند.



سربازان در کنار لشکری از موش و شپش خدمت می‌کردند.



◄ سنگر آشپزی

این افسران فرانسوی در قسمت انبار سنگر، در مکانی آرام، در حال پخت و پز هستند. برخی دیگر کمتر خوش‌شانس بودند، زیرا غذاهای کنسرو یا غذاهای پخته شده در دیگ‌های عظیم، برای آن ها به پشت خطوط آورده می‌شد، که باید برای خوردن دوباره گرم می شدند.

آماده نبرد

به راحتی می‌توان تصور نمود که بیشتر کشته شدگان در جبهه، سربازانی بودند که سنگرهای خود را ترک کرده و در فضای باز و در دیدرس دشمن قرار می گرفتند و یا در خط مقدم نبرد و در فضای بین سنگر خود و دشمن به رویارویی و جنگ می پرداختند. سربازان در هر دو طرف از هر فرصتی استفاده می کردند تا به هر کس که به اندازه کافی احمق یا بدشانس بود که خود را در معرض دید دشمن قرار دهد، شلیک کنند. حتی سربازانی که سعی می کردند دوست مجروح خود را از بین خطوط مقدم نجات دهند یا اجساد گرفتار شده در بین سیم‌های خاردار را بیرون آورند، اهداف مناسبی برای کشته شدن بودند. این جنگ بی‌رحمانه و فرسایشی باعث می‌شد سربازان هوشیاری کامل خود را حفظ کنند و در نتیجه در هر ساعت از روز دیدبانی خطوط دشمن ضروری بود.



◄ نبردهای تن به تن

سربازها به انواع سلاح‌های ویژه برای نبرد تن به تن مجهز بودند که هنگام رفتن به مأموریت های ویژه و شبیخون، برای کشتن دشمنان بدانها نیاز داشتند. این حملات باعث می شد که دشمن بی‌سر و صدا کشته شود. زیرا سربازان مهاجم هیچ جلب توجهی نمی کردند. در این مواقع از سلاح های آتشین به ندرت استفاده می‌شد.



آماده آتش ◀

این نیروهای آلمانی مستقر در مارن در سال ۱۹۱۴ در حال تیراندازی از داخل سوراخ‌هایی هستند که برای این منظور ساخته شده‌اند. بدین سان آن‌ها می‌توانستند بدون بالا آوردن سر خود از سنگر و بوجود آمدن خطری از سوی دشمن، شلیک کنند. بعدها در همین جنگ، کیسه‌های شن جای خاکریزها را گرفت. نیروها در پشت خود، کوله پشتی‌های چرمی همراه با اورکت و پارچه‌هایی برای زدن چادر حمل می‌کردند.



در اروپای غربی، ارتش های متخاصم تا جایی که می توانستند پیشروی کردند، سپس برای حفاظت از خود در برابر آتش دشمن سنگر حفر کردند و به دفاع از مواضع خود مشغول شدند. گل و لای شدید، حشرات، موش و غیره به بدبختی های زندگی در سنگر سربازان اضافه شدند.



◀ نامه نوشتن به خانه

کشیش کریل لوماکس در سال های ۱۷–۱۹۱۶ در مقام قاضی هنگ هشتم توپخانه سبک دورهام، در فرانسه خدمت می‌کرد. او که در صحنه نبرد مستقیما حضور نداشت وقت کافی در اختیار داشت تا در نامه‌های مصور خود، ترس هایی را که با آن روبه رو شده بود، توصیف نماید. در ارتش‌های هر دو طرف، کشیش‌ها و دیگر روحانیون در جبهه‌ها خدمت می‌کردند.



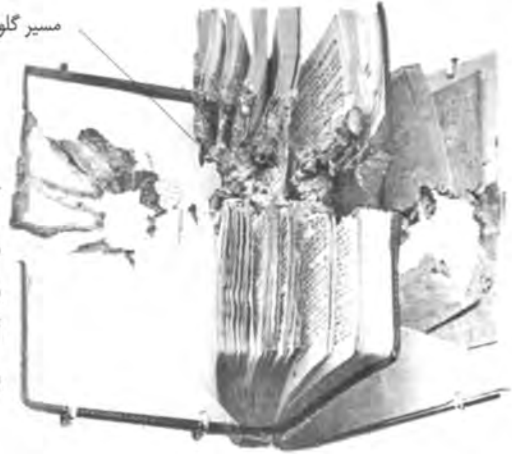
همراهی با سرباز مجروح ◄

این صحنه بازسازی شده در موزه سلطنتی جنگ انگلستان، یک اسیر مجروح آلمانی را نشان می‌دهد که با اسکورت یک پزشک از خط مقدم از راه سیستم سنگرهای به هم پیوسته به مقر کمک‌های پزشکی لشگر عقب برده می‌شود. اما، بسیاری این اندازه خوش شانس نبودند. سربازی که در بین خطوط مقدم زخمی می‌شد، به حال خود رها می‌گردید و انتقال وی به پشت سنگرها، معمولا در هنگام شب، که تا اندازه‌ای امن بود صورت می گرفت. بسیاری از سربازان زندگی خود را برای نجات دوستان زخمی شان به خطر می‌انداختند، بسیاری نیز به علت تأخیر در امداد و نجات در صحنه نبرد تلف می شدند.



◄ پست کمک‌رسانی هنگ

افسران پزشک هر لشگر، چنانچه در این صحنه بازسازی شده موزه جنگ لندن دیده می شود، در هنگامه جنگ و بمباران برای مداوای خیل عظیم مجروحان، بیشترین تلاش خود را به کار می‌بستند. آن ها جراحت‌ها را پانسمان می‌کردند و می کوشیدند درد مجروحان را تسکین بخشند. آن هایی که به شدت زخمی شده بودند، طی سفری بسیار دشوار به خارج از سنگر و به بیمارستان صحرایی منتقل می‌شدند.



◄ نجات با یک کتاب

سربازی که این کتاب را با خود حمل می‌کرد، خوش اقبال بود، زیرا گلوله از میان برگه‌های کتاب عبور کرد و سرعت آن گرفته شد و در نتیجه جراحت کمتری در بدن سرباز بر جای گذاشت.

«آن آلمانی که من به او شلیک کردم خوش‌سیما بود ... من واقعا متاسف شدم ولی مساله مرگ و زندگی در بین بود.»

جک سوینی، سرباز انگلیسی، ۲۱ نوامبر ۱۹۱۶

همیشه در حال کار ◄

این تصویر از سربازان بلغاری درسال ۱۹۱۵ گرفته شده است و در آن معلوم می‌شود که سربازان اجازه نداشتند هنگام استقرار در سنگر، اسلحه‌های خود را پایین آورند. آن ها همواره باید مراقب بوده و اسلحه‌های خود را برای مقابله با حمله ناگهانی دشمن پر و آماده نگه می‌داشتند. سربازان ناچار بودند برای حفظ آمادگی جنگی خود، به نوبت غذا بخورند.

ارتباطات و تجهیزات

برقراری ارتباط بین واحدهای مختلف و تهیه تجهیزات برای نیروهای خط مقدم بزرگترین مسأله هر ارتش درحال نبرد است. این مسأله در جبهه غرب، به دلیل طول خط مقدم و تعداد بی شمار سربازانی که در امتداد آن می جنگیدند، حاد بود. برای مثال، در میانه سال ۱۹۱۷ ارتش بریتانیا هر روز به ۵۰۰،۰۰۰ گلوله نیاز داشت و تهیه و ارسال چنین حجمی از تسلیحات کاری آسان نبود. نیاز به تجهیز سریع و مداوم نیروهای میلیونی و درحال نبرد، باعث شد هر دو سوی جنگ، توجه زیادی به ایجاد خطوط ارتباطی مبذول دارند. اسب و قاطر، وسایل اصلی ترابری را تشکیل می دادند. ولی وسایل مکانیزه موتوری نیز روزبه‌روز بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت. هر دو سوی نبرد، سامانه‌های دقیق ارتباطی ایجاد کرده بودند تا یقین یابند که نیروهای خط مقدم هرگز بدون غذا و مهمات به حال خود رها نخواهند شد. همچنین، نیروهای خط مقدم به یاری تلفن و بی‌سیم در ارتباط تنگاتنگ با ستادها و دیگر یگان ها بودند.



◄ تلفن صحرایی

تلفن، روش اصلی ارتباطی بین خط مقدم و ستادها بود. این تلفن‌ها صدا و پیام‌های مورس را ارسال می‌کردند.



برقراری ارتباط ◄

گروه‌های مهندسی، مانند این گروه آلمانی، برای ایجاد، حفظ و راه‌اندازی تلفن‌ها در صحرا آموزش دیده بودند. بدین سان، در مقایسه با جنگ‌های پیشین، ارتباط تنگاتنگ و منظم بین خط مقدم با ستادها امکان‌پذیر گردید.

منور انگلیسی‌ها



▶ پیام‌های موشکی

آتش دشمن، گاه باعث قطع خطوط تلفن می‌شد بنابراین، هر دو طرف از موشک‌هایی برای پرتاب پیام‌های کتبی استفاده می‌کردند. شعله‌های موشک هوا را روشن می‌کرد و سربازان ورود آن را درمی‌یافتند. نارنجک‌ها و موشک‌های پیام‌رسان نیز به گستردگی برای انتقال پیام‌های از پیش‌تعیین شده به نیروهای حاضر در خط مقدم مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

پیام در قسمت انتهایی موشک قرار داده می‌شد

گلوله پیام رسان آلمانی



آرم واحد کبوتر نامه بر ارتش فرانسه



▶ کبوترهای نامه‌بر

کبوترهای نامه‌بر معمولا برای انتقال نامه‌ها به خط مقدم یا بالعکس که خطوط تلفنی نداشت مورد استفاده قرار می‌گرفتند، اما سر و صدا و اغتشاش موجود در جبهه، باعث گیج شدن پرندگان و پرواز آن ها به سمت اشتباه می‌گردید. آلمان‌ها از «سگ‌های ویژه» و به کمک نوارهایی که به دور گردن آن ها پیچیده می‌شد نیز برای حمل نامه استفاده می‌کردند.

کامیون‌های حامل تجهیزات در صفی به سوی جبهه می‌روند

سربازی که سوار بر پشت یک واگن حامل تجهیزات است

سربازان زخمی انگلیسی از سنگرهای خود در نوامبر ۱۹۱۶ به عقب برده می‌شوند

جاده دو طرفه ▲

یکی از مسائل اصلی در جبهه غرب، نبود جاده‌های مناسب به خطوط مقدم و بالعکس بود. جاده‌های خلوت کشور ناگهان مملو از ستون‌های طولانی سربازان، کامیون‌های حامل تجهیزات، واگن‌های مهمات، آمبولانس‌های صحرایی و دیگر وسایلی شدند که جاده را با ازدحامی بی‌سابقه روبه‌رو می‌ساخت، رفت و آمد معمولا دو طرفه بود. سربازان آماده رزم به سوی جبهه راه می‌پیمودند و از سمت مخالف، دوستان خسته و یا مجروح شان به پشت جبهه منتقل می شدند.

کابین روباز راننده

قدرت چرخ ◄

هر دو طرف درگیر از کامیون و ون برای حمل سرباز و تجهیزات به خط مقدم استفاده می‌کردند. این کامیون ۳۰۵۰ کیلویی وسیله‌ای متعلق به انگلیسی‌ها بود که ویژه میدان رزم ساخته شده بود ولی کامیون‌ها و ون‌ها کوچکتر دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.



◀ دختران کیک‌پز افسانه‌ای

هر روز در پشت جبهه مقدار عظیمی خوراک برای تغذیه سربازان در خط مقدم تهیه می‌شد. در آشپزخانه‌ها، کافه‌تریاها و نانوایی‌های انگلیس مانند این کارگاه و در ناحیه دیپ فرانسه، اغلب اعضای سپاه پشت جبهه را زنان تشکیل می‌دادند. این سپاه در فوریه ۱۹۱۷ برای جایگزینی مردانی که به وجودشان در خط مقدم نیاز بود، تشکیل گردید. بسیاری از زنان همچنین نقش عمده‌ای در مقام منشی، اپراتور تلفن، و انباردار داشتند تا از وجود نیروی کافی در خط مقدم و ارائه خدمات دائمی اطمینان حاصل شود.

پارچه برزنت که با طناب محکم شده است

کامیون سه تنی وولسلی انگلیسی ویژه حمل و نقل تجهیزات سنگین

دو طرف کابین برای دسترسی به دیگر قسمت‌ها قابل باز شدن بود

دیده‌بانی و گشت‌زنی

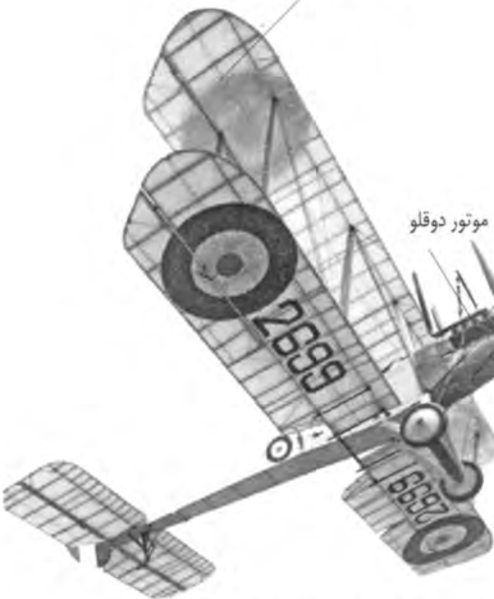
گردآوری اطلاعات درباره دشمن برای حملهٔ موفقیت آمیز یا جلوگیری از پیشروی آن‌ها یکی از مهمترین وظایف زمان جنگ بود. بازجویی از اسیران نیز روش بسیار موفقی برای کسب اطلاعات لازم به شمار می‌رفت. به علاوه، در طول جبهه غرب، هر دو طرف در زمینه طراحی روش‌های جدید گردآوری اطلاعات، تبحر داشتند. گشتی‌های شبانه نقاط قوت و ضعف خطوط دشمن را ارزیابی می‌کردند. این کار، کاری خطرناک بود، زیرا برای انجام آن لازم بود گشتی‌ها از موانعی همچون سیم‌های خاردار، مناطق مین‌گذاری‌شده یا از مقابل آتش دشمن گذر کنند. برای انجام این وظایف، از برجک‌های دیده‌بانی و دستگاه پیرابین (پریسکوپ) نیز استفاده می‌شد. از زمانی که هواپیماها توانستند عملا بر فراز استحکامات دشمن بدون مانع عبور کرده، به دیده‌بانی سنگرها و محل استقرار سلاح‌های آنان و نیز عکس‌برداری از خطوط مقدم بپردازند، استفاده از آن‌ها نیز روزبه‌روز بیشتر گردید. این اطلاعات سپس برای تهیه نقشه از خطوط دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت.



شناسایی هوایی ▲

به تدریج هر دو طرف برای شناسایی موقعیت‌ها و مواضع دشمن در جبهه غرب از هواپیما استفاده کردند. در ابتدا، فرماندهان متفقین نسبت به این روش بدگمان بودند، ولی در سپتامبر ۱۹۱۴، خلبانان نیروی هوایی فرانسه پیشرفت ارتش آلمان در حوالی شهر پاریس را مشاهده کردند. این اطلاعات متفقین را قادر ساخت پیشرفت آلمان در درون خاک فرانسه را در نبرد مارن متوقف سازند. هواپیمای BE۲a (تصویربالا) هواپیمایی قوی و مستحکم و به آسانی قادر به پرواز بود و کار شناسایی را به خوبی انجام می‌داد. خلبان هواپیما، ستوان اچ. دی. هاروی کلی نخستین خلبان انگلیسی بود که پس از آغاز جنگ در خاک فرانسه به زمین نشست.


هواپیمای انگلیسی، ساپویت کمل



هواپیمای BE۲a ساخت کارخانه هواپیماسازی سلطنتی بلریوت برای عملیات شناسایی و بمباران سبک به کار می‌رفت

نخستین جنگ هوایی ◄

نخستین هواپیماهای جنگنده، هواپیماهایی بودند که برای تجسس و شناسایی ساخته می شدند، آن ها خطوط دشمن را شناسایی و به هدایت آتش توپخانه کمک می کردند. دیری نپایید که هواپیماهای ویژه جنگ هوایی مانند ساپویت کمل انگلیسی و هواپیمای سه باله فوکر آلمانی ساخته شدند. خلبان های شجاع و ماهر به جنگ هوایی پرداختند و کوشیدند هواپیماهای دشمن را سرنگون سازند.



بارون سرخ ▲

معروفترین خلبان جنگی، هوانورد آلمانی به نام مانفرد فون ریشتوفن (۱۹۱۸-۱۸۹۲) معروف به بارون سرخ بود. زیرا با هواپیمای سه باله فوکر سرخ رنگ پرواز می کرد. گفته می شود وی قبل از کشته شدنش در جنگ بر فراز خاک فرانسه ، ۸۰ هواپیمای دشمن را سرنگون ساخته بود.



تفنگ دارای پیرابین ساخت انگلیس به نام اوسنتریک

دستگاه پیرابین ◄

سربازان در ابتدای جنگ، برای تشخیص موقعیت دشمن مجبور بودند از بالای سنگر و با به خطر انداختن جان خود به دشمن نگاه کنند و این باعث بالا رفتن تلفات می شد. در نتیجه، هر دو طرف دستگاه دقیقی به نام پیرابین طراحی و تهیه کردند. انگلیسی‌ها تفنگی نیز برای استفاده در سنگر اختراع کردند که دو آینه به آن متصل بود و زمانی که تفنگ به بالا نگه داشته می‌شد، سرباز می‌توانست از آن به عنوان دستگاه پیرابین استفاده کند.



دستگاه پیرابین (پریسکوپ) دوچشمی ساخت آلمان



استفاده از قطب‌نما ▲

گشتی‌های شبانه ممکن بود به دلیل وجود عوامل طبیعی مانند جویبارها، جنگل‌ها، صحراها، و حتی تپه‌هایی که باد آن ها را تغییر شکل می‌داد راه خود را به سادگی در بین خطوط مقدم گم کنند. بنابراین، همراه داشتن یک قطب‌نما برای پیدا کردن راه و سالم بازگشتن به سنگر خودی پیش از برآمدن آفتاب ضروری بود.



◄ نگاه از لانه پرنده

هر دو طرف به ساختن درختهای مصنوعی روی آوردند که به عنوان پست نگهبانی برای توپخانه و هدایت آتش به سوی دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت. یک سرباز از نردبامی که داخل آن قرار داشت بالا می‌رفت و از سوراخ کوچکی که داخل تنه درخت بود با دوربین به مشاهده دشمن می‌پرداخت و آنچه را دیده بود به سربازی که در پایین نردبام منتظر بود می گفت. سپس، افسر بعدی آن اطلاعات را با تلفن به توپخانه در پشت خطوط مقدم گزارش می‌داد. این اطلاعات توپخانه را قادر می‌ساخت آتش خود را با دقتی بیش از قبل بر سر دشمن بریزد.

سیم خاردار دو لایه انگلیسی

◀ تنها در بین سیم‌های خاردار

سنگرها در طول جبهه غرب با چند ردیف سیم خاردار محافظت می‌شد. گشتی‌ها شب هنگام برای تعمیر این موانع و نیز شناسایی تغییرات خطوط دشمن از سنگر خارج می‌شدند. اگر حمله‌ای برای روز بعد طراحی شده بود، گشتی‌ها راه را برای پیاده‌نظام باز می‌کردند تا سربازان خودی به آسانی بتوانند به خطوط مقدم دشمن یورش برند.

سیم خاردار یک لایه آلمانی



سیم چین آلمانی

سیم چین ◀

رشته های سیم خاردار از سنگرها و «منطقه سرباز ممنوع» واقع در بین دو جبهه حفاظت می‌کردند. سربازان از سیم چین برای گشودن مسیر پیشرفت خود یا برای آزاد کردن دوستانی که در سیم خاردار گرفتار شده بودند، استفاده می‌کردند.


سیم چین آلمانی


سیم چین انگلیسی



◀ پست‌های آرام

اولین موانع سیم خاردار به وسیلهٔ میخ و چکش و در طول پست‌های نگهبانی چوبین روی زمین محکم می‌شدند، صدای چکش گاه باعث جلب توجه دشمن و آتش او می‌شد. بنابراین، متفقین استفاده از میله‌های فلزی به جای چکش را آغاز کردند. میله‌ها در سکوت به داخل زمین پیچ می‌شدند و سپس سیم‌های خاردار روی آن ها سوار می‌گردید.

بمباران

توپخانه‌ها، برترین سلاح، در صحنه‌های نبرد جنگ جهانی اول بودند. بمباران با طراحی قبلی می‌توانست سنگرهای دشمن را درهم بکوبد و باعث انهدام انبارهای مهمات و استحکامات توپخانه دشمن گردد. بمباران همچنین به خنثی کردن حمله توپخانه‌ای دشمن کمک می‌کرد. اما به موازات تقویت مواضع دفاعی، بمباران های طولانی تر و شدیدتر نیز ضرورت می‌یافت. برای در هم شکستن خطوط دشمن، بهره بردن از تاکتیک های جدید ضرورت می‌یافت. مؤثرترین تاکتیک، رگبار تدریجی بود که بارانی از آتش سنگین و مداوم را درست در مقابل توپخانه حریف به زمین فرو می‌ریخت.

مراقب باشید!

با بسیج نیروهای مردمی برای شرکت در جنگ، بیشتر سربازان آشنایی چندانی با امور نظامی و جنگی نداشتند. آن ها مردمان عادی بودند که برای دفاع از کشورشان به ارتش پیوسته بودند. برای جلوگیری از خطرات احتمالی، سربازان در خط مقدم جبهه، به علائم هشدار دهنده‌ای نیاز داشتند که همواره به آن ها یادآوری شود تا چگونه در برابر حملات دشمن از خود محافظت کنند، زیرا آن ها عادت به این کار نداشتند.



هویتزر انگلیسی مارک ۵، بیست سانتری متری

مخفی سازی سلاح ◄

دوگونه توپخانه در طی جنگ مورد استفاده قرار می‌گرفت: توپخانه سبک صحرایی که توسط اسب جابجا می‌شد و توپخانه سنگین تر مانند خمپاره اندازها که توسط تراکتور جابجا و روی سطح محکم قرار داده می‌شدند. با مستقر شدن توپخانه، ضروری بود که این تسلیحات مخفی شوند تا دشمن قادر به انهدام آن ها نگردد.



◄ محافظ چشم

در سال ۱۷-۱۹۱۶ به کلاهخود اصلی بریتانیایی‌ها یک آویز توری فلزی افزوده شد تا از چشم سربازان در برابر آفتاب محافظت شود. خیلی زود این آویزها حذف شدند زیرا باعث دشواری دید سربازان می گردیدند.



زره آلمانی ◄

در ژانویه ۱۹۱۶، ارتش آلمان کلاهخود شاخدار معروف به پیکل هوب را کنار گذاشت و به جای آن از کلاهخود فولادی گرد استفاده کرد. زره آهنی برای بدن، اولین بار در سال۱۹۱۶ برای مسلسل چی‌ها ساخته شد.



گلوله گذاری ▲

توپ های بزرگ به گروه باتجربه‌ای از توپ چی‌ها نیاز داشتند تا کار گلوله گذاری و شلیک آن ها را انجام دهند. این توپ هویتز ۳۸ سانتی متری انگلیسی در جاده منین حوالی ایپرس بلژیک در اکتبر ۱۹۱۷ مورد استفاده قرار می‌گرفت. سنگین وزنی گلوله‌ها باعث می‌شد برای جابجایی آن ها از جرثقیل استفاده شود.

گلوله توپ ۵،۶ کیلویی با قدرت انفجاری زیاد، ساخت انگلستان

گلوله توپ ترکشی‌زا ۷،۵ سانتیمتری فرانسوی

خمپاره ۱۱/۴ سانتی متری انگلیسی با قدرت انفجاری عظیم

انفجار!

اثر ویرانگر آتش توپخانه را می‌توان در این تصویر رقت انگیز از یک تانک انگلیسی مشاهده نمود که مورد اصابت یک خمپاره قرار گرفته و در آتش می‌سوزد. در سمت راست، تانکی دیگر در میان سیم‌های خاردار متوقف شده است. مورد اصابت واقع شدن اهداف متحرک مثل تانک پدیده‌ای غیر معمولی بود و آتش توپخانه اکثرا برای پاک سازی خطوط دشمن و از بین بردن هرگونه مقاومت، قبل از یک حمله زمینی و گسترده مورد استفاده قرار می‌گرفت.

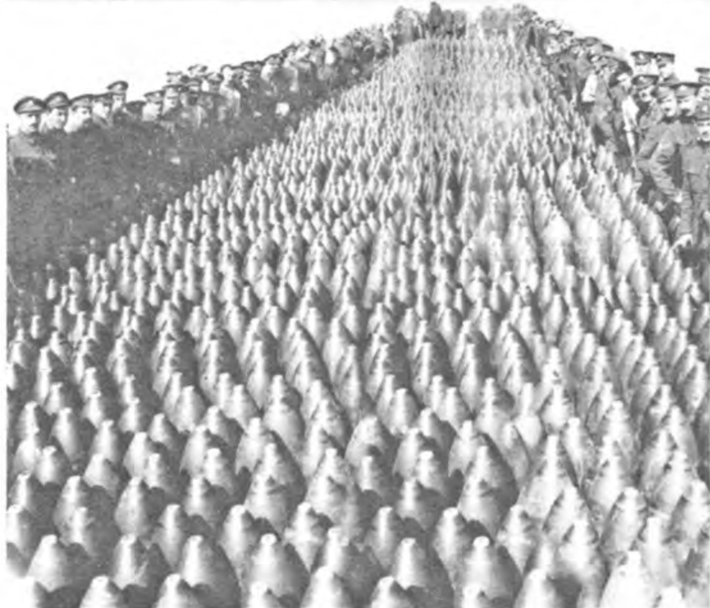


◀ طبقه بندی خمپاره‌ها

گلوله های توپ براساس وزن یا قطر طبقه بندی می‌شدند. گلوله های توپ دارای مواد منفجره قوی که در اثر اصابت به زمین منفجر می شدند، اثر تخریبی زیادی داشتند. گلوله های ترکشی ضد نفر در هوا منفجر و برای کشتن یا ایجاد نقص عضو طراحی شده بودند.

خمپاره ترکشی ۱۵ سانتی متری آلمانی





◀ قدرت گلوله ها

برای تداوم آتش توپ ها علیه مواضع دشمن به تعداد فراوانی از آن‌ها نیاز بود. در این عکس که از انبار مهمات انگلیس‌ها در پشت جبهه غربی گرفته شده است، می‌توان تعداد فراوان آن ها را ملاحظه کرد.

خروج از سنگر برای پیشروی

همین که بمباران توپخانه‌ای، مواضع دفاعی دشمن را در هم می‌شکست، پیاده نظام از سنگرها بالا رفته و به سوی خطوط دشمن حمله می‌کرد. پیشروی کار بسیار خطرناکی بود. چون بمباران های توپخانه‌ای به ندرت می توانستند مواضع دفاعی دشمن را کاملا درهم بکوبند. گاه، بسیاری از محل‌های استقرار مسلسل ها و موانعی چون سیم خاردار بعد از بمباران هنوز سالم باقی می ماند و سربازان پیشتاز از پیشروی باز مانده و گرفتار ضد حمله مسلسل چی ها می شدند. مسلسل چی‌ها قدرت تحرک و آتش بالایی داشته و معمولا از آن ها برای پر کردن شکاف‌های ایجاد شده در خطوط دفاعی مورد استفاده قرار می‌دادند، برای آن ها، یک سرباز مسلح با یک تفنگ و سرنیزه و کوله پشتی سنگین، هدف آسانی به شمار می‌رفت. در نخستین روز جنگ سومه در ژوییه ۱۹۱۶ در یک جبههٔ ۲۸ کیلومتری به طور متوسط به فاصلهٔ هر ۳ متر دو سرباز انگلیسی با آتش مسلسل‌های آلمانی کشته یا زخمی شده بود.



ترک کردن سنگر ◄

از وحشتناک ترین لحظه ها، بالا رفتن از نردبان و خروج از سنگر و حرکت به طرف منطقه بین دو خط به شمار می رفت. اندکی از سربازان از خطراتی که منتظر آن ها بود، آگاه بودند.



مسلسل متوسط ۷،۷ میلی متری انگلیسی به نام ماکسیم شماره ۳

محفظه آب برای خنک سازی لوله

سه پایه قابل استقرار روی سنگر





تک تیرانداز ▲

تفنگچیان متخصص معروف به تک تیرانداز، تفنگ های مجهز به دوربین تلسکوپی داشتند که در مقایسه با تفنگ های معمولی دقیق تر شلیک می کردند. تک تیراندازها به سوی هر سرباز دشمن که به اندازه کافی خوش شانس نبود، شلیک می کردند.

توپ زیردریایی (قایق U) ▲

زیردریایی های آلمانی در زیر دریا حرکت و در موقعیت مناسب بر روی آب ظاهر و به دشمن حمله می کردند. در اثنای جنگ، آن ها ۵۵۵۰ کشتی تجاری متعلق به دشمن و کشورهای بی طرف و تعداد بیشماری از کشتی های جنگی را غرق کردند. مسلسل هایی که روی عرشه زیردریایی مستقر شده بودند، می توانستند به سوی هر کشتی یا هواپیمای دشمن شلیک کنند.



شلیک سریع ▲

مسلسل‌های آن زمان می‌توانستند در هر دقیقه ۶۰۰ گلوله شلیک کنند. قطار فشنگ در یک کمربندی فلزی یا پارچه‌ای قرار داده می‌شد و مسلسل به طور خودکار آن ها را شلیک می‌نمود. دور لوله مسلسل محفظه‌ای آبی برای خنک کردن آن نصب می‌شد.

نخستین روز سومه

در سال ۱۹۱۶ نقشه متفقین آن بود که از شمال رودخانه سومه در فرانسه، عبور کرده و خطوط آلمان ها را در هم بشکنند. در ۲۴ ژوئن، انگلیسی‌ها بمباران ۶ روزه خطوط آلمانی ها را آغاز کردند، ولی آلمان‌ها به سرعت عقب نشینی کرده و صدمه جدی متحمل نشدند. با پیشروی پیاده نظام انگلیس در ساعت ۷/۳۰ صبح ۱ ژوییه، مسلسل چی‌های آلمانی از سنگرهایشان بیرون آمده و انگلیسی‌ها را به گلوله بستند. پیاده نظام انگلیسی تصور می‌کرد بمباران توپخانه‌ای باعث نابودی خطوط آلمانی‌ها شده است. بنابراین با خیالی راحت و در مسیری طولانی، به آرامی به سوی دشمنی که منتظر آن ها بود راهپیمایی می‌کردند.



در عمل ▲

این مسلسل چی‌های آلمانی در حال حفاظت از جناح پیاده نظام در حال پیشروی در جبهه غربی هستند. قابل اعتماد بودن و قدرت آتش مسلسل‌ها باعث شده بود این سلاح‌ها، بسیار مؤثر باشند. اندازه کوچک و قابلیت جابجایی آسان نیز باعث می‌شد دشمن به سختی قادر به انهدام آن ها گردد.



رسیدگی به زخمی‌ها ◄

در این تصویر، شرایط رقت بار سنگر را مشاهده می‌کنیم که یک افسر پزشک در حال رسیدگی به وضعیت سربازی زخمی در سپتامبر ۱۹۱۶ در منطقه تیپوال حوالی سومه است. حرکت در طول سنگر معمولا سخت و کند بود.

«جاده مملو از گل ... پر از تکه های یونیفورم، اسلحه و اجساد مردگان بود.»

ستوان ارنست یونگر، سرباز آلمانی، ناحیه سومه سال ۱۹۱۶



سربازان لشگر ۱۰۳ در حال جابجایی برای حمله به منطقه لابواسل، در اولین روز حمله بزرگ سومه

حمله بی‌اثر ▲

نبرد سومه از ۱ ژوییه ۱۹۱۶ تا ۱۸ نوامبر به درازا انجامید و طوفان برف و باران حمله را در گل فرو نشاند. متفقین حدود ۱۲۵ کیلومتر مربع از سرزمین‌های خود را باز پس گرفتند، ولی قادر به درهم شکستن خطوط آلمان‌ها نشدند و بخش زیادی از ناحیه به گل زار بی‌استفاده‌ای تبدیل شد. آلمان‌ها از سال ۱۹۱۴ در این ناحیه به سر می‌بردند و بنابراین آن‌جا را خوب می‌شناختند. ولی سربازان جوان و بی‌تجربهٔ متفقین برای اولین بار وارد صحنه جنگ جهانی اول شده بودند و بنابراین نتوانستند کاری از پیش ببرند.

زخمی‌ها

هیچ کس از شمار دقیق زخمی‌ها در این جنگ اطلاعی ندارد، ولی تعداد زخمی‌ها ۲۱ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. مراقبت از زخمی‌ها عملیات نظامی مهمی بود؛ آن ها ابتدا به بخش مراقبت‌های اولیه سنگرها منتقل، سپس به بیمارستان های صحرایی پشت خط مقدم برده می‌شدند. در این جا، قبل از انتقال به بیمارستان های پشت جبهه مراقبت بهداشتی کامل و در صورت لزوم جراحی‌های اولیه بر روی آن ها صورت می گرفت. سربازانی که دچار جراحت های جدی شده بودند، برای درمان به بیمارستان های مجهز در میهن خود منتقل می‌شدند. بیش از ۷۰ درصد از سربازان انگلیسی در جبهه غرب، دوباره به خدمت بازگشتند. یکی دیگر از آسیب های اصلی جبهه ها شیوع بیماری های مسری بود. در بعضی نواحی، بیش از ۵۰ درصد مرگ و میرها ناشی از بیماری بود.



فهرست محتویات و محل یابی آن ها در جعبه کمک های اولیه

بطری های محتوی مواد ضد عفونی و ضد درد

◄ جعبه کمک های اولیه آلمانی ها

بهیاران آلمانی دو جعبه کمک‌های اولیه روی کمربند خود حمل می‌کردند. جعبه سمت چپ تصویر، حاوی مواد ضد عفونی، مسکن‌ها و دیگر داروها و جعبه سمت راست حاوی پارچه و باندا‌ژهای سه گوش بود.



مرد خوش شانس ◄

به رغم بوجود آمدن سوراخی بزرگ در کلاهخود این سرباز، تنها یک جراحت سطحی در سر او ایجاد شده است. بسیاری از سربازان این قدر خوش شانس نبودند و اگر هم جان سالم به در می‌بردند، دچار جراحت هایی می‌شدند که گاه تا آخر عمر همراه آن ها بود.



◀ کمک در سنگر

جراحت سربازانی که در سنگرها نقش زمین می‌شدند توسط بهیاران پانسمان می‌شد. سپس آن ها به بخش مراقبت های اولیه لشگر منتقل می‌شدند. در اینجا امکان بررسی دقیق تر صدمات آن ها وجود داشت.

◀ جایگزینی بانداژها

پس از محاصره دریایی آلمان ها توسط انگلستان پنبه و پارچه در لشکر آلمان‌ها کمیاب شد و در نتیجه آن ها به جای بانداژ از الیاف چوب، کاغذ و پرده‌های توری استفاده کردند.



بانداژهای آلمانی



آمبولانس ▲

افسران پزشک ارتش انگلستان، مانند همتایان آلمانی، ناوگانی از آمبولانس های صحرایی برای انتقال مجروحان به بیمارستان در اختیار داشتند. کارکنان اکثر این آمبولانس‌ها، افراد داوطلب، معمولا زنان و بهیاران کشورهایی غیرمتخاصم مانندامریکا بودند.

موج انفجار

موج انفجار نام مشترکی برای انواع بیماری ها مثل ضربه‌های مغزی، شوک‌های عاطفی، خستگی عصبی و دیگر ناراحتی های مشابه است. پیش از جنگ جهانی اول، موج انفجار ناشناخته بود. اما جنگ در سنگرها چنان وحشتناک بود که بسیاری از سربازان در این جنگ، اصطلاح «موج انفجار» را اختراع کردند. اکثر آن ها سرانجام بهبود یافتند، ولی برخی با کابوس و دیگر علائم بیماری در تمام عمرشان دست به گریبان شدند. این بیماری بحث و مجادلات فراوانی برانگیخت و در سال ۱۹۲۲، کمیته اداره جنگ بریتانیا اعلام نمود که بیماری موج انفجار وجود ندارد و این بیماری در واقع مجموعه‌ای از بیماری های شناخته شده قبلی است.



افسر پزشک به سربازی مجروح، بیرون از سنگر کمک می‌کند

ابزار عمل جراحی

پزشکان ارتش مجموعهٔ استانداردی از ابزارهای جراحی، مانند ابزارهای این تصویر را با خود حمل می‌کردند که پیش از آن در ارتش هندوستان معمول بود. در جبهه ها به مهارت های آنان به شدت نیاز بود، زیرا سربازان با انواع بسیار گوناگونی از جراحت های ناشی از گلوله و ترکش توپ مواجه بوده و احتیاج به مراقبت‌های فوری داشتند.

فورسپس و گیره که در قفسه فلزی جای داده شده اند.



در ردیف پایینی اره و چاقو برای قطع عضو وجود داشت.



بیمارستان صحرایی

خانه‌های کشاورزان، کارخانه‌های ویران شده و حتی کلیسای بمباران شده مانند این کلیسا در میوز فرانسه، به منظور درمان مجروحان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. مراقبت ها، اولیه بودند و بسیاری به حال خود واگذاشته می‌شدند تا از خود مراقبت کنند.

زنان در جنگ

هنگامی که مردان به جنگ رفتند، زنان برای ایفای نقش خود در پشت جبهه و پر کردن جای خالی مردان فراخوانده شدند. بسیاری از زنان پیش از آن نیز در کارهایی که مختص مردان بود، فعالیت می کردند، ولی نقش عمدهٔ آن ها محدود به کار در خانه، پرستاری، تدریس، فعالیت کشاورزی در مزرعه خانوادگی، و چند شغل دیگر بود، که برای زنان مناسب تشخیص داده می‌شد. با شروع جنگ، آن ها کار در کارخانه، رانندگی کامیون و آمبولانس را شروع کردند و تقریبا هر کاری را که قبلاً مردان انجام می‌دادند، به دست گرفتند. بسیاری از زنان شاغل، کارهای کم درآمد و سطح پایین را رها کرده و به شغل‌های پردرآمد در صنایع تولید مهمات و دیگر تجهیزات روی آوردند و بنابراین در جامعه به جایگاه جدیدی دست یافتند، اما این گونه موفقیت‌ها کوتاه مدت بودند، زیرا با اتمام جنگ، زنان به خانه‌هایشان بازگشتند.



ماجراجویی در خط مقدم ◄

برای برخی از زنان، جنگ ماجرایی بزرگ بود. پرستار انگلیسی، السس ناکر، در سال ۱۹۱۴ به بلژیک رفت و سپس مایری کیشولم اسکاتلندی نیز به او پیوست. این زنان در پرویس بلژیک درمانگاهی تأسیس کرده و به مداوای مجروحان پرداختند، تا این که در سال ۱۹۱۸ در اثر گاز شیمیایی مسموم شدند. آن ها تقریبا تنها زنان در خط مقدم بودند و به زنان پرویس معروف شدند و به فرمان شاه آلبرت بلژیک نشان لئوپلد و مدال ارتش انگلیس به آن ها داده شد. السس بعداً با افسری بلژیکی به نام بارون دوتسرکل ازدواج کرد.



رختشویی در ارتش ◄

شغل سنتی زنان مانند کار در رختشویی یا نانوایی در دوران جنگ، در مقیاس عظیم تر ادامه یافت. زنان فرانسوی شاغل در رختشویی ارتش انگلستان در پرونت فرانسه، در سال ۱۹۱۸، هر روزه سرگرم شستشو و تمیز کردن لباس های کثیف هزاران سرباز بودند.



◀ پشتیبان کشورتان باشید

برای جلب پشتیبانی زنان از جنگ، از پوستر زنان به منظور «الگو» استفاده می‌شد. در این پوستر روسی از مردم خواسته می‌شود اوراق قرضه جنگ را از دولت بخرند و برای این تبلیغ ازتصاویر زنان و مادران روسی به عنوان مظهرعشق برای سرزمین مادری استفاده می‌شد.



نیروهای کمکی ملکه ماری ◀

تعداد معدودی از زنان عملاً در جنگ شرکت داشتند، ولی بسیاری از آن‌ها در زمرهٔ نیروهای کمکی همکاری می کردند تا مردان آزاد باشند و بتوانند در خط مقدم بجنگند. آن‌ها به رانندگی کامیون، تعمیر موتورها، و اجرای امور اداری و تأمین تجهیزات روی آوردند. در انگلستان، زنان بسیاری به گروهان نیروهای کمکی زنان (که بعدا نام آن به ملکه ماری تغییر کرد) پیوستند. در این گروهان زنان با لباس خاکی به استخدام درمی‌آمدند و روی اعلامیه استخدامی آن نوشته شده بود: «زنان پشت سر مردانِ پشت تفنگ ها». به رغم داشتن شغل نظامی البته زنان همچنان غیرنظامی محسوب می‌شدند.



ارتش زنان کشاورز ▲

جنگ مستلزم افزایش عظیم تولید مواد غذایی در کشورهای دو سوی نبرد بود، زیرا کشورهای در حال جنگ از ورود مواد غذایی به کشورهای دشمن جلوگیری می‌کردند. در انگلستان، ۱۱۳۰۰۰ زن با حقوق بالا به ارتش زنان کشاورز پیوستند که در سال ۱۹۱۷ برای تکمیل نیروی کار زنان در زمین‌های کشاورزی پدید آمده بود. بسیاری از اعضای این ارتش مانند این گروه از زنانِ شاداب و با روحیه، متعلق به طبقات میانی و بالایی جامعه بودند . آن‌ها کمک ارزشمندی به کشور خود رساندند، ولی در مقایسه با میلیون ها زن کارگری که در همان زمان در دیگر نقاط اروپا روی زمین کار می‌کردند، شمارشان بسیار اندک بود.



◀ کار کردن در فقر

اگر چه جنگ برای بسیاری از زنان شأن و ثروت بالاتری به همراه آورد، ولی در همه جا چنین وضعیتی ایجاد نشد. این زنان ایتالیایی در شرایط وحشتناکی در کارخانه‌های مهمات سازی مشغول به کار بودند. بسیاری از آن‌ها خیلی جوان بودند و حتی نمی توانستند برای خود کفش تهیه کنند. در کارخانه‌های سراسر ایتالیا، آلمان و روسیه چنین شرایطی به چشم می‌خورد. زنان مدت زمانی طولانی سخت کار می‌کردند، ولی به زحمت می‌توانستند حتی خوراک خانواده خود را فراهم کنند. در نتیجه اعتصاباتی به رهبری زنان کارگر روی می‌داد.

یادگاری هایی از خانه ◀

زنان با نگارش نامه به شوهران، برادران و پسران غایب خود که در خط مقدم جبهه به سر می‌بردند، تماس خود را با آن‌ها حفظ می کردند. آن‌ها یادگاری‌های منزل مثل عکس‌ها یا گل‌های خشک شده را برای این مردان می‌فرستادند تا بدانها اطمینان دهند در غیاب شان همه چیز در منزل رو به راه است و زنان همیشه به یاد آن‌ها هستند. این نامه‌ها و یادگاری ها برای حفظ روحیه مردان و تسکین درد دوری از میهن و گاهی ترس و وحشت آن‌ها تأثیر فراوانی در بر داشت.



دستمال گلدوزی شده

عکس‌های خانوادگی

نامه به شوهران حاضر در خط مقدم برای توصیف شرایط داخلی کشور



◀ شیرزنان روسیه

تعدادی از زنان روس به «لژیون مرگ» پیوستند تا برای کشورشان بجنگند. اولین نبرد از پتروگراد (سن پترزبورگ) آغاز شد و با به اسارت گرفتن ۱۰۰ آلمانی در زمان عقب شینی روسیه به اوج موفقیت رسید؛ البته در این نبرد بسیاری از زنان کشته شدند.

جنگ هوایی

وقتی درآگوست ۱۹۱۴ جنگ درگرفت، از ساخت و پرواز هواپیماهای موتوردار به زحمت ده سال می گذشت. این نوع هواپیماها قبلا به صورت محدود در جنگ ایتالیا و ترکیه در سال ۱۹۱۱ شرکت داشتند، ولی هواپیماهای نخستین تقریباً فقط برای امور غیرنظامی تولید می‌شدند. بعضی از رهبران نظامی حتی تصور به کارگیری هواپیماها را در جنگ نمی کردند، ولی ذهنیت آن ها به سرعت تغییر کرد. نخستین هواپیماهای جنگی به منظور ابزاری برای شناسایی خطوط دشمن یا کمک به هدایت آتش توپخانه و بالابردن دقت اصابت آن ها به مواضع دشمن مورد استفاده قرار گرفتند، خلبان های دشمن سعی می کردند آن ها را سرنگون کنند که در نتیجه به جنگی هوایی در آسمان بین خلبان های بسیار ماهر و قهرمان و بسیار شجاع منجر می شد. هر دو طرف در حال جنگ به تولید هواپیماهای جنگی ویژه مثل ساپویت کمل و فوکر آلمانی روی آوردند، به گونه‌ای که بتدریج هواپیماهای قوی‌تر قادر به حمل بمب و فرو افکندن بمب روی اهداف دشمن گردیدند. تا پایان جنگ، نقش جنگنده‌های هوایی از کمک به نیروهای زمینی، به نیرویی عمده و منحصر به فرد و تاثیرگذار تحول پیدا کرد.



◀ نبرد هوایی

خلبان ها بر فراز جبهه غربی مشغول جنگ با دشمن بودند. تفنگ‌ها بر بالای هواپیما قرار داشتند، بنابراین خلبان ها ناچار بودند برای شلیک به دشمن مستقیم پرواز کنند.



پروانه‌ای برای هدایت بمب



پره‌هایی برای جلوگیری از چرخیدن بمب هنگام فرود آمدن

بدنه سوراخ سوراخ بمب برای کمک به آتش گرفتن بمب هنگام اصابت به هدف

بمب آتش زای انگلیسی موسوم به کرکس



بمب ۹/۱ کیلویی انگلیسی به نام مارتن هیل، حاوی ۲ کیلو مواد منفجره

فرو افکندن بمب ◀

بمب های اولیه در واقع از دو طرف هواپیما توسط کمک خلبان به پایین انداخته می‌شد. خیلی زود بمب افکن‌های تخصصی ساخته شدند که به سیستم نشانه گیری و جا دادن بمب ها در زیر بدنه هواپیما و سیستم رهاسازی مجهز بودند که خلبان یا دیگر خدمه پرواز از آن ها استفاده می کردند.



کلاه دو چشمی چرمی



ماسک چرمی برای صورت



عینک شیشه‌ای ضد ذرات معلق در هوا



یقه بلند برای گرم نگه داشتن گردن

جیبی برای نگاهداری نقشه‌ها

کت نرم از چرم لطیف

چکمه‌ها از پوست گوسفند

پاشنه ضخیم برای کنترل بهتر



دستکش دارای نوار چرمی از پوست گوسفند
برای محافظت دستان از یخ زدگی

لباس هوانوردی ◄

خلبان ها در کابین‌های روباز پرواز می‌کردند، بنابراین کت ها و کلاه‌های دو چشمی چرمی و نرم، چکمه‌ها و دستکش‌های ساخته شده از پوست گوسفند می‌پوشیدند تا در مقابل سرما، گرم بمانند. در این جنگ بعدها، لباس یک تکه مرسوم گردید که از پنبه روغنی با لبه‌های ابریشم و خز تهیه شده بود.

هواپیمای آلمانی یک مسیر مداوم را ادامه می‌داد

جنگنده انگلیسی از زیر و از پشت سر بالا می‌آید

◄ مانورها

هنگام آغاز جنگ، هنر پیکار هوایی برای خلبان ها ناشناخته بود و آن ها مجبور بودند از صفر شروع کنند. این پوستر آموزشی انگلیسی، روش صحیح حمله به جنگنده‌های آلمانی را نشان می‌دهد، البته بدیهی است که آموزش خلبان ها روی زمین نمی توانست جایگزین تجربه عملی پرواز در هوا باشد.

طول ۲۶ فوت و ۱۱اینچی (۸/۲ متر) بال ها

بست‌های چوبی

«شما از من می‌خواهید آن‌ها را به کام شیاطین بفرستم.... وقتی می‌جنگم.... آن‌ها را شیطان تصور نمی کنم.... من آن‌ها را قطعه قطعه می‌کنم زیرا این وظیفه من است.»

خلبان آلبرت بال، ۱۹۱۶

فوکر DVII

برش عرضی برای نشان دادن چارچوب پولادین ساختار هواپیما

موتور BMW

◄ جنگنده آلمانی

فوکر DVII آلمانی هواپیمای مستحکمی بود که در آوریل ۱۹۱۸ به هوا برخاست. این هواپیما گرچه از ساپویت کمل کندتر بود، ولی در ارتفاع بلندتری پرواز می‌کرد، سریع تر شیرجه می‌زد و در تمامی ارتفاعات خوب پرواز می‌کرد.

این لوله می‌توانست گلوله‌ای یک پوندی شلیک کند

محور برای تغییر جهت و زاویه استقرار سلاح

ضد هوایی‌ها ◄

اولین ضد هوایی‌ها مثل این QF یک پوندی انگلیسی، عملا روی کشتی‌ها برای شلیک به سوی قایق‌های اژدر افکن سوار می‌شدند، اما وقتی برای شلیک به سوی هواپیما تغییر داده شدند به ابزار مفیدی برای پدافند هوایی روی زمین تبدیل گردیدند.



◀ ساپویت کمل

هواپیما با نام ساپویت کمل اف وان نخستین بار در نبردی در ژوئن ۱۹۱۷ به پرواز درآمد. و تبدیل به موفق ترین جنگنده متفقین در عرصه نبرد هوایی و سرنگونی جنگنده‌های آلمانی شد. خلبان ها به دلیل چابکی و توانایی بی‌نظیر این هواپیما که به آن امکان چرخش‌های سریع در سرعت های بالا را می‌داد، از پرواز لذت می‌بردند.



خلبان ادی ریکن بیکر (امریکا)
با ۲۴ موفقیت (۱۹۷۳-۱۸۹۰)



رتیمیستر مانفرد فون ریشتوفن (آلمان)- نفر وسط
با ۸۰ موفقیت (۱۹۱۸-۱۸۹۲)



خلبان رنه فونک (فرانسه)
با ۷۵ موفقیت (۱۹۵۳-۱۸۹۴)

قهرمان های هوانوردی ▲

برای رسیدن به عنوان «قهرمان هوانوردی»، هر خلبان باید حداقل ۱۰ هواپیمای دشمن را سرنگون می‌کرد. این افراد عنوان قهرمان ملی را کسب می‌کردند. مانفرد فون ریشتوفن، معروف به «بارون سرخ» بیشترین امتیاز را در این زمینه داشت. زیرا موفق شده بود ۸۰ هواپیمای متفقین را سرنگون سازد. قهرمان انگلیسی، خلبان آلبرت بال بیش از تمام همسالان خود مدال شجاعت گرفته بود، حتی مدال صلیب ویکتوریا نیز به وی اعطا شده بود. در سال ۱۹۱۷ زمانی که آلبرت فقط ۲۰ سال داشت هواپیمایش سرنگون و کشته شد.



خلبان آلبرت بال (انگلستان)
با ۴۴ موفقیت (۱۹۱۷-۱۸۹۶)

زپلین

در بهار سال ۱۹۱۵، اولین کشتی‌های هوایی آلمان در آسمان شب انگلستان پدیدار شدند. نمای این دستگاه‌های عظیم و کندرو، به هنگام فرو ریختن سیلی از بمب، ترس و وحشت فراوانی موجب می‌شدند. ولی در واقع، کشتی‌های هوایی نقش کوچکی در جنگ ایفا می‌کردند. اولین کشتی هوایی را یک آلمانی به نام کنت فردیناند فون زپلین در سال ۱۹۰۰ طراحی کرد. از آن پس، کشتی‌های هوایی زپلین نامیده شدند. البته از نظر فنی تنها انواعی که زپیلین طراحی کرده بود باید به نام وی ثبت می شدند. در اوایل جنگ، کشتی‌های هوایی بالاتر از هواپیماهای دیگر قادر به پرواز بودند، بنابراین سرنگون کردن آن ها تقریبا غیرممکن بود. این توانایی باعث می‌شد آن ها به وسیله خوبی برای بمباران تبدیل شوند، اما خیلی زود، ظهور هواپیماهای بلند پرواز و استفاده از گلوله‌های آتش زا باعث شد این بمب افکن‌های هوایی به زیر کشیده شوند. در سال ۱۹۱۷، بیشتر کشتی‌های هوایی آلمانی و انگلیسی فقط عملیات شناسایی در دریا را انجام می‌دادند.



در درون گوندولا ▲

این خدمه، کشتی هوایی را از گوندولا ـ کابین جادار زیر بدنه اصلی کشتی ـ هدایت می‌کردند. گوندولا از دو طرف باز بود به همین دلیل خدمه در مقابل بدی آب و هوا در امان نبودند.

بزرگتر شدن ▲

L۳ کشتی هوایی جنگی آلمانی، در اولین حمله هوایی علیه بریتانیا (انگلیس) در شب ۲۰-۱۹ ژانویه ۱۹۱۵، شرکت کرد و باعث بر جا ماندن ۲۰ کشته و زخمی غیر نظامی گردید. شاهدان عینی از اندازه آن به وحشت افتادند، ولی تا سال ۱۹۱۸ آلمان دست به تولید کشتی‌هایی تقریبا سه برابر بزرگتر نیز زد.

◄ بیرون ریختن بمب‌ها!

در ابتدا خدمه کشتی‌های هوایی مجبور بودند بمب‌های خود مثل این بمب آتش زا را از دو طرف کابین متصل به کشتی هوایی با دست به بیرون بیفکنند. مدل‌های بعدی از مکانیسم رهاسازی خودکار بهره مند بودند.

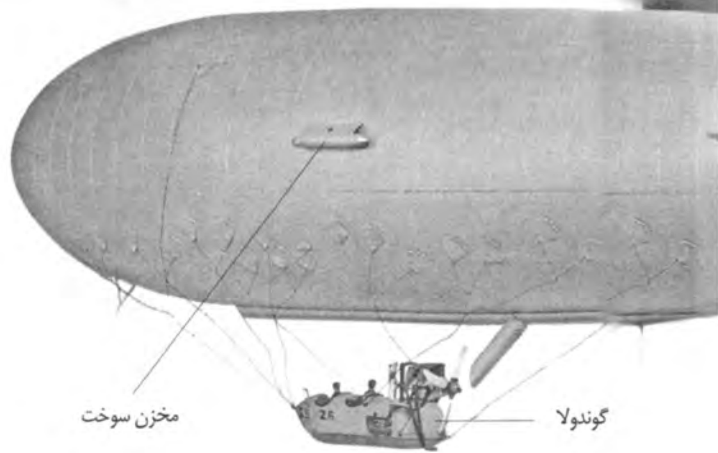


بمب آتش زای آلمانی که با زپلین LZ۳۸ در ۳۱ مه ۱۹۱۵ روی لندن فرو افکنده شد.



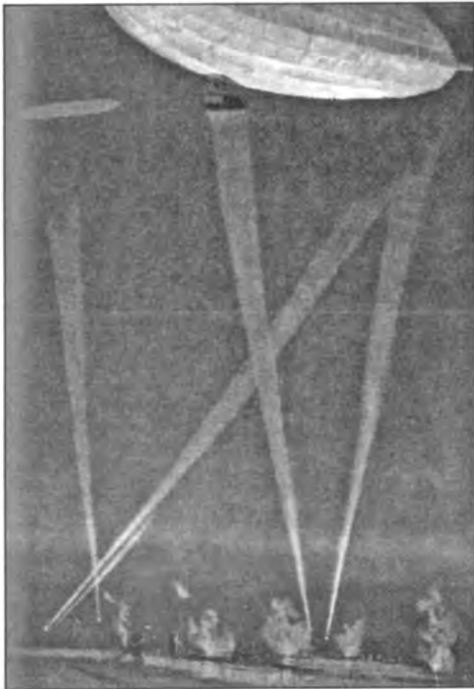
بالاتر از دریا ▲

انگلیسی‌ها از کشتی‌های هوایی بیشتر برای گشت‌زنی روی دریا و یافتن زیر دریایی‌های آلمانی استفاده می‌کردند. مسلسل‌چی از خدمه و کشتی علیه جنگنده‌های دشمن حفاظت می‌کرد و سایر خدمه نیز به دیده‌بانی مشغول می‌شدند.در این تصویر، دو تن از خدمه های کشتی هوایی، از روی میله‌های نه چندان امنی که در دو طرف کشتی برای نگه داشتن موتور آن ساخته شده است، مشغول دیده‌بانی محوطه زیر کشتی هوایی هستند.



سی اسکاوت زیرو ▲

SSZ (سی اسکات زیرو) انگلیسی نخستین بار در سال ۱۹۱۶ به پرواز درآمد. این کشتی حالت بادکنکی داشت یعنی فاقد چارچوب داخلی بود. وزن سبک آن باعث می‌شد سرعت کشتی به ۴۵ مایل بر ساعت افزایش یابد و بتواند ۱۷ ساعت به پرواز خود ادامه دهد. وظیفه سه خدمه آن عمدتاً شناسایی زیر دریایی‌ها یا اسکورت کشتی‌های حمل محموله بود.



نخستین کشتی هوایی آلمانی در ۳۱ مه ۱۹۱۵ به لندن حمله کرد و در ۸ سپتامبر حملات وسیع‌تری به دنبال آن انجام گرفت. آر.اشمیت نقاش اهل هامبورگ یکی از شب‌های حمله به لندن را به تصویر کشیده است. در مجموع، ۵۱ حمله به شهرهای بزرگ انگلیس انجام شد. این کشتی‌ها، درمجموع ۲۲۰ تن بمب را روی سر مردم فرو ریختند که ۵۵۷ کشته و ۱۳۵۸ زخمی بر جا گذاشت.

جنگ دریایی

بعد از به دریا انداختن رزمناو انگلیسی به نام «دردنات» در سال ۱۹۰۶، آلمان و دیگر کشورها نیز شروع به برنامه ریزی گسترده برای ساخت ناوهای جنگی کردند. با این حال، جنگ عمدتا روی زمین جریان داشت و دو طرف از پیکار دریایی پرهیز می کردند. انگلیسی‌ها از ناوگان جنگی خود برای آزادی تجارت دریایی و همچنین واردات غذا و تجهیزات به انگلستان و جلوگیری از رسیدن تجهیزات به آلمان استفاده می کردند. آلمان نیز به ناوگان جنگی خود برای دفاع از حملات احتمالی سایر کشورها نیازمند بود. تنها نبرد دریایی مهم، در ساحل یوتلند دانمارک در دریای شمال در سال ۱۹۱۶ رخ داد که نتیجه‌ای تعیین کننده دربر نداشت. جنگ اصلی زیر دریا رخ داد، به گونه‌ای که زیر دریایی‌های آلمانی در تلاش برای حذف قدرت دریایی انگلستان جنگی فرسایشی را علیه کشتی‌های تجاری و جنگی متفقین شروع کردند.

«دعوت برای نبرد»

زمانی که ایالات متحده در آوریل ۱۹۱۷ وارد جنگ شد، پوستری در همه جا پخش کرد که یک سرباز را در یونیفورم نیروی دریایی نشان می‌داد. او از داوطلبان می‌خواست در این نیرو ثبت نام کنند. ترغیب مردم برای شرکت در جنگ یکی از راه های بسیج نیرو می باشد. در زمان جنگ، ستادهای مخصوص برای روحیه دادن به مردم و آماده سازی آن ها ایجاد شده و کار تبلیغاتی انجام می دهند.



زندگی در زیردریایی ◄

شرایط داخل زیردریایی سخت و ناراحت کننده بود. دود گرمای موتورها و کمبود تهویه، هوای داخل را به شدت مرطوب و سنگین می‌کرد. آن‌ها نمی‌توانستند برای تهویه هوا به سطح آب بیایند و مجبور بودند برای شناسایی نشدن توسط هواپیماهای دشمن روزها در زیر آب بمانند. همچنین برای عبور از میدان های مین و حمله به کشتی های دشمن مجبور به تلاش و کار شبانه روزی بودند.



تهدید دائمی ◄

این پوستر تبلیغاتی آلمانی با شعار «زیردریایی‌ها همیشه مواظبند!» تهدید دائمی و برتری زیردریایی‌های آلمان علیه کشتی‌های متفقین را نشان می‌دهد. آلمانی‌ها به نیروهای پیشرفته نظامی خود می‌بالیدند و با تبلیغ قدرت و توانایی جنگ افزارهای خود، سعی داشتند مردم را همراه سازند و به آن‌ها قوت قلب بدهند.



◄ زمین و دریا

هواپیماهایی بودند که می‌توانستند هم از روی زمین و هم از روی آب به هوا برخاسته و فرود آیند. از این نوع هواپیما برای عملیات شناسایی و بمباران استفاده می‌شد. یکی از این هواپیماهامدل شورت ۱۸۴، برای اولین بار با افکندن اژدر توانست یک کشتی دشمن را غرق سازد.

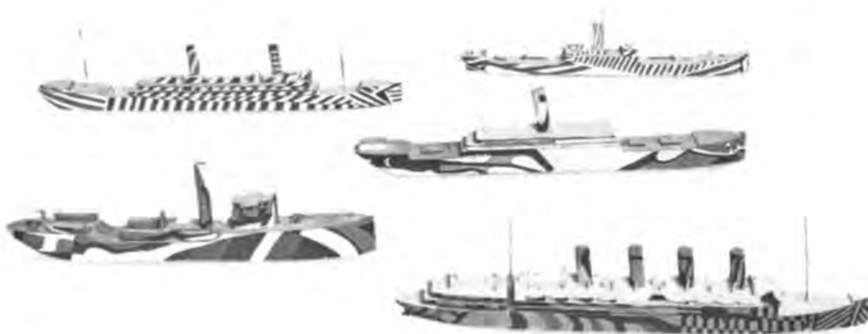
بالن دیده‌بانی

باند پرواز

توپ

HMS فوریوس ▲

ناوهای هواپیمابر نخستین بار در دوران جنگ جهانی اول به میدان آمدند. در ۱۷ ژوییه ۱۹۱۸ هفت هواپیمای ساپویت کمل از باند پرواز کشتی HMS فوریوس برای حمله به پایگاه زپلین، در توندرن واقع درشمال آلمان به هوا برخاستند و موفق به نابودی آشیانه‌ها و دو زپلین مستقر در آن‌ها شدند.



گیج کردن و زنده ماندن ▲

در سال ۱۹۱۷ نیروی دریایی انگلستان، پنهان سازی کشتی‌های تجاری را با طرح های عجیب و غریب و خیره کننده شروع کرد. این الگوهای هندسی خاکستری، مشکی و آبی، نمای کشتی را دگرگون می‌کرد و زیردریایی‌های آلمانی به سختی می‌توانستند مسیر آن را تشخیص دهند و بنابراین قادر نبودند اژدرهای خود را به سوی آن نشانه گیری کنند.



کور کننده ◄

در دوران جنگ، بسیاری از هنرمندان با روش‌های شگفت انگیز خود به جهاد جنگی کشور خود کمک کردند. نقاش مدرن انگلیسی ادوارد واد زورث از «خطوط کورکننده» برای نشان دادن استتار کشتی‌ها استفاده کرد. وی بعدا در خاتمه کار، تصویر فوق را با نام کشتی‌های براق در ساحل خشک لیورپول نقاشی نمود.



► موفقیت و شکست

زیردریایی‌های آلمانی قادر بودند هم روی آب و هم زیر آب عملیات انجام دهند. در این جا، خدمه با کمک توپی که بر روی عرشه زیردریایی قرار دارد، می‌کوشند از حرکت کشتی بخار دشمن جلوگیری کنند. زیردریایی‌های آلمانی ۵،۵۵۴ کشتی تجاری و جنگی کشورهای متحد و بی‌طرف را غرق کردند. خسارت خود آن ها غیرقابل توجه بود. متفقین توانستند ۱۷۸ فروند از کل ناوگان ۳۷۲ فروندی زیردریایی‌های آلمانی را با اژدر یا بمب نابود سازند.





مدال پیروزی



مدال جنگی بریتانیا



صلیب ویکتوریا

مدال‌های اعطا شده به جک کورنوال

◀ ملوان ارشد

جان تراورز کورنوال وقتی اولین بار در نبرد یوتلند، در ۳۱ مه ۱۹۱۶، شرکت کرد تنها ۱۶ سال داشت. وی از ملوانان ارشد کشتی HMS چستر بود و در اوایل نبرد به شدت زخمی شد. در حالی که سایر اعضا کشته یا زخمی شده بودند کورنوال تا پایان عملیات در پست خود باقی ماند. وی در ۲ ژوئن در اثر جراحات درگذشت، ولی پس از مرگ نشان صلیب ویکتوریا به وی اعطا شد.



ناوگان عظیم بریتانیا ▲

ناوگان سلطنتی بریتانیا بزرگترین و قدرتمندترین ناوگان در جهان بود. این ناوگان سیاستی معروف به سیاست «معادل دو قدرت» را به اجرا درمی‌آورد. منظور آن بود که مجموع اقتدار ناوگان بریتانیا باید با مجموع قدرت دو مورد از قوی ترین کشورهای جهان برابر باشد. به رغم این برتری، ناوگان بریتانیا نقش نسبتا کوچکی در جنگ در مقایسه با ارتش بازی نمود و صرفا موفق شد دریاها را از کشتی‌های آلمانی پاکسازی کرده کاروان های کشتی‌های تجاری را به مقصد انگلستان همراهی نماید.

گالیپولی

در سال ۱۹۱۴ نیروهای متفقین، به فکر تصرف تنگه داردانل افتادند. اما با اعلام بی طرفی دولت عثمانی، حمله‌ای به آن صورت نگرفت. اما پس از آنکه دولت عثمانی با زیر پاگذاشتن بی طرفی و اتحاد با متحدین وارد جنگ شد، بهانه لازم به دست نیروهای متفقین افتاد و آن ها حمله به داردانل را در دستور کار خود قرار دادند.آن ها ابتدا در اوایل سال ۱۹۱۵ با توجه به استحکامات تنگه و شهر استانبول، سعی کردند تا از طریق محاصره و بمباران سنگین توپخانه، سربازان عثمانی را به عقب رانده و استانبول را که پایتخت امپراطوری عثمانی بود فتح کنند. ناوگان دریایی مشترک انگلستان و فرانسه با محاصره منطقه، به مدت یک ماه نیروهای عثمانی مستقر در دو سوی تنگه را گلوله باران کردند. اما تمامی حملات بی نتیجه بود. آن ها دوباره در ۱۸ مارس، آخرین شانس خود را آزموده و حمله ای دیگر را شروع کردند. این بار هم نتیجه در پایان به سود عثمانی‌ها رقم خورد. متفقین در این روز تمام نیروی خود را به کار بستند تا کنترل تنگه داردانل را به دست آورند اما با دفاع عثمانی‌ها با شکست مواجه شدند.
بالاخره در ۲۵ آوریل، نیروهای متفقین برای جبران شکست و اعاده حیثیت تصمیم به حمله زمینی گرفته و نیروهای انگلیس، استرالیا و زلاندنو در شبه جزیره گالیپولی پیاده شدند، تا از شمال و نیروهای فرانسوی نیز از جهت مخالف و در جنوب حمله ای گازانبری را شروع کنند. لشکر ۷۵ هزار نفری متفقین در چاناق قلعه پیاده شدند و آن ها را ۱۰۹ ناو جنگی و صدها شناور دیگر از سوی دریا حمایت می‌کرد. این نبرد چندین ماه به طول کشید، اگر چه پیاده سازی نیروها برای متفقین یک موفقیت به حساب می آمد ولی دفاع و مقاومت سربازان ترک بی نظیر و تلفات مهاجمین به شدت بالا بود. سرانجام نیروهای متفقین به دلیل تلفات سنگین، در ماه دسامبر آغاز به تخلیه منطقه کرده و کنترل آن در دست عثمانی باقی ماند.



شبه جزیره گالیپولی

شبه جزیره گالیپولی در شمال تنگه داردانل یعنی آبراه باریکی که دریای اژه را از طریق دریای مرمره به دریای سیاه متصل می‌کند، واقع است. کنترل این آبراه باعث می‌شد انگلستان و فرانسه از دریای مدیترانه راه آبی مستقیمی به سوی دریای سیاه پیدا کرده با متحد خود، روسیه، در اثنای جنگ مرتبط شوند. اما هر دو سوی این آبراه تحت کنترل متحد آلمان، یعنی؛ ترکیه عثمانی قرار داشت.

میزان خسارت ◀

به رغم تلاش‌های گروهان پزشکی و با وجود اینکه برخی از آن ها حتی کیف‌های جراحی کوچکی با خود حمل می کردند، درمان و تخلیه مجروحان از گالیپولی به خاطر تعداد فراوان سربازان بیمار و مجروح پیچیده شده بود.



کیف پزشکی شخصی متعلق به یک افسر انگلیسی در خط مقدم



ساحل بیماران ▲

هر دو طرف ناچار به مصرف غذاهایی بودند که توسط حشرات به میکروب های گوناگون آلوده می شدند. اجساد رها شده در میدان نبرد یکی از علل رشد و گسترش این نوع از حشرات و میکروب ها بودند. اسهال خونی یکی از بیماری های شایع بود. در سپتامبر ۱۹۱۵، ۷۸ درصد نیروهای آنزاک در بیمارستان ثابت استرالیا واقع در خلیج آنزاک به دلیل همین بیماری مداوا شدند.

◀ کمک آلمان ها

متفقین انتظار وجود استحکامات دفاعی سبکی را در شبه جزیره گالیپولی داشتند اما ترک ها با کمک آلمان ها، به حفر سنگر، نصب سیم خاردار و ایجاد خط آتش توپخانه ای پرقدرت، دست زده و کلا موانع دفاعی مستحکمی برپا کرده بودند. همچنین آلمان ها، ترک‌ها را به تپانچه‌ها و تفنگ‌های مدرن و مسلسل مجهز ساخته بودند.





کمبود نارنجک ◄

جنگ در گالیپولی اغلب در فواصل بسیار نزدیک و به صورت تن به تن انجام می‌شد. نارنجک های دستی در نابودی مواضع دشمن در چنین حالتی بسیار مؤثر بود. در مواقعی که سربازان با کاهش مهمات روبرو می شدند با استفاده از قوطی‌های خالی کنسرو نارنجک می‌ساختند.



◄ کمال آتاتورک

مصطفی کمال آتاتورک متولد سال ۱۸۸۱ با عضویت در ارتش عثمانی و جنگ در لیبی در سال ۱۹۱۱ و علیه بلغارها در سال های ۱۳-۱۹۱۲، به شهرت رسید. در گالیپولی، کمال آتاتورک فرماندهی نیروهای عثمانی را برعهده داشت و در تقویت مواضع دفاعی ترکیه عثمانی و پیروزی ترک ها نقش شایانی ایفا کرد. سپس وی با رهبری خود لشگر نوزدهم را در بالای ارتفاعات خلیج آنزاک مستقر نمود و جلوی نفوذ متفقین به داخل شبه جزیره را سد کرد. پس از جنگ، کمال رهبری ترکیه را برای جلوگیری از تجزیه و فروپاشی به عهده گرفت. در سال ۱۹۲۳، وی به ریاست جمهوری ترکیه رسید و تا زمان مرگش در ۱۹۳۸ در این سمت باقی بود. بعدا نام آتاتورک (پدر ترکیه) به وی داده شد. وی بنیان گذار و مروج قوانین لاییک در ترکیه محسوب می شود.



یادبودهاید پارک، سیدنی استرالیا

یادبود آنزاک ◄

در دوران جنگ نیروهای استرالیایی و زلاندنویی نسبت به جمعیت کم کشورشان متحمل تلفات سنگینی شدند. استرالیا ۶۰۰۰۰ نفر از نیروهای خود را از دست داد در حالی که جمعیت این کشور از ۵ میلیون نفر کمتر بود. زلاندنوییها ۱۷۰۰۰ از جمعیت ۱ میلیونی خود را از دست دادند. از این تعداد ۱۱۱۰۰ تن در گالیپولی کشته شدند. امروزه، در استرالیا و زلاندنو، روز آنزاک که ۲۵ آوریل است، هر ساله به یاد قربانیان جنگ مراسمی برگزار می‌شود.



◀ خلیج آنزاک

در ۲۵ آوریل، افراد ارتش استرالیا و زلاندنو که به آنزاک معروف بودند در ساحل غربی شبه جزیره گالیپولی پیاده شدند. زمین ناهموار و صعب العبور بود و بنابراین تمامی امیدها برای تسخیر سریع این شبه جزیره به باد رفت. ساحل بسیار باریک و شیب دار بود و تپه‌های ماسه‌ای امکان هیچ گونه پوشش دفاعی را به سربازان نمی داد. آن ها زیر آتش مداوم ترک هایی که به خوبی لشگریان خود را پنهان ساخته بودند قرار داشتند. اکنون این ساحل به خلیج آنزاک معروف است؛ این نام به عنوان یادبود بر این منطقه نهاده شده است.



مدال افتخار ◀

مدال ترکی «هلال» در ۱ مارس ۱۹۱۵ برای تجلیل از دلاوری های سربازان عثمانی و آلمانی که در گالیپولی جنگیده بودند ساخته شد. برای نشان دادن تفاوت این مدال با مدال های کشورهای دیگراز نام خدا و هلال ماه در آن استفاده شده بود.

▼ تخلیه زمستانی

در ۷ دسامبر ۱۹۱۵ متفقین تصمیم به عقب نشینی از گالیپولی گرفتند. سیلی از کشتی‌ها تخلیه نیروها و تجهیزات را آغاز کردند. بر خلاف هیاهو و جنجال‌های ماه های قبلی، عقب نشینی با استفاده از تاریکی شب، بی‌سر و صدا و بدون مجروح شدن حتی یک نفر انجام شد. نیروهای انگلیسی و آنزاک در شب ۱۸ و ۱۹ دسامبر از خلیج آنزاک و سوولا عقب نشینی کردند، باقیمانده نیروهای انگلیسی در کیپ هلس در ۸ و۹ ژانویه ۱۹۱۶ از منطقه خارج شدند.



سربازان انگلیسی با کمک قایق از خلیج سوولا در ۹ دسامبر ۱۹۱۵ تخلیه شدند.

نبرد وردون

در ۲۱ فوریه ۱۹۱۶، آلمان حمله‌ای عظیم علیه شهر پر استحکامات فرانسه، یعنی؛ وردون را آغاز کرد. وردون نزدیک مرز آلمان قرار داشت و دسترسی به شرق فرانسه را امکان پذیر می‌نمود. پس از ۸ ساعت بمباران عظیم توپخانه، پیاده نظام آلمان پیشروی را آغاز کرد. فرانسوی ها غافلگیر شدند و کنترل برخی از استحکامات اصلی خود را از دست دادند، ولی در طول تابستان مقاومت فرانسوی ها قوی تر شد. در ماه دسامبر، آلمان ها به عقب رانده شده و تقریبا به جای اول خود بازگشتند. تلفات هر دو کشور سنگین بود. بیش از ۴۰۰۰۰۰ فرانسوی و ۳۳۶۸۳۱ آلمانی کشته و زخمی شدند. بعدا ژنرال آلمانی، فالکن‌هاین مدعی شد که قصد داشت تا آنجایی که می تواند در فرانسه خونریزی به راه بیاندازد. ولی او موفق نشد. در آن سال تلفات آلمان ها در این نبرد و جنگ سومه به ۷۷۴۱۵۳ نفر رسید.



◄ ژنرال پتن

ژنرال هنری فیلیپ پتن، فرماندهی نیروهای فرانسوی را در ۲۵ فوریه، در وردون بر عهده داشت. محل استقرار او قلعه دوآمونت بود. او دفاع مؤثری از شهر به عمل آورد و به سربازان خود اطمینان داد که ارتش از تجهیزات کامل برخوردار بوده و توانایی مقابله با ارتش آلمان را دارد و در این کار نیز موفق شد. او فریاد می‌زد: «Ils ne passeriont pas!» (آن‌ها از مرز عبور نخواهند کرد!) و روحیه فرانسوی‌ها را بالا می‌برد. او را از آن پس «نجات‌بخش وردون» می‌نامیدند



خرابه های شعله ور ◄

در ۲۵ فوریه، شهر باستانی وردون تخلیه شد. ساختمان های بسیاری مورد اصابت گلوله‌های توپ قرار گرفت و در اثر آتشی که مدت ها زبانه می‌کشید، ویران شد. آتش نشان ها هر چه در توان داشتند برای کنترل شعله‌ها انجام دادند، ولی بسیاری از ساختمان ها چارچوب های چوبین داشتند و به راحتی در آتش سوختند.



◀ لاپوآ

اصطلاح عامیانه فرانسوی‌ها برای سربازان پیاده نظام، کلمه لاپوآ به معنی «ریشو» بود. لاپوآها اولین هدف آلمان‌ها در جبهه بودند، گل و لای، سرما و باد و باران را تحمل می‌کردند و از جراحت‌های عمیق ناشی از انفجار و گازهای سمی رنج می‌بردند.

چشم انداز ویرانه شهر وردون، ۱۹۱۶

▲ قلعه دوآمونت

سه رشته استحکامات برای حفاظت از شهر وردون ساخته شده بود. قلعه دوآمونت، در بخش خارجی این استحکامات قوی‌ترین آن‌ها بود. در ساخت این قلعه از فولاد و سیمان استفاده شده بود و دور تا دور آن خاکریز، و سیم خاردار وجود داشت. اما گرچه خود قلعه مستحکم بود، تنها ۵۶ نیروی ذخیره از آن دفاع می‌کردند. قلعه در ۲۵ فوریه به دست آلمان‌ها افتاد.



نبرد تن به تن ▲

جنگ در وردون شدت گرفته و خشونت آمیز شده بود. زیرا هر دو طرف مکرر دست به حمله و ضد حمله زده و برای فتح استحکامات و نواحی استراتژیک در پیرامون شهر تلاش می کردند. سربازان هنگام حمله، آماج آتش مسلسل‌های دشمن از پس خاکریزها قرار می‌گرفتند. زمین‌های میدان نبرد چنان بی‌حفاظ بود که جمع آوری مردگان و مجروحین ناممکن بود و اجساد به حال خود رها می‌شدند تا در معرض هوا بپوسند. برای دفاع از پادگان ها و استحکامات نظامی، تونل‌های زیر زمینی کنده بودند و بخشی از نبرد در همین تونل‌ها و بصورت تن به تن جریان داشت. فیلم‌های تأثر انگیز بسیاری درباره این جنگ ساخته شده و این عکس نمونه‌ای از صحنه‌های این گونه فیلم‌ها است.



مدال لژیون دونور ◄

به پاس رنج‌های مردم وردون، رییس جمهور فرانسه، ریمون پوآنکاره، نشان لژیون دونور را به مردم این شهر داد. مدال افتخار معمولا به مردان، زنان و نظامیان و غیرنظامیان به پاس دلاوری آن ها اعطا می‌شود.

«چه حمام خونی، چه تصویرهای رعب آوری، چه قتل عامی. واقعا نمی توانم کلماتی برای بیان احساساتم بیابم. جهنم هم نمی تواند تا این اندازه رعب انگیز باشد.»

آلبرت ژوبر، سرباز فرانسوی، ۱۹۱۶



دهکده‌های اطراف ▲

دهکده اورنس یکی از چندین دهکده فرانسوی بود که در دوره پیشروی آلمان به سوی وردون، مورد حمله قرار گرفت و تسخیر شد. تخریب چنان عظیم بود که این دهکده مانند هشت دهکده دیگر پس از جنگ قابل بازسازی نبود، اما روی نقشه به عنوان یادبود نام آن ذکر شد.



◄ جهنمی از گل و لای

حومه شهر وردون پوشیده از جنگل و تپه و پر از جویبارهایی بود که به سوی رودخانه مونز روان بودند. باران سنگین و بمباران مداوم توپخانه‌ها این چشم انداز را تبدیل به لجنزاری متعفن کرد که در آن اجساد مردگان داخل جعبه مهمات به شکل نصفه نیمه دفن شده و سربازان ناچار بودند در یک قدمی جنازه دوستان خود غذا بخورند و بخوابند. این عکس «دره تنگ مردگان» را نشان می‌دهد.

حمله شیمیایی

در بعدازظهر ۲۲ آوریل ۱۹۱۵، نیروهای فرانسوی- الجزایری، نزدیک شهر یپرس بلژیک متوجه ابر سبز و زردی شدند که از جبهه آلمان به سوی آن ها در حال حرکت بود. این ابر در واقع گاز کلر بود. این نخستین بار بود که در جنگ جهانی استفاده مؤثر از گاز سمی به عمل می‌آمد. با رسیدن این گاز به خطوط متفقین بسیاری از سربازان دچار خفگی شدند. آن ها هیچ گونه دفاعی در برابر این حمله نداشتند. در طی سه سال بعد، هر دو طرف به کرات از گازهای شیمیایی استفاده کردند. آلمان ها حدود ۶۸۰۰۰ تُن و انگلیس و فرانسه نیز ۵۱۰۰۰ تن از این گازها استفاده کردند. اولین حملات شیمیایی با ایجاد ابرهای گازی که از کپسول های ویژه پخش می شد، صورت گرفت. گاز را از درون کپسول ها آزاد کرده و باد آن را به سوی دشمن می برد، ولی اگر باد تغییر جهت می‌داد گاز به سوی جبهه خودی برمی گشت و مسأله می‌آفرید. بنابراین گلوله‌های گازی که قابل هدف گیری به سوی دشمن بودند و تاثیر بیشتری داشتند ساخته شد. در مجموع ۱۲۰۰۰۰۰ سرباز از هر دو طرف این گازها را استنشاق کردند و ۹۱۱۹۸ تن از آن ها به طرز فجیعی جان سپردند.



زیر حمله ▲

اولین اثرات گاز روی چشم‌ها و چهره احساس می‌شد، ولی در عرض چند دقیقه گاز وارد گلو می‌شد. سربازان در حالی که گاز اطراف آن ها را آلوده کرده بود شروع به سرفه کرده و دچار خفگی می‌شدند. اثرات بلند مدت آن به نوع گاز بستگی داشت، برخی از سربازان بلافاصله جان می‌سپردند، برخی دیگر برای تمام عمر نابینا می‌شدند یا از ضایعات شدید پوستی رنج می‌بردند و بعضی دیگر دچار مرگ تدریجی می‌شدند. زیرا ریه‌های آنان تخریب و مملو از مایعات می گردید. تنها دفاع، استفاده از عینک مخصوص و ماسک اکسیژن بود. سرگرد تریسی اورت در ۱۹۱۸ از این سربازان امریکایی عکسبرداری کرده است. وضعیت آن ها، اثرات مرگبار نداشتن ماسک ضد گاز را نشان می‌دهد. این عکس هنگام آموزش نیروهای جدید مورد استفاده قرار می گرفت.

هشدارهای اولیه

اولین ماسک های ضد گاز همچون این ماسک های آموزشی که در یک آموزشگاه انگلیسی استفاده می‌شد، ناقص و گاه ناموثر بود. ماسک های دو چشمی، فقط از چشم ها محافظت می‌کرد، ولی دهان بندها لایه ای از فلانل یا دیگر مواد جذب کننده داشتند که روی دهان بسته می‌شدند و ورود مواد شیمیایی به دهان را کم اثر می کردند.



دو چشمی ضد گاز انگلیسی



ماسک ضد گاز از پارچه مشکی



ماسک ضد گاز از فلانل



فیلتر شیمیایی برای خنثی سازی گاز

لوله هوا





سوت هشدار حمله شیمیایی



کلاهخود انگلیسی هایپو

همه در یکی

در میانه‌های جنگ، هر دو طرف به ماسک های کاملامحافظت کننده مجهز شدند که از ماسک روی چهره، دو چشمی و فیلتر تصفیه هوا بهره می‌برد. این ماسک ها از چشم، بینی و گلو در برابر اثرات مرگبار گاز محافظت می کردند.



گاز خردل



دیفوسژن



دیفوسژن و گاز عطسه آور



فوسژن و دیفوسژن



اشک آور

▲ گلوله‌های گازی

گلوله‌های گازی حاوی گاز مایع بودند که بعد از انفجار محفظه و پخش در هوا بصورت بخار در می‌آمدند. گازها جراحت های گوناگونی به وجود می‌آوردند. گازهایی مثل کلر، دیفوسژن و فوسژن باعث دشواری های تنفسی می‌شدند. ولی بنزیل بروماید گازی اشک آور بود. دیکلراتیل سولفاید باعث سوختگی و تاول زدن پوست شده و کوری موقت ایجاد می‌کرد و اگر استنشاق می‌شد موجب خونریزی در ریه‌ها و سرانجام مرگ در اثر ذات الریه می‌گردید.

دستکش چروک خورده در اثر گاز



دستکش معمولی

◀ دستکش

وقتی یک دستکش در معرض گاز شیمیایی قرار می‌گرفت به اندازه تصویر دستکش سمت راست چروکیده می‌شد. این همان اثری بود که گاز روی شش‌های سربازان باقی می‌گذاشت.

ماسک ضد گاز آلمانی

چشم‌های بدون محافظ

ماسک برزنتی برای اسب

◀ راحتی حیوانات

هر موجود زنده‌ای در مقابل گاز آسیب پذیر بود و هزاران اسبی که هر دو طرف برای حمل و نقل سربازان، تجهیزات و آذوقه مورد استفاده قرار می‌گرفتند از این قاعده مستثنی نبودند. در این جا سوار آلمانی و اسبش هر دو ماسک ضد گاز بر صورت زده اند، البته چشمان اسب فاقد محافظ است و آسیب پذیر باقی می‌ماند.

گاز گرفتگی ▼

ترس شدید از کور شدن در اثر گاز گرفتگی در این نقاشی از صحنه‌ای واقعی، اثر هنرمند امریکایی جان سینگر سارجنت، دیده می‌شود. سربازان نابینا شده با کمک همقطاران بینای خود به آرامی به سوی مقر پانسمان نزدیک ارس، شمال فرانسه، اوت ۱۹۱۸، حرکت می‌کنند.



جبهه شرق

امروزه، مردم اروپا وقتی به جنگ جهانی اول می‌اندیشند، خیال می کنند جنگ فقط در سنگرهای جبهه غرب جریان داشته است، اما در سوی دیگر اروپا، جنگی بسیار متفاوت بین روسیه از یک سو و آلمان و اتریش- مجارستان از سوی دیگر درجریان بود. این جنگ به شدت پرتحرک بود، ارتش‌های بزرگ هر دو طرف صدها مایل دست به پیشروی یا عقب نشینی می‌زدند. رهبری هر دو ارتش روسیه و اتریش- مجارستان ضعیف و تجهیزات آن ها بسیار نامناسب بود و هر دو متحمل صدمات جدی گردیدند. فقط در سال ۱۹۱۵، روس ها دو میلیون سرباز از دست دادند که یک میلیون آن ها اسیر شده بودند. ارتش آلمان به رهبری ژنرال هیدنبورگ، کارآمدتر بود. در پایان سال ۱۹۱۶، به رغم برخی موفقیت‌های روس‌ها، آلمان توانست کنترل کامل جبهه شرق را به دست بگیرد. روس ها به شدت روحیه خود را از دست دادند و همین مسأله تا حدی به وقوع انقلاب کمونیستی روسیه در سال ۱۹۱۷ کمک کرد.



◄ تاننبرگ، ۱۹۱۴

در اوت ۱۹۱۴، ارتش‌های یکم و دوم روسیه به پروس شرقی، یعنی؛ آلمان تجاوز کردند. روس‌ها پیام حمله به آلمان را با رمز به ارتش خود صادر نکردند، بنابراین آلمان ها قبلا پی به تصمیم آن ها برده بودند. ارتش دوم در تاننبرگ به محاصره آلمان ها درآمد و خیلی زود در ۳۱ اوت با کشته شدن ۱۵۰،۰۰۰ سرباز و انهدام کل توپخانه مجبور به تسلیم شد.

دریاچه‌های ماسوری ◄



در سپتامبر ۱۹۱۴، ارتش یکم روسیه در کنار دریاچه ماسوری در پروس شرقی قرار داشت. احتمال محاصره آن ها توسط آلمان ها خطرناک و تلفات زیادی به همراه داشت. بنابراین، یک ماه پیش از آن ارتش دوم روسیه در تاننبرگ مستقر شده بود. نیروهای آلمانی که سنگرهای زیادی حفر کرده و استحکامات دیگر برپا ساخته بودند در مقابل حمله روس ها اقدام به پاتک نمودند. بنابراین روس‌ها بلافاصله با برجا گذاشتن بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر تلفات ناگزیر به عقب نشینی گردیدند. در پایان ماه سپتامبر، تهدید روس ها بر علیه آلمان برطرف شده بود.



موفقیت اولیه

در طول سال ۱۹۱۴، ارتش روسیه موفق شد استان شرقی کشور اتریش- مجارستان، به نام گالیشیا را اشغال کند. اما در سال ۱۹۱۵ نیروهای کمکی آلمان روس‌ها را به داخل کشور خودشان پس راندند.



ایسونزو

رودخانه ایسونزو مرز طبیعی بین کوه‌های اتریش- مجارستان و دشت‌های شمال ایتالیا محسوب می‌شد. بین ژوئن سال ۱۹۱۵ و اوت ۱۹۱۷، دو طرف ۱۱ بار در طول این رودخانه با یکدیگر وارد نبردهایی نافرجام شدند تا آن که اتریشی‌ها با کمک آلمان در دسامبر ۱۹۱۷ به پیروزی قاطعی در منطقه کاپورتو دست یافتند.

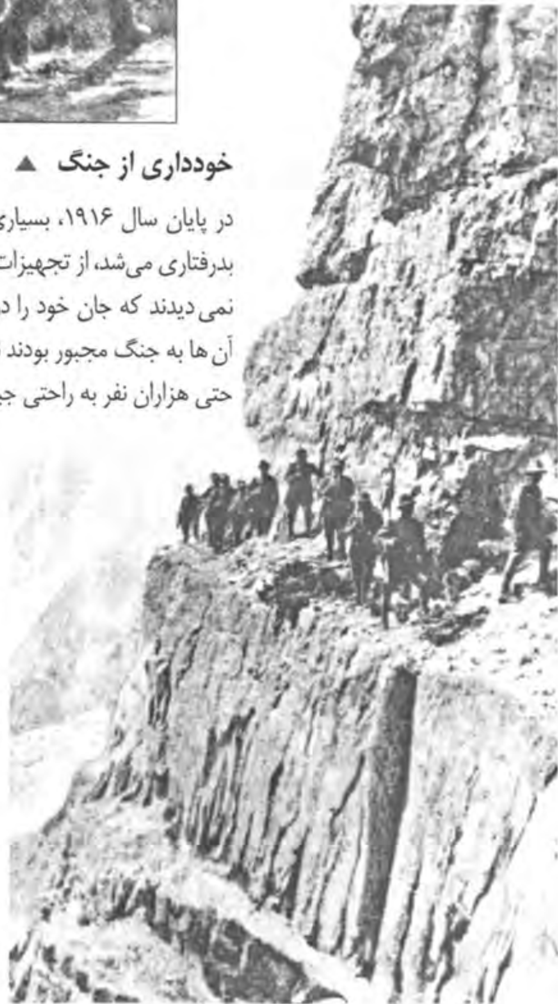
جبهه ایتالیا

در سوم ماه مه ۱۹۱۵، ایتالیا به جبهه جنگ متحدین پیوست و آماده حمله به همسایه دشمن خود، اتریش- مجارستان، گردید. جنگ در دو جبهه، شمال و شرق روی داد. ایتالیا برای تسخیر منطقه ایتالیایی زبان اتریش- مجارستان در شمال و در طول رودخانه ایسونزو در شرق پیکار می‌کرد. ارتش ایتالیا از آمادگی برخوردار نبود و تجهیزات مناسب برای جنگ در اختیار نداشت، بنابراین قادر به درهم شکستن مواضع دفاعی اتریشی ها نشد تا آن که در نبرد ویتوریو- ونتو (اکتبر ۱۹۱۸) به موفقیت نهایی رسید.



خودداری از جنگ ▲

در پایان سال ۱۹۱۶، بسیاری از سربازان روسیه از جنگیدن خودداری می‌کردند، زیرا با آن‌ها بدرفتاری می‌شد، از تجهیزات کافی، رهبری خوب و آذوقه مناسب برخوردار نبودند و چندان دلیلی نمی‌دیدند که جان خود را در جنگی فنا کنند که عقیده‌ای بدان نداشتند. افسران برای واداشتن آن ها به جنگ مجبور بودند نیروهای خود را تهدید کنند، بنابراین نافرمانی در ارتش فراگیر شد و حتی هزاران نفر به راحتی جبهه را رها کرده به خانه برگشتند.



◀ آلپ نوردان ایتالیایی

حدود ۳۲ کیلومتر از ۶۴۰ کیلومتر جبهه ایتالیا با اتریش- مجارستان در کوه‌های آلپ ایتالیا واقع بود. هر دو طرف، از کوه‌نوردان کارآزموده‌ای برای جنگ در کوهستان استفاده کردند. هر قله‌ای یک پست دیده بانی بالقوه یا محلی برای استقرار تسلیحات به شمار می‌رفت.

جنگ در صحرا

جنگ جهانی اول فقط به اروپا محدود نمی‌شد. نیروهای فرانسوی، انگلیسی و آفریقای جنوبی به مستعمرات آلمان در آفریقا یورش بردند. در همین زمان مستعمرات آلمان در چین و اقیانوس آرام نیز مورد حمله نیروهای ژاپنی، انگلیسی و استرالیایی قرار گرفت. یکی دیگر از نبردهای عظیم در خاورمیانه روی داد و امپراطوری عثمانی توانست کنترل منطقه بین‌النهرین، [عراق امروزی]، فلسطین، سوریه و عربستان را در اختیار گیرد. نیروهای انگلیسی و هندی در سال ۱۹۱۴ به بین النهرین یورش بردند و سرانجام در سال ۱۹۱۷ بغداد را فتح نمودند. انگلیسی‌ها برای غلبه بر ترک‌ها، ایران را به اشغال درآوردند. آن ها آذوقه و مایحتاج اولیه مردم ایران را برای نیروهای خود به یغما بردند، بنابراین مایحتاج اولیه و به ویژه مواد غذایی در ایران کمیاب شد و همین مسأله موجب بروز قحطی عظیمی در این کشور گردید. این قحطی در مناطق مرکزی و جنوبی ایران بیشتر محسوس بود و باعث مرگ هزاران ایرانی شد. در عین حال ارتش بزرگ انگلیس تحت فرماندهی ژنرال آلنبی، فلسطین را به اشغال درآورد و در هفته‌های واپسین جنگ، کنترل دمشق، پایتخت سوریه، به دست انگلیسی‌ها افتاد. در عربستان، سربازان عرب بدوی تحت هدایت تی. یی. لورنس، انقلابی را علیه فرمانروایان ترک خود به راه انداخته وارد نبرد چریکی برای استقلال کشور عربستان شدند.



محافظ پشت

ارتش بریتانیا نگران گرمازدگی سربازان خود به هنگام جنگ در صحرا بود. بنابراین آن ها برای محافظت از پشت سربازان در مقابل آفتاب، حفاظهایی تهیه کردند. وزن زیاد و دشواری پوشیدن این حفاظ‌ها باعث شد نتوانند چندان کمکی به خنک کردن بدن سربازان بکنند.



تپانچه چقماقی عرب



تفنگ لورنس

حروف نخست نام لورنس

سفر بازگشت

تفنگ سرباز انگلیسی، تی. یی. لورنس، یکی از چندین تفنگ انگلیسی بود که ترک ها در سال ۱۹۱۵ در گالیپولی به غنیمت گرفتند. بعدها، انور پاشا، وزیر جنگ ترکیه، آن را به رهبر عرب، امیر فیصل داد که او نیز به نوبه خود آن را در دسامبر ۱۹۱۶ به لورنس بازگرداند.



جنگ در فلسطین

در اوایل ۱۹۱۷، انگلستان جبهه جدیدی علیه امپراطوری عثمانی گشود. نیروهای انگلیسی به فلسطین تجاوز کردند و بعد از چند شکست سرانجام ژنرال آلنبی (تصویر مرد اسب سوار) در ۱۱ دسامبر ۱۹۱۷ بیت المقدس را تسخیرکرده و وارد این شهر گردید. بعد از یک توقف، دوباره در پاییز ۱۹۱۸ جنگ از سر گرفته شد. نیروهای انگلیسی به شمال و به سوی دمشق پیش رفتند، و ارتش متشکل از اعراب تحت سلطه انگلستان، تحت فرماندهی لورنس انگلیسی حمله به ترک ها را در صحرا ادامه داد و هر دو ارتش از شمال و جنوب در ۱ اکتبر ۱۹۱۸ وارد دمشق شدند. در عرض یک ماه، ترکیه عثمانی وادار به تسلیم شد. بعد از پایان جنگ که مصادف با آخرین روزهای حکومت امپراطوری عثمانی بود، این دولت مجبور شد بنا به حکم جامعه ملل، اداره سرزمین فلسطین را به دولت انگلستان واگذار کند. انگلستان در آنجا حکومت نظامی اعلام کرده و تا سال ۱۹۴۷ که رژیم اشغال گر صهیونیستی بوجود آمد، حکومت نظامی در آن جا برقرار بود.



لورنس عربستان

سرباز انگلیسی تی. یی. لورنس چهره مرموز و تقریبا افسانه‌ای بود که به لورنس عربستان معروف شد. لورنس اولین بار در سال ۱۹۰۹ از خاورمیانه دیدار کرد و زبان عربی آموخت. در سال ۱۹۱۴ در قاهره مصر به عنوان افسر اطلاعاتی ارتش مشغول به کار شد. سپس به سمت افسر رابط با امیر فیصل، رهبر قبایل عرب، گماشته شد تا علیه حکومت ترک ها شورش به راه اندازد. لورنس نیروی چریکی کارآمدی از اعراب تشکیل داد که به منفجر کردن خطوط راه آهن و حمله به پادگان های ترکیه اقدام کرده و بارها ارتش این امپراطوری را زمین گیر نمودند.

کفش‌های مخصوص ماسه ◄


تور نواری

راه رفتن با چکمه‌های معمولی نظامی روی ماسه‌های نرم و روان بسیار خسته کننده بود. انگلیسی‌ها این تورهای سیمی را به دور چکمه‌های خود می‌بستند. این تورها وزن سرباز را روی سطح شن و ماسه تقسیم می‌کردند و بنابراین از فرو رفتن او در شن جلوگیری می‌نمودند.


مگس کش ساخته شده از چرم متخلخل و نرم

بند سیمی

▲ مگس کش

ارتش انگلیس به پرسنل خود اطمینان داده بود هر گونه امکانات برای جنگ در صحراها از جمله مگس کش را در اختیار آن ها می‌گذارد.

▼ راهپیمایی به سوی بغداد

منطقه بین النهرین تحت سلطه ترکیه بود و منطقه‌ای ثروتمند و نفت خیر محسوب می‌شد که انگلستان برای تأمین سوخت ناوگان خود بدان نیاز داشت. در نوامبر ۱۹۱۴، انگلستان برای محافظت از منافع نفتی خود در بصره و جنوب ایران نیروهایی به این منطقه اعزام کرد. ژنرال تاونشند فرمانده این نیروها بعدا تصمیم گرفت به سوی رودخانه دجله در حوالی بغداد پیشروی کند، اما این سربازان از آمادگی کافی برای انجام نبردی طولانی برخوردار نبودند و در آوریل ۱۹۱۶ پادگان آن ها در کوت الاماره به نیروهای ترکیه تسلیم شد، تصویر زیر عبور نیروها از پلی تدارکاتی در بغداد را نشان می‌دهد. سرانجام انگلیس در مارس ۱۹۱۷ بغداد را اشغال کرد.

اعلامیه المانی که از سقوط شهر کوت تجلیل می‌کند





جاسوسی

هر دو طرف گمان می‌بردند طرف دیگر از صدها جاسوس برای گزارش اهداف و قابلیت‌های دشمن استفاده می کند. اما در واقع، بیشتر کارهای تجسسی نه به شکل جاسوسی در خاک دشمن، بلکه به صورت شنود یا رمزگشایی پیام‌های دشمن انجام می‌گرفت. رمز گشایی یا رمز نگاری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود، زیرا هر دو طرف با کمک رادیو و تلگراف به فرستادن یا دریافت پیام اقدام می کردند. رمزنگاران از کدهای بسیار پیچیده‌ای استفاده می‌کردند تا اطمینان یابند پیام‌ها بدون خطر مخابره می‌شود و در عین حال از مهارت خود برای دستبرد زدن و کشف پیغام‌های رمزی دشمن نیز بهره می‌گرفتند. چنین مهارت هایی بود که سرویس اطلاعاتی انگلیسی‌ها را توانا ساخت تا تلگرام زیمرمن از برلین به واشنگتن را در ژانویه ۱۹۱۷ رمز گشایی کنند و پای امریکا را در آوریل همان سال به جنگ جهانی اول بکشانند.



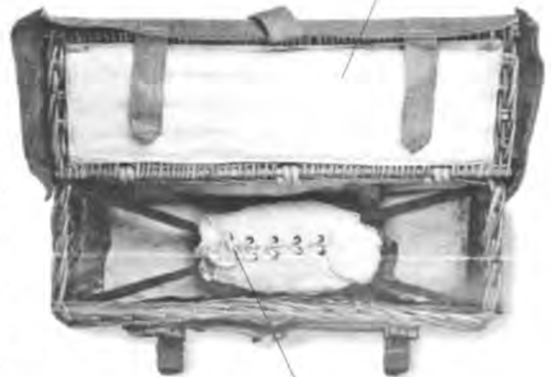
◄ ادیت کاول

ادیت کاول در انگلستان زاده شد و در بلژیک در اوایل دهه ۱۸۹۰ پیش از آموزش پرستاری در انگلستان، فرماندار بود. در سال ۱۹۰۷ وی برای راه اندازی مدرسه پرستاری در بروکسل به بلژیک بازگشت. هنگام اشغال شهر توسط آلمان ها در اوت ۱۹۱۴ وی تصمیم گرفت در کنار بیش از ۲۰۰ سربازی باقی بماند که در پشت خطوط دشمن جا مانده بودند. آلمان ها وی را دستگیر کرده وی به جرم هدایت سربازان انگلیسی علیه آلمان محاکمه نمودند. او گناهکار معرفی شد و در اکتبر ۱۹۱۵ در برابر جوخه آتش اعدام گردید. کاول جاسوس نبود ولی اعدام او سلاح قدرتمندی به نفع متفقین (انگلیس، فرانسه، روسیه و ایتالیا) شد تا بر علیه آلمانی ها و متحدانشان تبلیغات کنند.



کبوتر نامه بر ▲

طی دوران جنگ از ۵۰۰۰۰۰ کبوتر برای انتقال پیام‌ها از عوامل اطلاعاتی به سوی پایگاه‌های داخل کشور استفاده گردید. این کبوترها با کمک چتر در نواحی اشغال شده به نیروهای خودی تحویل داده می‌شدند. جاسوسان کبوترها را جمع آوری می‌کردند و تا زمانی که اطلاعاتی برای ارسال به مقامات مسئول در میهن خود به دست می‌آوردند، به مراقبت از آن‌ها می‌پرداختند. هنگام رها سازی،کبوتر به سوی آشیانه خود در کشور پرواز می‌کرد در حالی که پیام‌ها در درون محفظه‌ای به پای او متصل شده بود.



◀ حفاظت از کبوتر

کبوترها برای حمل پیام از سوی ماموران مخفی که پشت خطوط دشمن فعالیت می کردند، استفاده می شدند. کبوترها در سبد قرار داده شده سپس توسط چتر به مناطق از قبل تعیین شده فروافکنده می شدند. ماموران پیام های رمزی را به پای کبوتران می بستند و سپس آن ها را آزاد می کردند. این پرنده ها به عقب، یعنی به سوی ستاد فرماندهی پرواز می کردند. در آنجا افسران پیام ها را خوانده و از موقعیت دشمن آگاه می شدند.

پیام دکمه‌ای

پیام‌های رمزی گاه پشت کوچکترین قسمت لباس که کمتر جلب توجه می‌کند، نوشته می‌شدند. در دوران جنگ، بعضی از پیام‌ها پشت دکمه نوشته شده و سپس به کت و یا ژاکت دوخته می‌شدند.



جلوی دکمه

پیام رمزی پشت یک دکمه



جوهر نامریی و اسفنج ساخت آلمان



بطری جوهر نامریی

جوهر سری

جوهر نامریی برای دیده نشدن پیغام‌ها در روی کاغذ استفاده می‌شد. بعدا با استفاده از یک ماده شیمیایی دیگر، کلمات آشکار و خواندن پیغام امکان پذیر می‌شد.



عدسی‌های دوربین

دریوش عدسی‌ها

فنر آزاد کننده

دوربین جیبی

دوربین‌های کوچک در جیب مخفی می‌شد یا به شکل ساعت جیبی طراحی می‌شد تا برای گرفتن عکس‌های پنهانی مورد استفاده قرار گیرد. این دوربین جاسوسی آلمانی در آفریقای شرقی، مستعمره آلمان که امروزه تانزانیا نامیده می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گرفت.



نقشه حلقه شده فرانسه

وزنه سرب برای رساندن وزن قوطی به وزن عادی



قطب نما

کمک به فرار

این قوطی کنسرو که ظاهراً حاوی غذای زبان گاو است برای یک سرهنگ انگلیسی به نام جک شاو که در اردوگاه آلمان‌ها به نام هلمز میندن در سال ۱۹۱۸ زندانی بود، فرستاده شد، اما محتوی اصلی آن یک نقشه، انبردست و قطب نما برای کمک به برنامه فرار او از اردوگاه بود.



پیام های مینیاتوری ▲

کبوترها نمی توانستند وزن خیلی زیادی را تحمل کنند، بنابراین پیغام‌ها باید روی قطعات کوچک کاغذ نوشته می‌شد. این پیغام به آلمانی روی فرم مخصوصی که برای کبوتر نامه بر درست شده بود نوشته شده و توسط ارتش آلمان مورد استفاده قرار می‌گرفت. از پیغام‌های طولانی با دوربین ویژه روی فیلم عکسبرداری می‌شد و اندازه آن ها به اندازه میکرو فیلم کوچک می‌گردید. این فیلم‌ها ۳۰۰ بار کوچک تر از اندازه اصلی پیغام بودند.

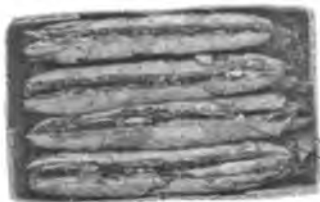


◄ خواندن پیام‌های دشمن

افسران اطلاعاتی ارتش مانند این سرباز انگلیسی، نقش حیاتی در بررسی و فهم اسناد به دست آمده از دشمن داشتند. خواندن طاقت فرسای هر قطعه از اطلاعات باعث می‌شد سرویس‌های اطلاعاتی بتوانند تصویر نسبتا معقولی از میزان آمادگی دشمن برای حمله داشته باشند. همچنین آن ها می‌توانستند وضعیت روحیه دشمن را ارزیابی و آن اطلاعات را به فرماندهان بالای ارتش ارسال کنند.



پیغام‌های مخفی همه جاسوسان ناشناخته باقی نمی‌ماندند. دو جاسوس که برای جاسوسی به نفع آلمان از هلند به پورتزماوث انگلستان اعزام شده بودند، تظاهر می‌کردند وارد کننده سیگار هستند. آن ها از اوراق سفارش خود برای واردات سیگار هلند به عنوان رمز شناسایی کشتی‌هایی استفاده می‌کردند که در بندر پورتزماوث مشاهده کرده بودند. این دو دستگیر و در ۱۹۱۵ اعدام شدند.





ورقه سیگارها در جستجو برای پیام‌های مخفی باز شده است.

پیکار تانک‌ها

تانک های اختراع شده در انگلیس، نوآوری مکانیکی بزرگی در جنگ به شمار می‌رفتند. تانک های انگلیسی اولین بار در سال ۱۹۱۶ در صحنه جنگ دیده شدند، اما تانک های اولیه خیلی کارآمد نبودند. تنها در نوامبر ۱۹۱۷ و در جریان نبرد کامبرای بود که قدرت نهفته آن ها کشف گردید. در کامبرای، استحکامات آلمان ها قوی و استوار بود و بمباران توپخانه زمین را آنچنان نابود کرده بود که پیاده نظام به راحتی نمی توانست از میدان نبرد عبور کند. اما ناوگانی از تانک ها، سیم‌های خاردار را از جا کندند، از سنگرهای دشمن عبور کردند و همچون سپری برای پیاده نظام در حال پیشروی عمل نمودند. بعد ها نیز تانک ها نقش مهمی در پیشرفت های متفقین در طول سال ۱۹۱۸ بازی کردند.



تانک سنگین انگلیسی شماره یک ▲

نخستین تانک جنگی، تانک شماره یک انگلیسی بود. ۴۹ عدد از این تانک ها در ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۶ آماده جنگ در نبرد سومه بودند، ولی تنها ۱۸ تانک آن قدر قابل اعتماد بودند که بتوان در این نبرد از آن ها استفاده کرد.



گذر کردن از سنگرها ◄

تانک می‌توانست به راحتی از یک سنگر باریک عبور کند، ولی در سنگرهای پهن به راحتی واژگون می‌شد. برای حل این مسأله، انگلیسی‌ها تانک های خود را به چارچوب های فلزی دایره‌ای شکل مجهز ساختند که روی سنگر قرار می گرفت و یک پل به وجود می‌آورد. در این تصویر، گروهی از تانک های شماره ۵ دیده می‌شوند که در حال عبور از سنگرهای آلمانی برای حمله به نیروهای آن کشور در پاییز ۱۹۱۸ هستند.



محافظت و سلامت ◄

کلاهخودها و محافظهای صورت چرمی و دهان بندهای زنجیربافت برای استفاده خدمه انگلیسی تانک ها در اختیار آن ها قرار گرفت. محافظ صورت برای جلوگیری از اصابت ترکش‌های فلزی و داغ به صورت سربازان، هنگام اصابت گلوله به تانک مورد استفاده قرار می گرفت.

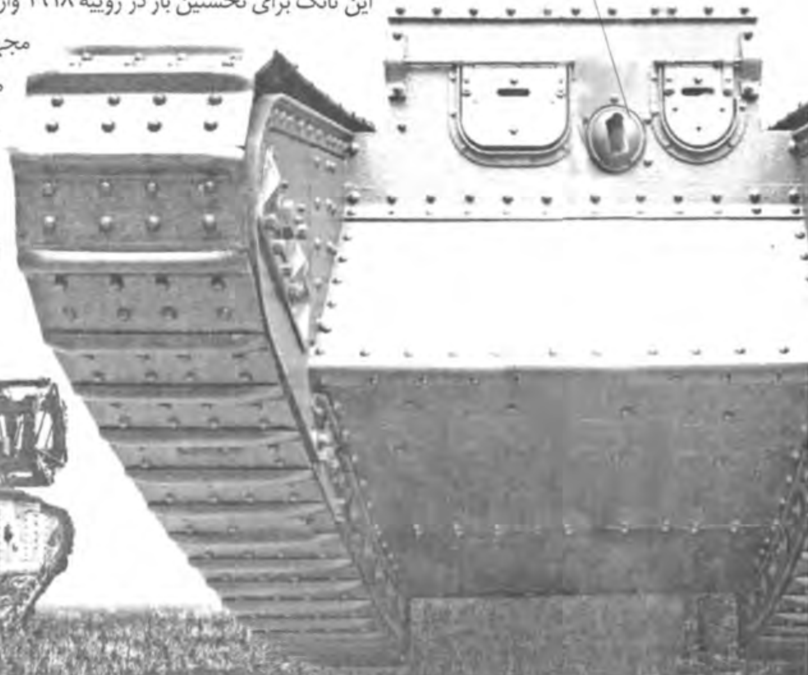

تانک آلمانی A۷V

تانک A۷V ▲

تنها تانک آلمانی که در دوران جنگ ساخته شد، ماشین عظیم ۳۳ تنی به نام A۷V دارای ۱۸ خدمه و ۶ مسلسل بود. فقط ۲۰ عدد از این نوع تانک ساخته شد و حضور آن ها در بهار ۱۹۱۸ در صحنه جنگ به اندازه‌ای دیر بود که هیچ گونه تأثیر واقعی بر سرنوشت جنگ باقی نگذاشت.

تانک انگلیسی شماره پنج ◄

این تانک برای نخستین بار در ژوییه ۱۹۱۸ وارد صحنه جنگ شد. تانک یاد شده مجهز به دو توپ ۶ پوندی و چهار مسلسل بود و هشت خدمه را در خود جای می‌داد. سیستم پیشرفته دنده و ترمز امکان می‌داد تا فقط یک نفر برای رانندگی و کنترل آن کافی باشد.




تانک انگلیسی شماره پنج

درپوش دریچه ورودی راننده

دریچه ورودی عقب

دریچه ورودی راننده

دریاچه دید راننده

چرخ زنجیری آهنین

راننده و توپچی در جلوی تانک
به دشواری چمباتمه می‌زدند

موتور شش سلیندر

شش نفر کنار هم به سختی دور موتور می‌نشستند و از سلاح‌ها استفاده می‌کردند.

در درون تانک ▲

زندگی داخل تانک بسیار ناخوشایند بود. هوای اتاقک بسیار گرم، نامطبوع و فاقد تهویه بود و موجب می‌شد خدمه مریض شوند و حتی گاهی از حال بروند. گرما در تانک های سبک، گاه چنان زیاد می‌شد که موجب انفجار مهمات داخل تانک می‌گردید.



راندن تانک ◄

نخستین تانک‌های انگلیسی توسط دو نفر که هر کدام یک جهت را به عهده داشتند، رانده می‌شدند. این تانک ها برد محدودی داشتند و قادر بودند ۴۰ کیلومتر در ساعت حرکت کنند ولی چرخ زنجیری آن ها دائما خراب می‌شد. سپس تانک هایی ساخته شدند که یک نفر برای راندن آن‌ها کافی بود و از قدرت مانور و استحکام بالایی برخوردار بودند. ولی این تانک ها هنوز در برابر آتش دشمن آسیب پذیر بودند و گاه خراب می‌شدند، نمونه‌ای از این تانک ها در تصویر متعلق به حمله انگلیس به ارس در آوریل ۱۹۱۷ دیده می‌شود.

ورود ایالات متحده امریکا به جنگ جهانی اول

وقتی در اوت ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول در اروپا شعله ور شد، امریکا بی‌طرف بود. در این کشور، در مورد جنگ دو دستگی شدید وجود داشت، زیرا بسیاری از شهروندان این کشور مهاجران اروپایی بودند و برخی به این طرف جنگ و بعضی به طرف دیگر دلبستگی نشان می‌دادند. اما وقتی زیردریایی‌های آلمانی حمله به کشتی‌های امریکایی را شروع کردند، افکار عمومی در امریکا به ضرر آلمان شروع به تغییر نمود. در فوریه ۱۹۱۷ آلمان در تلاش برای کاهش ارسال تجهیزات به انگلستان، تصمیم گرفت به تمامی کشتی‌های تجاری خارجی حمله کند. آلمان همچنین بر آن شد که با تشویق همسایه امریکا، مکزیک برای حمله به امریکا و بازپس گرفتن ایالت تکزاس از این کشور، توجه امریکا را از اروپا منحرف سازد. این اقدام خشم دولت امریکا را برانگیخت و چون کشتی‌های امریکایی باز هم مورد حمله قرار گرفتند، پرزیدنت ویلسون به آلمان اعلان جنگ داد. اکنون جنگ به راستی جهان گستر شده بود.



عمو سام ◄

جیمز مونتگمری فنگ هنرمندی بود که از چهره خودش به عنوان مدلی برای عمو سام استفاده کرد، هدف از این چهرهٔ کارتونی، نشان دادن سمبل امریکا بود. این تصویر براساس پوسترهای استخدامی انگلیس رسم شده بود. در این تصویر عموسام به این کلمات اشاره می کند: «من تو را برای ارتش امریکا نیاز دارم.»



مدال انگلیسی به یاد حمله آلمان به کشتی اس اس لوزیتانیا

◄ اس اس لوزیتانیا

در ۷ مه ۱۹۱۵، اژدرافکن‌های آلمانی به گمان وجود مهمات در کشتی مسافربری اس اس لوزیتانیا، آن را در ساحل ایرلند غرق کردند. کشتی از نیویورک به سوی لیورپول انگلستان در حرکت بود. سه چهارم مسافران از جمله ۱۲۸ شهروند امریکایی غرق شدند. این تلفات در تغییر افکار عمومی امریکا به ضرر آلمان و به سود متفقین بسیار مؤثر بود.

شانه فشنگ
فانسقه
کیف قمقمه آب
کیف فشنگ
لوله فنری
ماسک گاز
چشم بند
وسیله اصلاح
کیف وسایل اصلاح
پیمانه آب خوری
جعبه فیلتر
نوار
غلاف
دسته برنجی سرنیزه
قمقمه آب
نوار کمکی برای محکم سازی
کیف حاوی وسایل
چاقوی سنگر
کیف صحرایی
ظرف غذاخوری
ظرف غذاخوری
جعبه اصلاح صورت
فرچه
ابزار کندن سنگر
تفنگ اسپرنیگ
مدل ۱۹۰۵
روانداز یا طاقه اورکت

تجهیزات پیاده نظام ▲

پیاده نظام امریکا به جبهه غرب گسیل شد و برای هر گونه نبردی آمادگی داشت. سربازان دور کمر خود قطار فشنگ و مهمات دیگر، بطری آب و جعبه وسایل شخصی اولیه می‌بستند. در پشت خود کوله پشتی سنگینی حاوی سرنیزه و وسایل کندن سنگر، رواناز و وسایل شخصی حمل می‌کردند. وسایل شخصی آن ها ظرف غذاخوری و وسایل بهداشتی بود.

بسته تجهیزات پیاده نظام امریکا



مدالی برای قهرمانان

مدال صلیب که در امریکا و به فرمان رییس جمهور این کشور در سال ۱۹۱۸ ساخته شد به افرادی اعطا می‌شد که بیشترین قهرمانی را در برابر ارتش تا بن دندان مسلح دشمن نشان می‌دادند.



آتش سلاح‌ها

ارتش یکم امریکا نخستین عملیات عمده خود را در ۱۲ الی ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۸ در سنت میهیل، جنوب شهر وردون فرانسه و همراه با تهاجم متفقین علیه خطوط آلمان انجام داد. در این جا، خدمه توپخانه، توپ‌های صحرایی ۷۵ میلیمتری را به سوی آلمان ها شلیک می کنند. آنچه در هوا تاب می خورد پوکه گلوله شلیک شده است.



حفظ تماس

بسیاری از سربازان امریکایی هرگز پیش از جنگ، شهر یا ایالت خود را ترک نکرده بودند. بسیاری از آن ها هنگام پیاده شدن در فرانسه، کشوری که زبان آن را بلد نبودند، دچار درد دوری از میهن شدند. آن ها به خانواده و دوستان خود نامه می‌نوشتند و در پاسخ، نامه، کارت پستال و بسته خوراکی دریافت می کردند.



پرزیدنت ویلسون

ودرو ویلسون پیش از رسیدن به مقام رییس جمهور ایالات متحده در سال ۱۹۱۲، یک دانشگاهی برجسته بود. او در مقام رهبری جنگ، فردی اصول گرا و نیرومند ولی به شدت آرمانگرا بود و نتوانست حمایت کنگره امریکا از پیمان صلح پس از جنگ و نیز تأسیس جامعه ملل را جلب کند. جامعه ملل، سازمانی متشکل از کشورهایی بود که بعد از جنگ جهانی اول برای حفظ صلح بین المللی باهم متحد شده بودند. در سال ۱۹۱۹، ویلسون جایزه صلح نوبل را به دلیل فعالیت برای ایجاد صلح در اروپا، به دست آورد.

زیر خطوط دشمن

در بیشتر دوران جنگ در اروپای غربی، دو طرف از داخل شیارهای سنگرهای به شدت مستحکم شده، با یکدیگر روبرو می‌شدند، تسخیر این استحکامات دفاعی برای طرف مقابل بسیار دشوار بود، زیرا مهندسان با ایجاد نقب در میان سنگرهای خودی، آن ها را به هم وصل کرده و حتی نقب هایی در زیر خطوط دشمن کنده بودند تا در موقع حمله ضربات مهلک تری به دشمن وارد سازند. ارتش بریتانیا معدنچیان ذغال سنگ و مهندسی حفاری را که برای سیستم متروی لندن تونل حفر کرده و در این گونه فعالیت‌ها تخصص داشتند به کار گرفت. آلمان ها نیز معدنچیان خاص خود را داشتند. در نقب‌هایی که در زیر سطح خطوط دشمن ایجاد شده بودند، مواد منفجره قرار داده می‌شد تا در موقع حمله ارتش منفجر شوند. برای مقابله با این نقب ها، ترفندهای ضد نقب اجرا می شد. هنگام کندن نقب ها، گاهی حفاران دو طرف، با یکدیگر رو در رو می‌شدند و نبرد تن به تن شروع می شد. انگلیسی‌ها در ۱ ژوییه ۱۹۱۶ در نبرد سومه نقب های وسیعی را منفجر کردند، ولی مؤثرترین استفاده آن ها از این تاکتیک، هنگام آغاز نبرد پاشندیل در زیر تپه‌های میسنز بود.



فعالیت‌های گروه مهندسی ◄

نقاش و هنرمند انگلیسی، دیوید بومبرگ، اعضای گروه مهندسی سلطنتی را نشان می‌دهد که در حال کندن و تقویت کردن یک سنگر زیرزمینی هستند. مهندسان، ساخته شدن صحیح سنگرها و تونل‌ها و عدم فرو ریختن آن ها را تضمین می‌کردند.



▶ نجات دادن

حمله شیمیایی یا انفجار گلوله توپ نزدیک یک تونل امکان داشت باعث شود تونل مملو از دود یا گاز شود و افرادی که درون آن کار می‌کردند، دچار خفگی گردند. امدادگران نظامی آلمان ابزار آلات تنفسی را برای استفاده در همین تونل‌ها با خود حمل می‌کردند.

لوله‌های فنری هوا

کلاهخود ویژه

بندهایی برای نگه داشتن دهنی روی صورت

لوله هوا

کیف تنفس روی سینه حمل می‌شد

اکسیژن موجود در سیلندر از طریق این لوله وارد کیسه اکسیژن می‌شد.

کپسول اکسیژن ◀

این ابزار تنفسی انگلیسی شبیه به تجهیزات آلمانی (تصویر بالا) است. اکسیژن فشرده داخل کپسول عبور از لوله دستگاه به تنفس حفاران کمک می کرد.

پاشندیل

در سال ۱۹۱۷، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند حمله گسترده‌ای علیه خط مقدم آلمان در ایپرس، واقع در بلژیک، ترتیب دهند. هدف آن‌ها نفوذ در خاک بلژیک و تسخیر بندرهای مهم آن کشور و بنابراین مسدود کردن مسیر زیردریایی‌های آلمانی بود که از این بندرها به عنوان پایگاهی برای حمله به کشتی‌های انگلیسی استفاده می‌کردند. نبرد مسینز در ۷ ژوئن ۱۹۱۷ آغاز شد. پس از بمباران عظیم توپخانه، ۱۹ تونل زیرزمینی همراه با یک میلیون تن مواد منفجره، همزمان زیر خطوط آلمان‌ها منفجر شد. صدای انفجار در لندن، یعنی ۲۲۰ کیلومتر آن سوتر به گوش رسید. منطقه به سرعت به تسخیر درآمد، اما انگلیسی‌ها نتوانستند به برتری سریع دست یابند. باران سنگین ماه‌های اوت و اکتبر صحنه جنگ را به لجنزار تبدیل نمود. دهکده و دره پاشندیل سرانجام در ۱۰ نوامبر ۱۹۱۷ به دست انگلیسی‌ها افتاد. ولی شش ماه بعد در ماه مارس دوباره به اشغال آلمان‌ها درآمد. در تابستان ۱۹۱۸، متفقین منطقه را بازپس گرفتند و موفق به حفظ آن شدند.

آب گرفتگی ◄

آب گرفتگی اطراف منطقه ایپرس بسیار شدید بود. از این رو با ایجاد خاکریز و استفاده از کیسه شن در جلوی سنگرها از نفوذ آب در سنگرها کاسته می‌شد. حتی در این حالت هم، سنگرها مدام پر از آب می‌شدند. خالی کردن تونل‌ها و گودال‌های کنده شده مانند کار این حفاران استرالیایی در منطقه هوگ بلژیک سپتامبر ۱۹۱۷، وظیفه‌ای مهم و پایان ناپذیر بود.



یکی از چندین تونل زیر زمینی انگلیس زیر خطوط آلمان‌ها در نبرد سومه، ۱ ژوییه ۱۹۱۶، منفجر می‌شود.





باتلاق گل آلود ▲

باران سنگین و بمباران مداوم باعث شد پاشندیل به منطقه‌ای گل آلود و مرگ آور تبدیل شود. بسیاری از زخمی‌ها جان سپردند زیرا نمی توانستند گل‌های چسبیده به بدن خود را جدا کنند و از زمین برخیزند. سربازان حامل برانکارد به زحمت می‌توانستند زخمی‌ها را به ایستگاه‌های درمانی برسانند. شاعر انگلیسی، زیگفرید ساسون نوشت: «من در جهنم (نام پاشندیل بین سربازان) هلاک شدم.»

وحشتناک است. گاه دلتان می‌خواهد مرده بودید، نه پناهگاهی نه سرپناهی، ما در آب دراز می‌کشیم. ... لباس‌هایمان خشک نمی شوند.»

سرباز آلمانی، ۱۹۱۷ در پاشندیل

سربازان انگلیسی در حال پیشروی روی زمین بمباران شده در زمان نبرد پاشندیل

سال پایانی

در اوایل ۱۹۱۸ به نظر می‌رسید جنگ به سود آلمان و متحدان آن کشور در حال تغییر است. روسیه از جنگ دست کشیده بود و همین رویداد موجب شد آلمان بتواند تلاش‌های خود را در جبهه غرب متمرکز کند؛ اگر چه تعداد زیادی از نیروهای امریکا هنوز در فرانسه به سر می‌بردند اما آلمان با حمله‌ای عظیم در ماه مارس، نیروهای خود را به ۶۴ کیلومتری پاریس رساند. با محاصره بندرهای آلمان از سوی کشورهای متحد، بتدریج این کشور با کمبود تجهیزات و امکانات حیاتی روبرو گردید. به دلیل عدم بازسازی و رسیدگی به شبکه راه آهن، ارتش آلمان بتدریج زمین گیر می شد. در جاهای دیگر نیز ترکیه عثمانی و بلغارستان در برابر حملات متفقین شکست خوردند و ایتالیا به پیروزی قاطعی در برابر اتریش- مجارستان دست یافت. در اوایل نوامبر، آلمان تنها مانده بود. در ۷ نوامبر، نماینده آلمان از خط مقدم گذشت تا در مورد شرایط صلح با متفقین گفتگو کند. جنگ تقریبا به سرانجام خود رسیده بود. در روسیه، انقلاب رخ داد و نظام سلطنتی سرنگون شد. با روی کار آمدن کمونیست ها در روسیه فصل جدیدی در روابط بین الملل گشوده شد.



◄ رهبر جدید

در سال ۱۹۱۷، ولادیمیر لنین، رهبر حزب بلشویک (کمونیست)، فرمانروای جدید روسیه شد. او با جنگ مخالف بود و بعد از رسیدن به قدرت بلافاصله فرمان آتش بس صادر کرد.



نیروهای آلمان و روسیه، آتش بس در جبهه شرق را جشن می‌گیرند، سال ۱۹۱۷

۸ ژانویه، رئیس جمهور امریکا، ویلسون بیانیه چهارده ماده‌ای صلح را اعلام می‌کند.

۳ مارس، پیمان برست لیتوفسک امضا می شود، روسیه از جنگ کنار می رود.

۲۱ مارس، حمله عظیم آلمان توسط لودن دورف به جبهه غربی شروع می شود.

۱۵ ژوئیه، آخرین حمله آلمان به جبهه غربی شروع می شود.

۱۸ ژوئیه، ضد حمله فرانسه در مارن شروع می شود.

روسیه دگرگون می‌شود

حکومت روسیه با ادامه جنگ روز به روز محبوبیت خود را از دست داد. شکست‌های پی در پی روحیه ارتش را نابود کرده بود و در اوایل سال ۱۹۱۷ در طول جبهه شرق، نیروهای روس و آلمانی با یکدیگر به آشتی رسیده بودند. در فوریه ۱۹۱۷، حکومت سلطنتی تزارها در اثر انقلاب سرنگون شد ولی دولت آن کشور هنوز به جنگ ادامه می‌داد. انقلاب دوم در اکتبر ۱۹۱۷ حزب بلشویک (کمونیست‌ها) را به قدرت رساند. دولت بلشویکی در مورد آتش بس با آلمان‌ها به توافق دست یافت و در مارس ۱۹۱۸، روسیه پیمان برست لیتوفسک را به امضا رسانده و از جنگ عقب کشید.



حمله لودن دورف ▲

در ۲۱ مارس ۱۹۱۸، ژنرال لوندردورف حمله‌ای عظیم را به جبهه غرب آغاز کرد. وی امیدوار بود قبل از رسیدن نیروهای کمکی امریکا بتواند فرانسه و انگلیس را شکست دهد. حمله یاد شده غافلگیرانه بود و آلمان تا ماه ژوییه به ۶۴ کیلومتری پاریس رسید. اما هزینه این حمله ۵۰۰۰۰۰ کشته و زخمی برای نیروهای این کشور بود.

۸ اوت، انگلیس حمله علیه آمینز را شروع می کند.

۱۲ سپتامبر، امریکایی ها حمله به سنت میهیل را آغاز می کنند.

۱۴ سپتامبر، متفقین علیه بلغارها از طریق یونان حمله می کنند.

۲۵ سپتامبر، بلغارستان خواستار صلح می شود.

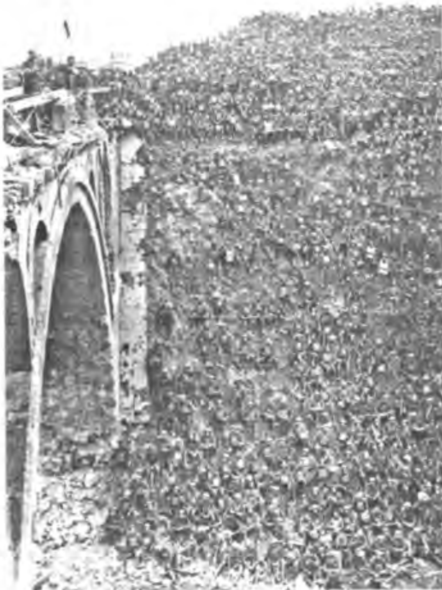
۲۷ سپتامبر، انگلیس برای شکستن خط هیندنبورگ تهاجم خود را آغاز می کند.



نبرد مارن

در ۱۸ ژوییه ۱۹۱۸، نیروهای فرانسه و امریکا به رهبری ژنرال فوش ضد حمله ای علیه پیشروی آلمان به سوی رودخانه مارن در شرق پاریس، انجام دادند. آن ها حمله آلمان را در سه جهت متوقف کردند و عقب راندن نیروهای آلمانی را آغاز نمودند. در ۶ اوت، آلمان ها ۱۶۸۰۰۰ نفر از نیروهای خود را از دست داده بودند که بسیاری از آن ها در همان محلی که از پای درآمده بودند، دفن شدند. اوج نبرد به سود ارتش‌های متفقین به شکلی تعیین کننده تغییر کرده بود.

سربازان فرانسوی اجساد آلمانی‌ها را قبل از دفن کردن، شناسایی می کنند.



گذار از خط مقدم

در ۱۸ اوت ۱۹۱۸، حمله انگلیس در حوالی آمین آغاز شد. ارتش آلمان روز به روز بیشتر با کاهش نفرات و تجهیزات حیاتی از جمله آذوقه روبرو می‌شد و تاب مقاومت آن کاهش می‌یافت. نیروهای متفقین پیشروی به سوی خط بسیار مستحکم آلمان ها به نام هیندنبورگ را ادامه می‌دادند؛ آلمان ها همیشه از این خط به عنوان سد دفاعی نفوذ ناپذیر خود نام می بردند. در ۲۹ سپتامبر، لشگر چهل و ششم نورث میدلند انگلستان، پل ریکوال روی کانال سنت کویینتن را تسخیر نمود. آن ها این موفقیت را جشن گرفتند، زیرا سرانجام این خط دفاعی را در هم شکسته بودند.

۲۸ سپتامبر، فرمانده آلمانی، لوندردورف به قیصر پیشنهاد می کند قبل از نابودی ارتش پیمان صلح را امضا کند.

۱۰ اکتبر، انگلیس؛ شهر دمشق را که تحت تصرف امپراطوری عثمانی بود اشغال می کند.

۶ اکتبر، دولت آلمان مذاکرات آتش بس را آغاز می کند.

۲۱ اکتبر، چکسلواکی اعلام استقلال می کند.

۲۴ اکتبر، ارتش ایتالیا حمله تعیین کننده ویتوریو – ونتو را علیه امپراطوری اتریش – مجارستان آغاز می کند.

بسیاری از کودکان فرانسوی زندگی خود را پیش از اشغال شهر و روستاهایشان توسط آلمان به یاد نمی آوردند.



کودکان فرانسوی در حال راهپیمایی در کنار ارتش متفقین

روزهای واپسین ▲

در ۵ اکتبر، ارتش متفقین کل خط هیندنبورگ را درهم کوبیده بود و در حال پیشروی به درون خاک آلمان بود. هر دو طرف متحمل تلفات سنگینی شدند و این در حالی بود که ارتش آلمان بی‌وقفه به سمت شرق در حال عقب نشینی بود. انگلستان و فرانسه شهرها و روستاهای از دست رفته خود در سال ۱۹۱۴ از جمله لیل را باز پس گرفته بودند و در اوایل نوامبر ۱۹۱۸ موفق به تسخیر دوباره شهر مونز شدند که نخستین گلوله‌های جنگ در اوت ۱۹۱۴ در آن جا شلیک شده بود. اکنون، عقب نشینی آلمان در حال تبدیل به هزیمت و شکست در جنگ بود.

۲۹ اکتبر، نیروی دریایی آلمان شورش می کند.
۳۰ اکتبر، ترکیه عثمانی با آتش بس موافقت می کند.
۴ نوامبر، اتریش - مجارستان با آتش بس موافقت می کند.
۹ نوامبر، قیصر آلمان استعفا می دهد.

۱۱ نوامبر، آتش بس بین آلمان و متفقین اعلام می شود؛ جنگ پایان می یابد.

آتش بس و صلح

ساعت ۱۱ صبح روز یازدهم ماه یازدهم سال ۱۹۱۸، پس از چهار سال جنگ، سلاح‌ها در اروپا خاموش شدند. اکنون جنگ جای خود را به مسائل دشوار بعد از صلح داده بود. آلمان برای گفتگو پیرامون پیمان صلح احتمالی درخواست آتش بس کرد. آلمان تسلیم نشده بود، ولی سربازان او دسته دسته در حال تسلیم بودند و ناوگان او از بین رفته بود. متفقین می‌خواستند مطمئن شوند آلمان هرگز به جنگ باز نخواهد گشت. پیمان صلح نهایی، نقشه اروپا را از نو ترسیم کرد و آلمان را به پرداخت غرامت سنگین واداشت. قدرت و حجم نیروهای مسلح آلمان کاهش یافت و آلمان قسمت زیادی از سرزمین‌های خود و نیز مستعمراتش را در آفریقا و آسیا از دست داد.



مردم بی‌خانمان ▲

بسیاری از پناهندگان همچون این شهروندان اهل لیتوانی، در دوران جنگ بی‌خانمان شدند. پایان دشمنی‌ها به هزاران پناهنده– عمدتا فرانسوی، بلژیکی، ایتالیایی و صرب که سرزمین شان به اشغال دولت‌های محور (آلمان و ...) درآمده بود– اجازه داد به میهن خود که تازه آزاد شده بود، بازگردند. به علاوه، ۶/۵ میلیون اسیر جنگی وجود داشت که باید به وطن بازگردانیده می‌شدند. در پاییز ۱۹۱۹ این وظیفه خطیر سرانجام تحقق یافت.



◄ گفتگوها در واگن

در ۷ نوامبر ۱۹۱۸، نمایندگی آلمان به ریاست نخست وزیر این کشور، ماتیاس ارزبرگر، برای ملاقات با سرفرماندهی متفقین، ژنرال فوش، در واگن قطار واقع در جنگل کومپین، از خط مقدم عبور کردند. ساعت ۵ صبح روز ۱۱ نوامبر، دو طرف توافق نامه صلحی امضا کردند که شش ساعت بعد به اجرا گذاشته شد.



The New York Times.

ARMISTICE SIGNED, END OF THE WAR!
BERLIN SEIZED BY REVOLUTIONISTS;
NEW CHANCELLOR BEGS FOR ORDER;
OUSTED KAISER FLEES TO HOLLAND

گسترش اخبار ◄

اخبار آتش بس در عرض چند دقیقه در کل دنیا پخش شد. روزنامه‌ها و تلگرام‌ها اولین گزارش‌های این واقعه را به مردم رساندند و سپس خبر این رویداد شیرین دهان به دهان و همسایه به همسایه در همه جا منتشر شد. همه مردم دنیا از پایان این جنگ خانمان سوز خوشحال بودند.

▼ زنده باد صلح

در پاریس (عکس زیر) سربازان فرانسوی، انگلیسی و امریکایی به حرکت خود جوش مردم پاریس در سراسر شهر پیوستند. در لندن، زنان و کودکان در خیابان‌ها به پایکوبی پرداختند و مردان آماده بازگشت از جبهه شدند. در آلمان، مردم با آمیزه‌ای از بهت و آسودگی به این خبر واکنش نشان دادند.

پیمان های صلح

بعد از پایان یافتن جنگ به سرعت پیمان های صلح بین کشورهای درگیر در جنگ منعقد شد. مهمترین آن ها، پیمان ورسای بود که در ژوئن ۱۹۱۹ در کاخ ورسای در حومه پاریس به امضای طرفین رسید و رسما به نخستین جنگ جهانی خاتمه داد.

این قرارداد از مشهورترین قراردادهای تاریخ است و با توجه به پیامدهایی که داشت می‌توان آن‌را در زمره تأثیرگذارترین و سرنوشت‌سازترین قراردادهای تاریخ به‌حساب آورد، در این معاهده امپراطوری آلمان باید به طور کامل خلع سلاح می‌شد و حق داشتن هیچ گونه نیروی نظامی را نداشت و نظام وظیفه در این کشور به طور کامل لغو گردید و از داشتن هر گونه زیردریایی و هواپیمای جنگی و توپ‌خانه سنگین و ساختن بنادر جنگی محروم شد. و ارتش آن تنها به صدهزار نفر و نیروی دریایی آن به شش ناو جنگی محدود شد.

طبق مواد این پیمان قسمت های زیادی از این کشور به کشورهای پیروز واگذار و حتی رودخانه‌های آلمان بین‌المللی شد و مستعمره‌های آن با سرپرستی جامعه ملل میان دولت‌های پیروز تقسیم شد. آلمان مجبور شد «مسئولیت آلمان و متحدانش را در ایجاد خرابی‌ها و زیان‌هایی که متفقین و دولت‌های متحد آن‌ها و ملت‌هایشان بر اثر تجاوز آلمان و متحدانش تحمل کرده‌اند» پذیرفته و غرامت آن‌ها را بپردازد. این غرامت در ۱۹۲۱ به شش میلیارد و ششصد میلیون لیره برآورد شد.

البته کشور آلمان در فاصله پایان جنگ جهانی اول و آغاز جنگ جهانی دوم همواره درباره سرزمین‌های واگذارده، به ویژه سلیزی بالا، پروس غربی، با دولت‌های دیگر کشاکش داشت و تا پایان ۱۹۳۹ دوباره آن ها را بازیافت. دولت نازی، که در سال ۱۹۳۳ بر سر کار آمد، رفته رفته از زیر محدودیت‌های نظامی شانه خالی کرد و غرامت‌ها را نیز اندک اندک کاسته و در سال ۱۹۳۲ دولت های پیروز در جنگ جهانی اول را مجبور به بخشیدن غرامت ها نمود. عده‌ای معتقد هستند سخت گیری های پیمان ورسای یکی از انگیزه‌های سرکشی دوباره آلمان‌ها و پیروزی نازیسم در آلمان و به راه افتادن جنگ جهانی دوم بود.



◀ پیمان ورسای

پیمان صلح که نقطه پایانی بر جنگ گذاشت در سالن آینه کاخ ورسای نزدیک پاریس در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ به امضا رسید. سر ویلیام اورین، تصویر رهبران چهار کشور متحد را نقاشی کرده است که در حال تماشای امضای پیمان صلح توسط نمایندگان آلمان و پایان قدرت نمایی امپریالیستی این کشور درست ۴۸ سال بعد از اعلام امپراطوری آلمان در همین سالن هستند. آلمان در سال ۱۸۷۱ با شکست فرانسه خود را امپراطوری مسلط اروپا اعلام کرده بود.



امضای پیمان ▲

این سربازان بعد از صبر و انتظاری طولانی بالاخره موفق شدند امضای پیمان ورسای را تماشا کنند. متفقین ابتدا در ژانویه ۱۹۱۹ با همتایان آلمانی خود دیدار کردند. امریکایی‌ها خواستار پیمانی منصفانه و عادلانه بودند که ضامن دموکراسی و آزادی برای آلمانی‌ها نیز باشد. ولی فرانسه و تا حد کمتری انگلستان خواهان ضعیف نگه داشتن و تقسیم آلمان بودند. پیش از توافق نهایی در ژوئن ۱۹۱۹، چندین بار گفتگوها به شکست انجامید.



متفقین پیروز ▲

نخست وزیر فرانسه، ژرژ کلمانسو (در کنار ژنرال فوش) نخست وزیر انگلیس، دیوید لوید جرج و نخست وزیر ایتالیا، ویتوریو اورلاندو- که در این جا همراه وزیر خارجه اش، جورجیو سونینو دیده می‌شود- و رییس جمهور امریکا وودرو ویلسون. [درعکس حضور ندارد] این چهار رهبر بزرگ، جزییات توافق صلح را مشخص کردند.

هزینه جنگ

هزینه جنگ جهانی اول با احتساب زندگی از دست رفته میلیون ها انسان، تصور ناپذیر و غیر قابل محاسبه است. بیش از ۶۵ میلیون نفر در جنگ شرکت داشتند که نیمی از آن ها کشته یا زخمی شدند. ۸ میلیون کشته، ۲ میلیون مرگ در اثر بیماری و آلودگی، ۲۱/۲ میلیون مجروح و ۷/۸ میلیون نفر اسیر یا مفقود الاثر. به علاوه، در حدود ۶/۶ میلیون غیرنظامی نیز تلف شدند. در میان کشورهای در حال جنگ، به استثنای امریکا، کمتر خانواده‌ای پیدا می‌شد که حداقل یک پسر یا برادر خود را از دست نداده باشد؛ بعضی خانواده‌ها تمامی اعضای مذکر خود را از دست داده بودند. تمامی شهرک‌ها و روستاها از روی نقشه محو شدند و زمین‌های کشاورزی به باتلاقی مرگبار تبدیل شد. از نظر مالی، اقتصاد کشورهای اروپایی ویران شد، ولی امریکا از دل این جنگ خونین و خانمان برانداز به عنوان قدرتی جهانی قد علم کرد. شگفت آور نیست که در پایان سال ۱۹۱۸، مردم امیدوار بودند بار دیگر هرگز ناگزیر نباشند آن قتل عام و ویرانی را که طی چهار سال گذشته با آن دست به گریبان بودند تجربه کنند.

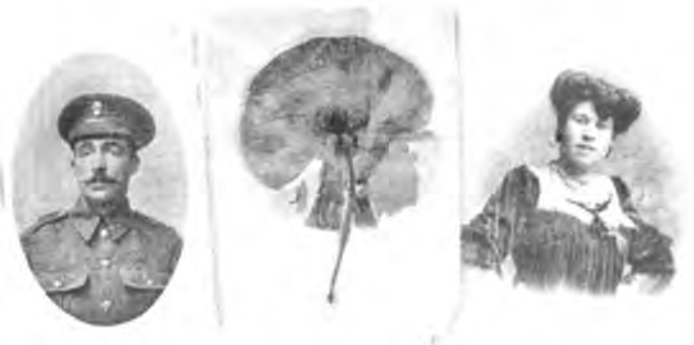


سربازی در زمان نبرد پاشندیل در آگوست ۱۹۱۷ روی پل پیلکم ایستاده است. مشخص است که صلیب با عجله ساخته شده و حکایت از آن دارد که گور سرباز با عجله حفر شده است زیرا بسیاری سربازان در گل و لای فرومانده بودند و محل دفن آن ها معلوم نبود.



سرباز گمنام

چهره بسیاری از کشته شدگان چنان دگرگون شده بود که دیگر امکان شناسایی آن ها وجود نداشت. گور آن ها با صلیب‌های معمولی علامت گذاری شد. هزاران تن دیگر به کلی ناپدید و مرده تلقی شدند. هر دو کشور فرانسه و بریتانیا طی مراسمی یک رزمنده گمنام را به عنوان نماد این سربازان به خاک سپردند. فرانسه در طاق نصرت پاریس و انگلیس در کلیسای وست مینیستر.



یادبودها ▲

انبوهی گل، از جمله گل قرمز خشخاش فلاندر به یاد قربانیان جنگ در دو طرف بزرگراه منتهی به جبهه غرب کاشته شد. سربازان، مانند عکس خصوصی جک ماد از تیپ ۲۱۴ لشگر لندن (عکس بالا)، این گونه گل‌ها را لای دفتر یا کتابی خشک می‌کردند و برای دلبندان خود در پشت جبهه می‌فرستادند. ماد این گل خشخاش را قبل از کشته شدنش در سال ۱۹۱۷ در نبرد پاشندیل برای همسر خود، لیزی، فرستاد. پزشک کانادایی، جان مک کرای، پس از درمان سربازان زخمی در حوالی ایپرس در سال ۱۹۱۷، مجموعه شعری با عنوان مزارع فلاندر نگاشت. این نوشته او سبب ترغیب یک لژیون انگلیسی شد که برای تهیه پول مورد نیاز برای مداوای سربازان مجروح، گل های کاغذی خشخاش بفروشد.

بعضی سربازان برای تمام عمر در آسایشگاه معلولین باقی ماندند

بسیاری سربازان برای گذراندن زمان نقاشی می‌کردند.



قربانیان رزمگاه شمال فرانسه

بعد از درمان ▲

جنگ هزاران سرباز بد شکل و ناتوان برجا نهاد. برای رفع آسیب‌های چهره، جراحی پلاستیک انجام می‌شد. ولی در موارد شدید، از ماسک چهره استفاده می‌شد. استفاده از اعضای مصنوعی، باعث تحرک بعضی سربازان معلول شد، اما وحشت‌های جنگ برای همیشه باقی ماند.

مدال شجاعت

هر کشور درگیر جنگ، مدال‌های نظامی و سیاسی به افتخار شجاعت به برخی سربازان اعطا کرد. پنج میلیون صلیب آهنی به سربازان آلمانی و متحدین آن ها داده شد. بیش از دو میلیون صلیب رزمنده به سربازان فرانسوی یگان های نظامی و شهروندان اعطا شد و ۵۷۶ صلیب ویکتوریا که بالاترین نشان انگلیس است به سربازان انگلیسی و امپراطوری آن اعطا گردید.



صلیب آهنی پروس



صلیب ویکتوریا (وی. سی)

خاطرات جنگ

در طول جبهه غرب گورها و یادبودهای مربوط به کسانی که در جنگ کشته شدند، وجود دارد. در گورستان ملی فرانسه و زیر برج آن در دوآمونت وردون (عکس زیر) بقایای ۱۳۰۰۰۰ سربازان گمنام فرانسوی و آلمانی دفن شده اند. فقط در دره سومه، ۴۱۰ گورستان مخصوص انگلیسی‌ها به چشم می‌خورد.



صلیب رزمنده فرانسه

بیشتر بدانید

از راه‌های بسیاری می‌توانید درباره جنگ جهانی اول بیشتر بدانید. اگر نسل‌های قدیمی‌تر خانواده شما (پدر بزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها) داستان‌هایی به یاد دارند که مربوط به جنگ جهانی اول باشد، می‌توانید از آن ها پرسش کنید. در اینترنت، خاطرات سربازان و بسیاری اطلاعات دیگر وجود دارد. شما می توانید کتابخانه‌ای شخصی برای گردآوری کتاب‌های تخصصی در رابطه با این موضوع بوجود آورید و یا از موزه‌های جنگ، در کشور خودتان یا کشورهای دیگر دیدن کنید. همچنین می‌توانید از موزه‌های تخصصی دیدن کنید که در رابطه با موضوعات خاصی برپا شده‌اند و گاهی تصاویر و یا شی، جالبی در مورد این جنگ جهانی در آن ها به چشم می خورد. فیلم‌های مستند تلویزیونی هم جنگ را با تمام واقعیت‌های آن به تصویر کشیده اند و گاهی دارای فیلم‌های واقعی و بازسازی شده از آن دوران هستند. و سرانجام این که، به یاد داشته باشید فیلم‌های جنگی قدیمی بسیاری وجود دارند که به شما نشان می‌دهند زندگی در آن دوران چه حالتی داشته است.



موزه تانک ▲

دوستداران وسایل موتوری برای دیدار از بزرگترین مجموعه تانک دنیا، باید به بوینگتون، دورست، سر بزنند. جذابیت اصلی آن، نخستین نمونه تانک یعنی ویلی کوچولو است. موزه برنامه‌ای برای مشاهده رخدادهای ویژه نیز دارا است.

روز یادآوری ◄

هرکس می‌تواند در گرامی‌داشت قربانیان نظامی و غیر نظامی جنگ جهانی اول شرکت کند. هر سال، در اولین یک‌شنبه قبل از ۱ نوامبر، در یادبودهای محلی و ملی جنگ، مراسمی به اجرا گذاشته می‌شود.

گل خشخاش نماد یادآوری قربانیان جنگ

پرچم ملی سه رنگ فرانسه هر سال روز ۱۱ نوامبر بر سر در طاق پیروزی بر افراشته می‌شود



◀ طاق پیروزی

در اصل ساختمان آرک دو تریومف (طاق پیروزی) در پاریس، فرانسه، برای بزرگداشت پیروزی‌های ارتش ناپلئون ساخته شد. ولی اکنون یادبود میلیون ها سرباز کشته شده در جنگ جهانی اول است. شعله‌های یادبود هر روز روی آن روشن می‌شود. در نوامبر ۱۹۲۰، جسد سرباز گمنام زیر این ساختمان به خاک سپرده شد. او نمادی از سربازان کشته شده در جنگ است.



فیلم‌های جنگی ◀

فیلم‌های بزرگ بسیاری درباره رخدادهای جنگ جهانی اول ساخته شده است. این فیلم‌ها همیشه مبتنی بر واقعیت‌های خشک جنگ نیستند بلکه وسیله‌ای سرگرم کننده برای گذراندن وقت و مشاهده رویدادها نیز هستند. یکی از بهترین فیلم‌ها لورنس عربستان (۱۹۶۲) با شرکت پیتر اوتول (تصویر سمت چپ) در نقش لورنس می باشد.



مجسمه‌ای که والدین را در حال عزادارای برای پسر از دست رفته شان نشان می‌دهد

◀ یاد بود جنگ

هنرمندان و نویسندگان بسیاری به دلیل وحشت از جنگ یا مهاجرت به خاطر جنگ، احساس می‌کردند باید احساسات خود را در کارشان تجلی بخشند. مجسمه‌ساز آلمانی خانم، کته کولویتز (۱۸۶۷–۱۹۴۵) این مجسمه را در قبرستان جنگی آلمان در روگولد بلژیک، ساخته است. پسر او، پیتر، آن جا دفن شده است.



موزه سلطنتی جنگ

این تصویر بخشی از نمایش «تجربه سنگر» در موزه سلطنتی جنگ می‌باشد. ترکیب نور، صدا و بو به بینندگان کمک می‌کنند دریابند که زندگی در سنگر چه اندازه هولناک و مشمئز کننده بوده است.

جاهای دیدنی

یادبود جنگ استرالیا، کانبرا، استرالیا

- گالری گالیپولی همراه با ساختمان‌ها و تصویرهای متحرک به اندازه واقعی
- نمایشگاه جبهه غربی که جنگ سنگرها را از جمله با تصویرهای ویدیویی به نمایش می‌گذارد
- «درخت کاج تنها» که از بذر فرستاده شده منطقه گالیپولی توسط یک سرباز برای مادرش روئیده است

موزه جنگ تاریخی بزرگ، پرون، فرانسه

- هزاران اثر هنری دوران جنگ همراه با درونمایه‌هایی مانند زندگی کودکان و اسیران
- مجموعه‌ای از نقاشی‌های هنرمند آلمانی، اتو دیکس از جنگ
- سفر ۶۰ کیلومتر با نام «دور یادبود» برای مشاهده مکان‌های اصلی جنگی در شمال فرانسه

موزه جنگ لندن، انگلستان

- تانک جنگ جهانی اول، به همراه گالری بزرگی از اسلحه‌ها، یونیفورم‌ها، پوسترها، مدال‌ها و دیگر یادبودهای متعلق به مناطق مختلف جنگی
- راهپیمایی برای «تجربه سنگر» همراه با علایم، صداها و بوهایی که نبرد سومه را زنده می‌کنند

موزه سیگنال‌های ارتش سلطنتی انگلیس، بلندفورد، دورست، انگلستان

- ناحیه ویژه‌ای که به تکنولوژی‌های جدید جنگ جهانی اول مانند تلفن‌ها و بی‌سیم‌های نظامی اختصاص دارد
- نمایش استفاده از حیوانات در جنگ

موزه تانک، بویونگتون، انگلستان

- تقریبا ۳۰۰ تانک از بیش از ۲۶ کشور را داراست
- نمایش تاریخی تولید تانک‌ها از جنگ جهانی اول تا کنون

آیا می‌دانید؟

رخدادهای کم اهمیت

صبحدم ۱ ژوئیه ۱۹۱۶، متفقین حمله عظیم خود علیه سومه را آغاز کردند. آتش توپخانه یک هفته به درازا انجامید. برخی از مردم در ساحل جنوبی انگلستان صدای دو انفجار بزرگ را که ناشی از منفجر شدن نقب‌هایی پر از مواد منفجره بود را شنیدند.

به هر سرباز انگلیسی دو چکمه مخصوص نظامی برای استفاده در مواقع ضروری داده شد. از منطقه سومه به جلو، هر سرباز یک کلاه پولادی نیز دریافت کرد. اقلام خاص مانند لباس غواصی در انبارهای عمومی نگاهداری می‌شد و از یگانی به یگان دیگر منتقل می‌گردید.



لباس ارتش انگلیس: چپ به راست: پالتو برای رانندگان بخش ترابری؛ لباس ضد آتش برای آتش افکن‌ها؛ لباس استتار زمستانی برای حمله از سنگر؛ و لباس خلبانی

آلمان‌ها در استفاده از آتش افکن‌ها پیشگام بودند. آن‌ها شعله‌های آتش را تا چهل متری پرتاب می‌کردند.

روسیه دارای بزرگترین ارتش بود. روسیه ۱۲ میلیون سرباز در اختیار داشت. بیش از سه چهارم این سربازان کشته، زخمی یا در جریان عملیات مفقود گردیدند.

از ابتدا تانک‌های انگلیسی به تانک‌های «مذکر» و «مونث» تقسیم شدند. تانک‌های مذکر دارای توپ و تانکهای مونث مجهز به مسلسل‌های سنگین بودند.

نخستین نمونه تانک، «ویلی کوچک»، در سال ۱۹۱۵ ساخته شد که سه خدمه داشت و سرعت آن به ۴/۸ کیلومتر در ساعت می‌رسید.

یکی از وظایف تونل‌سازان در جبهه غربی، نقب‌زدن بود. بعضی اوقات، در صورت اشتباهی کندن تونل و در نتیجه رسیدن به تونل‌های دشمن، جنگ‌های زیرزمینی در می‌گرفت.

غذا در آشپزخانه‌های صحرایی که چند کیلومتر دورتر از خط مقدم قرار داشت، تهیه می‌شد. حمل و نقل آذوقه با ماشین به سنگر ممکن نبود، بنابراین غذا با پای پیاده به سنگر برده می‌شد.



سگ پیغام‌رسان آلمانی که سیم تلگراف حمل می‌کند.



نقشه اروپا در ۱۹۱۴، اثر والتر ترایر



والتر ترایر (۱۹۵۱-۱۸۹۰) متولد پراگ، کارتون‌های سیاسی می‌ساخت.(تصویربالا) یکی از کارهای معروف او اروپا در آستانه جنگ جهانی اول را نشان می‌دهد که رهبران ملی در حال مجادله و تهدید یکدیگر هستند.



برکه صلح، دریاچه ای عمیق (۱۲متری) نزدیکی مسینز بلژیک است. این دریاچه گودالی ناشی از انفجار ۴۵ تن مادهٔ منفجره توسط انگلیسی ها در یکی از نقب ها در سال ۱۹۱۷ است.



برخی سربازان از کلاه‌های نظامی بافته شده به نام بالاکلاوا برای گرم ماندن در زمستان استفاده می‌کردند. این نامگذاری به علت جنگی به همین نام بود که در حدود نیم سده پیش از جنگ جهانی اول رخ داده بود. این کلاه‌ها اولین بار در جنگ کریمه در سال ۱۸۵۴ مورد استفاده قرار گرفت.



سگ‌های پیغام رسان، دستورات فرماندهان را در کپسول‌هایی که به بدن آن ها با بند بسته می‌شد، به خط مقدم حمل می‌کردند. سگ‌ها همچنین به ارتباطات نظامی به شیوه‌های دیگر کمک می‌کردند، بعضی از آن ها برای قرار دادن سیم تلگراف تربیت شده بودند.



پرکردن قمقمه آب گرم برای گرم نگاهداشتن آذوقه

پرسش و پاسخ



استتار امروزی

Q بیگ برتا چه کسی بود؟

A بیگ برتا نام توپ هوتیزر ۴۳۷۰۰ کیلوگرمی (۴۳ تنی) آلمان‌ها در جنگ جهانی اول بود. طراح آن، گوستاو کروپ، نام همسرش را روی این توپ گذاشت. بیگ برتا بیش از نمونه‌های قدیمی ۴۲۰ میلیمتری در جنگ قابلیت تحرک داشت؛ انتقال این سلاح به موقعیت آتش به کمک تراکتور ممکن بود. حتی در این حالت نیز، خدمه ۲۰۰ نفری باید شش ساعت یا بیشتر برای سوار کردن قطعات آن وقت صرف می‌کردند. بیگ برتا سلاح قدرتمندی بود. این توپ می‌توانست بمب‌های ۱۰۰۰ کیلوگرمی را تا برد ۱۵ کیلومتری پرتاب کند. نخستین موفقیت بیگ برتا در لیژ بلژیک بود. در عرض سه روز ۱۲ دژ دور تا دور شهر نابود گشتند.

Q چرا سربازان از حیوانات نگهداری می‌کردند؟

A اکثر حیواناتی که همراه ارتشیان سفر می‌کردند، وظیفه‌ای را هم انجام می‌دادند. الاغ، اسب و شتر برای بارکشی و نقل و انتقال تجهیزات سنگین به جبهه استفاده می‌شدند. سگ‌ها یا کبوترهای پیغام‌رسان حامل پیام‌های مهمی بودند. غیر از خط مقدم، بعضی از سربازان از حیوانات برای تهیه غذا استفاده می‌کردند ـ مثلا برای استفاده از گوشت خرگوش یا تهیه تخم مرغ. بعضی حیوانات فقط برای حفظ روحیه و درآمدن از حالت تنهایی نگهداری می‌شدند. برای مثال، سگ‌ها خیلی محبوب بودند، ولی یک گروه از سربازان آفریقای جنوبی نوعی آهو به نام ایمپالا را به عنوان نماد خوش شانسی نگهداری می‌کردند.

Q سربازان برای استتار خود چه می‌کردند؟

A جنگ جهانی اول نخستین جنگ بزرگی بود که سربازان از استتار یا پنهان‌سازی در آن



سربازان با خرگوش و مرغ و خروس‌هایشان

استفاده کردند. آن‌ها یونیفورم‌های خاکی به تن می‌کردند که با رنگ پس‌زمینه (یعنی زمین) همرنگ بود. بعضی تیراندازها از لباس‌های استتار شده مانند گونی‌های رنگ شده استفاده می‌کردند. کلاهخودهای پولادین گاه با گل و لای یا ماسه رنگ می‌شدند تا نوری از آن‌ها منعکس نشود؛ برخی اوقات، سربازان تمام لباس‌های خود را گل‌آلود می‌کردند یا با گونی‌های کیسه شن لباس خود را استتار می‌کردند. همچنین، سربازان برای پنهان‌سازی تجهیزات خود و جلوگیری از تجسس‌های هوایی دشمن، از گونی یا تور سیمی استفاده می‌کردند، اما این ترفندها همیشه هم موفق نبود. روی کشتی‌های جنگی، الگوهایی مانند شکستگی یا خطوط بدن گورخر نقش می‌شد که باعث گیج شدن دشمن می‌گردید.

Q سربازان چگونه می‌فهمیدند که باید ماسک‌های خود را بزنند؟

A سربازانی بودند که وظیفه‌شان نگهبانی در شب و روز بود. آن‌ها از هر چیز ـ مانند ناقوس، جغجغه، سوت یا حتی صدای خودشان ـ برای اعلام خطر استفاده می‌کردند. وقتی سربازان صدای هشدار را می‌شنیدند، با حداکثر سرعت ممکن، و به این امید که قبل از رسیدن گازهای کشنده به سنگر آمادگی یافته باشند، ماسک ضد گاز به چهره می‌زدند.

Q چرا تانک، تانک نامیده شد؟

A زمانی که مهندسان شروع به طراحی تانک کردند، ابتدا نام «کشتی زمینی» را بر آن گذاشتند. اما بعدا این نگرانی پیش آمد که دشمن با شنیدن نام این اختراع، از توانایی‌های آن آگاه شود. و البته مدت‌ها قبل، یک جاسوس آلمانی از تولید انبوه این دستگاه‌ها در انگلستان باخبرگردیده اما از کارکرد دقیق آن اطلاع چندانی نداشت. انگلیسی‌ها برای سردرگم کردن جاسوس آلمانی، مجبور شدند نام جدید و قابل قبولی بر آن بگذارند، پس تصمیم گرفتند به دلیل شکل مثلثی‌اش، این چنین وانمود کنند که این دستگاه‌ها برای ذخیره آب تولید می‌شوند. پس ابتدا، آن‌ها نام «حامل آب» "water carrier" را روی آن گذاشتند، و بعضی‌ها از نام اختصاری WC استفاده کردند. سرانجام، تصمیم گرفتند به جای این اسم از نام «تانک» استفاده کنند.



نگهبانی در حال انجام وظیفه

افراد و مکان‌های مهم

در جنگ جهانی اول، افراد بسیاری در طراحی و برنامه ریزی و شرکت در جنگ نقش داشتند، ولی نمی‌توان نام تمامی آن ها را یاد کرد. ولی در این جا نام برخی از آن ها همراه با لیستی از برخی مکان‌های جنگی مهم آورده می‌شود.



ژنرال روسی بروسیلوف

شخصیت‌های مهم

اکسی برسیلوف (۱۹۲۶-۱۸۵۳)

وی با حمله ۱۹۱۶ خود خطوط ارتش امپراطوری اتریش ـ مجارستان را در هم شکست. او فرماندهی ارتش روسیه را در جبهه شرق تا سال ۱۹۱۷ به عهده داشت.

لویجی کادورنا (۱۹۲۸-۱۸۵۰)

این ژنرال عهده دار فرماندهی ارتش ایتالیا بود. تنها موفقیت او، بازپس گیری گوریزیا در ۱۹۱۶ بود.

آنتونی فوکر (۱۹۳۹-۱۸۹۰)

طراح آلمانی، آنتونی فوکر اولین هواپیمای جنگنده را اختراع کرد که در جلوی آن مسلسل نصب شده بود. هواپیمای او با نام فوکر آیندکر به آلمان‌ها در بخش اول جنگ، برتری بخشید. فوکر چهل هواپیمای مختلف در طول جنگ تولید کرد.

رنه فونک (۱۹۵۳ - ۱۸۹۴)

مرد فرانسوی، رنه فونک از فرانسه، اولین خلبان موفق متفقین بود. او ۷۵ هواپیمای دشمن را سرنگون ساخت.

داگلاس هیگ (۱۹۲۸-۱۸۶۱)

ژنرال فرمانده نیروهای انگلیسی در جبهه غربی، سر داگلاس هیگ نام داشت. او فرمان حمله به سومه و پاسچندیل و نیز حمله نهایی موفق متفقین را صادر کرد.

پاول فون هیندنبورگ (۱۹۳۴-۱۸۴۷)

پاول فون هیندنبورگ ابتدا در جنگ به خوبی آلمان‌ها را علیه روس‌ها رهبری کرد. در سال ۱۹۱۶، وی فرمانده کل نیروی زمینی آلمان بود. خط او به نام خط هیندنبورگ در سال ۱۹۱۷ ایجاد شد و تا سال ۱۹۱۸ در برابر دشمن استقامت کرد.



عکس از چپ به راست: ژنرال ژوزف جوفر، رئیس جمهور فرانسه؛ ریموند پوانکاره، پادشاه انگلیس؛ جرج چهارم، ژنرال فردیناندفوش، ژنرال سر داگلاس هیگ

ژوزف جوفر (۱۸۵۲-۱۹۳۱)

هنگام شروع جنگ، ژورف جوفر فرمانده ارتش فرانسه بود. وی حمله به جبهه غربی را برنامه‌ریزی کرد ولی پس از تلفات سنگین در ۱۹۱۶ فرد دیگری جایگزین وی شد.

تی. ئی. لورنس (۱۸۸۸ -۱۹۳۵)

تی. ئی. لورنس معروف به لورنس عربستان، برای اداره اطلاعات متفقین در خاورمیانه فعالیت می‌کرد. او انقلابی عربی را علیه ترکهای عثمانی رهبری کرد و در کتابش به نام هفت ستون خرد درباره آن مطالبی نوشت.

ریتمستر فون ریشتهوفن (۱۸۹۲ -۱۹۱۸)

هوانورد آلمانی معروف به بارون سرخ که بیش از هر خلبان دیگر در جنگ جهانی موفق بود و توانست ۸۰ هواپیمای دشمن را سرنگون کند. او نزدیکی منطقه‌ای به نام آمین سقوط کرد و درگذشت.



طراح هواپیما، گابریل ویسین (راست)

گابریل ویسین (۱۸۸۰ -۱۹۷۳)

گابریل ویسین متولد فرانسه طراح هواپیما بود. او به دلیل ساخت هواپیمای ویسین سه معروف بود (ویسین

پروانه با زمان آتش مسلسل هماهنگ عمل می‌کرد

آنتونی فوکر با هوپیمای فوکر D1

سه اولین هواپیمای جنگنده متفقین بودکه یک هواپیمای دشمن را سرنگون کرد) همچنین وی بمب افکن ویسین چهار را طراحی کرد که مسلح به توپی کوچک بود.

ماکسیمیلیان فون اسپی (۱۸۶۱ -۱۹۱۴)

دریانورد آلمانی که دو کشتی جنگی انگلیسی را در نزدیکی شیلی غرق ساخت. وی پس از زیر آب رفتن کشتی خودش به نام شارنهورست، در سواحل جزایر فالکند درگذشت.

مارگارتا زله (۱۸۷۶ -۱۹۱۷)

مارگارتا زله متولد هلند به ماتاهاری معروف بود. وی همیشه منکر مامور دوجانبه بودن خود می‌شد ولی احتمال می‌رود برای هر دو طرف آلمانی و فرانسوی جاسوسی می‌کرده است. فرانسوی‌ها وی را در ۱۹۱۷ اعدام کردند.

نبردهای بزرگ



عقب نشینی از مونز (۱۹۱۴) اثر لیدی الیزابت باتلر (۱۹۲۷)

آمینز

در اوت ۱۹۱۸، ژنرال راولینسون نبرد موفقت آمیز متفقین را برای بازپس‌گیری خط آمینز رهبر کرد. در روز نخست، متفقین ۱۲ کیلومتر پیشروی کردند.

کامبرای

ژنرال هیگ در نوامبر ۱۹۱۷، هنگام حمله آلمان‌ها به کامبرای فرانسه، آلمان‌ها را غافلگیر کرد. در ابتدا، متفقین به موقعیت خوبی دست یافتند، اما طی دو هفته، آلمان‌ها مواضع از دست رفته خود را باز پس گرفتند. تخمین زده می‌شود ۴۵۰۰۰ سرباز انگلیسی و ۵۰۰۰۰ سرباز آلمانی در این جنگ کشته و زخمی شدند.

غزه

ژنرال دوبل حمله انگلیس به غزه تحت کنترل ترک‌ها را در مارس ۱۹۱۷ رهبری کرد. این منطقه اهمیت راهبردی داشت زیرا راه ورود به فلسطین به شمار می‌رفت. انگلیسی‌ها ترک‌ها را غافلگیر کردند اما خیلی زود ناگزیر به عقب‌نشینی شدند. سرانجام آن ها در ماه نوامبر پس از تضعیف خطوط دفاعی ترک‌ها با استفاده از بمباران توسط کشتی‌های انگلیسی از ساحل، موفق به تسخیر غزه شدند.

خلیج هلیگولند

در اوت ۱۹۱۴، دو ناوچه جنگی و ۲۵ ناو انگلیسی به کشتی‌های آلمانی نزدیک پایگاه دریایی در دریای شمال حمله کردند. در این نبرد، انگلیسی‌ها سه ناوچه و یک ناو آلمانی را غرق کردند.

یوتلند

در ماه مه ۱۹۱۶ تنها جنگ عظیم دریایی در ساحل جاتلند دانمارک رخ داد. هر دو طرف مدعی پیروزی بودند. آلمان‌ها خسارات بزرگی متحمل شدند اما انگلیسی‌ها کنترل دریای شمال را حفظ کردند.



تانک‌ها از میولته، فرانسه، طی حمله بزرگ آمینز گذر می‌کنند



درمانگاه صحرایی انگلیس در کامبرای

مونز

نیروهای انگلیسی در مونز، فرانسه، با ارتش در حال پیشروی آلمان در اوت ۱۹۱۴ روبرو شدند. اگرچه آلمان‌ها خسارات سنگینی متحمل شدند ولی موفق شدند انگلیسی‌ها را تا رودخانه مارن به عقب برانند.

پاشندیل

نبرد پاشندیل، بلژیک، در ژوئیه ۱۹۱۷ آغاز شد. ابتدا، متفقین ده روز به بمباران آلمان‌ها اقدام و سپس پیشروی خود را آغاز کردند اما باران شدید پیشروی آن‌ها را کند کرد. متفقین سرانجام در ماه نوامبر آن سال، تپه‌های پاشندیل را تسخیر کردند.

سومه

ژوئیه ۱۹۱۶ شاهد آغاز نبرد سومه، فرانسه، بود. در روز نخست، انگلیسی‌ها، ۵۸۰۰۰ کشته و زخمی برجای گذاشتند. به رغم این تلفات، متفقین حمله خود را تا ماه نوامبر ادامه دادند. با پایان رسیدن این تهاجم، متفقین ۶۲۰۰۰۰ و آلمان‌ها ۵۰۰۰۰۰ کشته و زخمی بر جای گذاشتند.

وردون

آلمان‌ها به شهر پادگانی وردون فرانسه در فوریه ۱۹۱۶ حمله کردند. در ابتدا آن‌ها پنج به یک به فرانسوی‌ها برتری داشتند اما پیشرفت آن‌ها در عرض یک هفته کند گردید. نبرد ۱۰ ماه دیگر ادامه یافت و تقریبا یک میلیون کشته بر جای گذاشت.

ویتوریو- ونتو

یکی از واپسین حملات جنگ جهانی اول زمانی بود که ایتالیایی‌ها در ۲۹ نوامبر ۱۹۱۸ ویتوریو- ونتو را را باز پس گرفتند. نیروهای امپراطوری اتریش- مجارستان یک روز قبل عقب‌نشینی کرده بودند.

ایپرس

شهر یپرس بلژیک در اوت ۱۹۱۴ به دست آلمان‌ها افتاد اما انگلیسی‌ها در ماه اکتبر آن را باز پس گرفتند. اگر چه پاتک (ضد حمله) آلمان‌ها شکست خورد ولی نیروهای انگلیسی دچار تلفات سنگینی شدند. نبرد دوم یپرس در آوریل و مه ۱۹۱۵ و نبرد سوم، پاشندیل، در ۱۹۱۷ روی داد.



آشپزخانه صحرایی انگلیسی در سومه ۱۹۱۶

واژه نامه

اتحاد: گروهی از متحدان که با یکدیگر قرارداد همکاری می‌بندند. کشورهای متحد گاه اهداف مشترک خود را در قالب پیمانی رسمی اعلام می‌کنند.

آتش بس: پایان دشمنی‌ها، روز آتش بس در اروپا به نام یکشنبه به یاد ماندنی معروف است که هر سال نزدیکترین روز یکشنبه به ۱۱ نوامبر جشن گرفته می‌شود.

اتمام حجت یا اولتیماتوم: درخواست نهایی که در صورت عدم پذیرش آن توسط کشور به عواقب جدی یا قطع کامل روابط با آن کشور از سوی صادر کننده آن منجر می‌شود.

اژدر: موشک زیرآبی خودرو که ممکن است از یک کشتی یا زیردریایی شلیک شود.

استتار: رنگ آمیزی یک شی جهت یکسان شدن با پس زمینه، در دوران جنگ جهانی اول، این کار بیشتر برای پنهان سازی محل استقرار توپ‌ها به کار می‌رفت البته بعضی از سربازان پیش از گشت زنی شبانه چهره خود را سیاه می‌کردند و یا تک تیراندازها از لباس‌های استتار شده استفاده می‌کردند.

اسهال خونی: بیماری ناشی از نیش حشرات که باعث اسهال و بالا آوردن خون می‌شود.

اطلاعات سری: اطلاعات نظامی یا سیاسی مفیدی که معمولا جاسوس‌های دشمن به دنبال به دست آوردن آن ها هستند.

آنزاک: عضو نیروهای مسلح مشترک استرالیا و زلاند نو.

انصراف: ترک پست یا ترک قدرت.

اوراق مشارکت جنگ: اوراق تضمین شده‌ای که از سوی دولت برای تأمین مخارج جنگ به مردم فروخته می‌شود و سود بلندمدت مالی آن برای مردم تضمین می‌شود. پول حاصل از این اوراق به پرداخت هزینه‌های جنگ کمک می‌کند. این پول بعدا با بهره یا سود به مردم برگردانیده



می‌شود.

بازجویی: پرسش از فرد متهم یا سرباز اسیر شده.

بسیج: آمادگی نیروها برای انجام وظایف.

بمب آتش زا: بمب، گلوله یا ابزار دیگری که برای ایجاد آتش به کار می‌رود.

بونکر: پناهگاه زیرزمینی هنگام بمباران.

بی سیم: ابزار مخابراتی که پیام را از طریق امواج رادیویی ارسال می‌کند.

بی طرفی: موضع عدم طرفداری از دو سوی در حال جنگ.

پاپیچ: نواری پارچه‌ای برای بستن به دور ساق پا.

پیاده نظام: سربازان پیاده.



پیرابین(پریسکوب)

پیرابین دوچشمی آلمانی: وسیله‌ای که با کمک آینه به کاربر خود اجازه می‌دهد چیزهایی را مشاهده کند که در دید مستقیم وی قرار ندارند.

تبلیغات: ارایه اطلاعات به قصد متقاعد کردن مردم نسبت به دیدگاه خاصی. که ممکن است به شکل پوستر، پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، یا فرو ریختن اطلاعیه‌های کاغذی از هواپیما انجام شود.



پوستری از مردمان امریکا

تخلیه: منتقل کردن مردم غیرنظامی از یک محل خطرناک به محلی امن تر.

تروریست: کسی که مرتکب اعمال خشونت‌بار می‌شود تا به اهداف سیاسی خود برسد یا توجه مردم را به سوی مسائل سیاسی خاصی معطوف کند.

تفنگ: سلاح بلند دارای لوله که با تکیه به شانه آتش می‌کند.

توپ: گلوله‌ای انفجاری که برای مثال از توپ صحرایی یا تانک شلیک می‌شود.

توپخانه: نیروهای مسلحی که از سلاح‌های سنگین مانند تانک و سلاح‌های زرهی دیگر استفاده می‌کنند.

جانباز: کسی که به شدت در اثر جراحت یا بیماری‌های صحنه جنگ صدمه دیده و به کندی در حال بهبود یافتن است.

جنگ فرسایشی: حمله مداوم برای خسته کردن دشمن.

چریک: سربازی که در ارتشی کوچک کار می‌کند و به اعمالی مثل خرابکاری یا عملیات جنگ و گریز دست می‌زند. به چریک ،گورلا نیز می‌گویند که واژه‌ای اسپانیولی به معنی «جنگ کوچک» است.

چسب دکمه: غلاف فلزی که برای جلوگیری از برق زدن یونیفورم سرباز و عدم جلب توجه دشمن روی دکمه‌ها نصب می‌شد.

حسن تفاهم: توافق دوستانه یا اتحاد غیررسمی بین دو یا چند کشور.

خط مقدم: مرز بین سرزمین دو کشوری که دشمن هم هستند و جایی که جنگ در حال انجام است.

خمپاره انداز: توپی کوچک که به سمت بالا آتش می‌کند تا بعد از طی مسیری منحنی به هدف بخورد.

رقابت تسلیحاتی: رقابت بین کشورها برای ایجاد تسلیحات پیشرفته تر.

رمزنگاری: استفاده از کدهای رمزی در نوشته ها و پیام ها.

سد آتش خیز به خیز: خطی از آتشی توپخانه که در جلوی پیاده نظام به آرامی ریخته شود.

سرباز تازه نفس: کسی که به خدمت نظام فراخوانده شده است.

سرباز گیری: کسی که به زور قانون برای جنگ در ارتش به کار گرفته می‌شود.

سرنیزه: تیغه‌ای قابل اتصال به تفنگ یا دیگر سلاح‌های آتشین. سرنیزه می‌تواند برای کشتن دشمن هنگام مبارزه در فواصل نزدیک و تن به تن به کار رود.

سنگر: حفره‌ای که سرباز برای محافظت از خود در برابر آتش دشمن می‌کند.

سواره نظام: در اصل، به سربازان سوار بر اسب گفته می‌شد ولی این اصطلاح بعدا برای سربازانی که از وسایل موتوری مانند تانک بهره می‌گرفتند، استفاده شد.

شناسایی مقدماتی: نگاهی مختصر به ناحیه پیش از

گسیل داشتن نیروها. معمولا برای تعیین محل استقرار نیروهای دشمن مورد استفاده قرار می گیرد.
علامت مورس: با کمک نقطه و خط تیره یا سیگنال‌های نوری یا صوتی بلند و کوتاه، حروف الفبا فرستاده و سپس به صورت کلمه برگردانده می‌شوند. این علامت به افتخار مخترع آن ساموئل مورس (۱۸۷۲-۱۷۹۱) نامگذاری شده است.
عملیات شناسایی: بررسی یک ناحیه برای آمادگی جهت پیشرروی ارتش.
غیر رزمی: افرادی مانند خدمه پزشکی ارتش که مستقیما درگیر جنگ نیستند.
فراخوانی: دعوت یا ثبت نام در نیروهای مسلح.
فیلتر اکسیژن: وسیله‌ای که روی صورت زده می‌شود تا از ورود گاز سمی به ریه‌ها جلوگیری شود.
قتل یا ترور: کشتن کسی به دلایل سیاسی.
کاروان کشتی‌های تجاری: کشتی‌های تجاری که همراه هم و تحت حفاظت اسکورت کشتی‌های نظامی حرکت می‌کنند.
کشتی‌های یو: زیردریایی‌های آلمانی.
گاز: در عرصه جنگ، گاز به معنی گاز سمی مثل گاز کلر است که به عنوان سلاحی برای خفه کردن، کور کردن یا کشتن دشمن به کار می‌رود.
گره: واحد اندازه گیری سرعت کشتی، یک گره معادل با ۱/۸۵ کیلومتر است.
گلوله افشان یا انفجاری: نوعی گلوله ضد نفر که حاوی ساچمه‌های کوچک یا گلوله‌های کروی شکل است که معمولا از سرب ساخته شده اند و با انفجار گلوله بزرگتری که حاوی این ساچمه‌ها است باعث ایجاد ترکش‌های فراوانی می‌شود.
گوشت نمک سود: نام دیگری برای گوشت نمک زده.
متارکه یا توقف جنگ: توافق برای توقف جنگ.
محل استقرار: جایی که توپ یا سایر ادوات زرهی مستقر می‌شوند.

مستعمره: کشور یا ملتی وابسته که تحت حاکمیت کشوری خارجی است



مسلسل متوسط انگلیسی ۷/۷ میلیمتری به نام ماکسیم شماره سه، تولید ۱۹۰۲

مسلسل: سلاحی خودکار که گلوله‌ها را پی در پی و شتابان شلیک می‌کند.
منطقه هیچ کس یا سرباز ممنوع: ناحیه‌ای بین دو نیروی در حال جنگ که هیچ کدام از دو طرف نبرد آن را تسخیر نکرده اند.
مهمات: ذخیره تسلیحات یا دیگر تجهیزاتی نظامی.
مین: محفظه‌ای بزرگ زیرزمینی یا زیر سطح آب، پر از مواد منفجره و دارای چاشنی انفجار که در منطقه عبور دشمن کار گذاشته می‌شود.
نارنجک: بمبی کوچک که با دست پرتاب می‌شود.
نیروهای ذخیره: افرادی که بخشی از نیروهای عادی نیستند ولی آموزش نظامی دیده اند و آمادگی دارند تا در مواقع اضطراری به ارتش بپیوندند.
نیروی عادی: سربازانی که در حال حاضر در ارتش خدمت می‌کنند، غیر از مشمولان.
همه گیر و مسری: بیماری ای که در ناحیه خاص یا بین گروه خاصی از مردم دیده می‌شود.
هواپیمای دریایی: هواپیمایی که مجهز به شناور یا اسکی برای فرود یا برخاستن از روی آب می‌باشد.


تاریخ فرهنگ و تمدن یونان


تاریخ فرهنگ و تمدن مصر


غرب وحشی


آفریقا


تاریخ فرهنگ و تمدن هند


اسرار اهرام در جهان باستان


تاریخ فرهنگ و تمدن روسیه


انقلاب آمریکا


تاریخ فرهنگ و تمدن بین النهرین


تاریخچه سینما


آفریقا


تاریخچه جنگ جهانی دوم

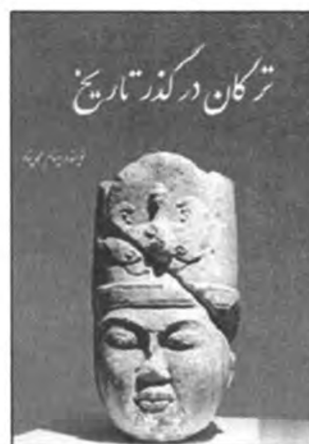

اروپا در قرون وسطی


انقلاب آمریکا


تاریخچه انتخابات در جهان


تاریخچه جاسوسی در جهان


تاریخ و ساختار نظام سیاسی
فرانسه


ترکان در گذر تاریخ

از مجموعه دانستنی ها / جلد ۳۵



نقاشی از صحنه‌ای واقعی گاز گرفتگی، اثر هنرمند امریکائی جان سینگر سارجنتارس



بسیج شوید!

طی جولای ۱۹۱۴، اعلامیه‌های نظامی در سراسر اروپا برای شهروندان ارسال می‌شد و به آنها اطلاع می‌داد ارتش کشورشان در حال بسیج و آماده شدن برای جنگ است و تمام کسانی که مشمول خدمت عادی و ذخیره هستند باید خود را معرفی کنند.



پیش به سوی جبهه

پیشرفت آلمان به شمال فرانسه چنان سریع بود که تا اوایل سپتامبر نیروهای آن در طول رود مارن، در حدود ۴۰ کیلومتری شرق پاریس مستقر شدند. ژنرال گالینی، فرماندار نظامی پاریس، ۶۰۰ تاکسی گرفت و از آنها برای انتقال ۶۰۰۰ سرباز به جبهه برای تقویت ارتش ششم فرانسه استفاده کرد.



ارتش امپراطوری

نیروهای انگلیس و فرانسه، تعداد زیادی سرباز از مستعمرات خود در آفریقا، آسیا، اقیانوس آرام و دریای کارائیب در اختیار داشتند. به علاوه، کشورهای تحت الحمایه انگلیس، یعنی؛ استرالیا، نیوزیلند، کانادا و آفریقای جنوبی نیز نیروهای خود را برای شرکت در جنگ اعزام کردند. بسیاری از این افراد هرگز پیش از این کشور زادگاه خود را ترک نکرده بودند. آنخامیت‌ها (اهالی هند و چین) متعلق به مستعمرات هند و چین فرانسه (چنان چه در تصویر می بینید) در کنار ارتش فرانسه در سالونیکای یونان در سال ۱۹۱۶ مستقر شدند. آنها یونیفورم‌های خاص خود را به تن می کردند.

ISBN 600-117-066-5

Designer: M.Mirzaei

سبزان